

گل افشان شد به برکت وجود هشتمین پیشوای شیعیان زمین و آسمان.
میلاذ **علی ابن موسی الرضا** (ع) بر اهل قلم و اندیشه مبارک باد.

گذری در کتابخانه آستان قدس رضوی

پیوند دیرینه مذهب با فراز و فرودهای تاریخی



کتاب های خطی و نفایس اداره مخطوطات کتابخانه آستان قدس رضوی مانند آینه ای است که تصویر روشنی از هزاران سال تلاش فکری دانش پژوهان و هنرپروران این مرز و بوم را

در بردارد. قرآن های بسیار زیبا و کهن این مجموعه عظیم هر یک مبین شکوه ایثار و اخلاص دانش دوستان و هنرمندان است که برای نسل های بعدی به یادگار گذاشته اند.

کتابخانه

مجلس
تولیت
آستان

شنبه ۹ آبان ۱۳۸۸
شماره ۲۵، پیاپی ۸۵۶
صفحه ۲۰، تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۴-۶۶۹۶۱۵۱
سازمان آگهی ها: ۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir

زبان، عرصه
بازیگوشی
نویسنده است
۷



داستان عاشقانه
«بیژن و منیژه» از
زبان یک فیزیکدان
۱۷



ایشی گورو:
رمان نویس
باقی خواهیم ماند
۲۰



سرآغاز

سایه کتاب برای ما

هفته کتاب ۱۰ روز است. یعنی نامش هفته است ولی خودش ۱۰ روز طول می کشد. پس می شود نام او را به هفته داد، ولی تعمیمش داد به ۱۰ روز. یعنی هفته را می شود کش آورد. وقتی سه روز را می شود به هفت روز اضافه کرد، چرا بیشتر نشود؟ مثلاً همین ۲۳ آبان که می شود هفته آینده، جشن کتاب را شروع کنیم تا چند ماه آینده ادامه یابد و بشود ماه کتاب. بعد در هفته کتاب سال بعد، بنشینیم و ببینیم در این ماه کتاب چه کار کرده ایم و مهم تر، چه کارها نکرده ایم. آن وقت یک هفته به نام کتاب است و یک ماه به کامش. اصلاً مگر نباید همین باشد؟ همه نهاد ها، سازمان ها، شرکت ها و وزارتخانه ها بسیج شده اند. حالا که بسیج شدند، یک هفته را تعمیم بدهیم به چند روز بیشتر، پس می شود زیر یک سقف به نام کتاب جمع شد و سقف را بعد از ۱۰ روز جمع نکرد. بگذاریم سایه اش بماند بر سر کتاب. سایه کتاب بماند بر سر ما. نه برای یک هفته، ۱۰ روز یا یک سال؛ که یک عمر.

جلسه مشترک ستاد هفته کتاب با مدیران رسانه ملی

ریاست سازمان صداوسیما و به طور مشخص آقای جعفری، مدیر روابط عمومی معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، تنظیم و تلاش شده است تا برنامه های مربوط به کتاب و کتابخوانی در صداوسیما با خروج از دایره پراکندگی، شکلی ماندگار و مستمر پیدا کند. وی همچنین پیشنهاد کرد تا لوگو یا شعار هفته کتاب در طول برگزاری فعالیت ها بر صفحه نمایش برنامه های رسانه ملی نقش بندد.

به گفته الهیاری فومنی، تعداد زیادی از انیمیشن های تبلیغی کتاب به سفارش معاونت فرهنگی از رسانه ملی پخش خواهد شد.

همچنین ستاد هفته کتاب نیز از فعالان رسانه ملی در حوزه کتاب و ترویج کتابخوانی در جشنی تقدیر خواهد کرد. بر این اساس سومین دوره جشن کتاب و رسانه ملی با هدف تقدیر از برنامه سازان رادیو و تلویزیون که در ترویج کتابخوانی نقش فعالی ایفا کرده اند، آبان ماه امسال و توسط موسسه خانه کتاب برگزار می شود.

در بخش تلویزیون سازندگان آثار برتر در قالب های گفت و گو، انیمیشن، مستند، ترکیبی، نمایش، فیلم و سریال، برنامه زنده، مسابقه و دوربین مخفی و در بخش رادیو نیز سازندگان آثار برتر در قالب های گفت و گو، برنامه زنده، آیتم، ترکیبی، مسابقه و نمایش، معرفی و از آنها تقدیر خواهد شد.

هفدهمین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران از ۲۳ تا ۳۰ آبان در سراسر کشور برگزار خواهد شد. آیین آغازین هفته کتاب نیز ۲۱ آبان در جزیره کیش برپا می شود.

مسئولان فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در جلسه ای مشترک با مدیران شبکه های مختلف رسانه ملی جزئیات انعکاس فعالیت های هفته کتاب را در تلویزیون و رادیو بررسی خواهند کرد.

بر اساس مصوبه هشتمین جلسه ستاد برگزاری هفته کتاب، اعضای این ستاد در جلسه ای مشترک با مسئولان شبکه های مختلف رسانه ملی، راهکارهای اطلاع رسانی مطلوب اخبار هفدهمین هفته کتاب را بررسی می کنند.

محمد الهیاری فومنی، دبیر هفدهمین هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران درباره مصوبات و برنامه های این جلسه به کتاب هفته گفت: در جلسه هشتم ستاد برگزاری هفدهمین هفته کتاب مقرر شد با بهره گیری از مباحث طرح شده در جلسات ستاد با مدیران شبکه های مختلف رسانه ملی، نحوه پخش و نمایش برنامه های مربوط به هفته کتاب بررسی شود.

حمید قبادی، مشاور معاون فرهنگی وزارت ارشاد نیز در جلسه گذشته ستاد برگزاری هفته کتاب ضمن تشکر از حضور نماینده سازمان صداوسیما در جلسات این ستاد، از تفکیک پخش برنامه های مربوط به هفته کتاب بر اساس مخاطبان شبکه های گوناگون تلویزیونی خبر داد. وی همچنین درباره استمرار همکاری های معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با رسانه ملی از موافقت دو طرف در تفاهم نامه ای مشترک خبر داد و تصریح کرد: «تفاهم نامه در جلساتی مشترک با نماینده حوزه



۲

نمایشگاه کتاب
کرمانشاه ۱۴ آبان
آغاز می شود

۳

• فیلیپ راث: رمان
در حال احتضار است

• «پرنسس پابرهنه»
امانوئل اشمیت
به ایران رسید

ع

• تازه ترین آثار
راه یافته به جشنواره
نقد کتاب

• پرفروش ترین
کتاب های هفته



روایت و بازآفرینی هنری گنجینه خصلت های والا و انسانی هشت سال دفاع مقدس یک مجاهدت بزرگ است که قطعاً تأثیرات آن حادثه عظیم را خواهد داشت. آثار هنری مربوط به دفاع مقدس در عرصه های فیلم، کتاب، خاطره و رمان، یکی از پرمخاطب ترین آثار هنری بعد از انقلاب در جامعه است. بنابراین هرچه بیشتر در این عرصه سرمایه گذاری و تلاش شود مناسب است. مسؤولان بخش های فرهنگی و هنری نیز باید بیش از پیش از نظرات و دیدگاه های فعالان این عرصه استفاده کنند.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از هنرمندان و فعالان عرصه ادبیات و هنر دفاع مقدس ۱۳۸۸/۶/۲۴

دانشنامه علوم قرآنی

ایکنا: نخستین جلد از مجموعه دانشنامه علوم قرآنی به سرپرستی حجت الاسلام والمسلمین سید سعید حسینی از سوی مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم پایان پاییز جاری منتشر می شود. حجت الاسلام والمسلمین سید سعید حسینی سرپرست این دانشنامه گفت: «اکنون دانشنامه علوم قرآنی که شامل مباحث علوم قرآنی به کار رفته در دایره المعارف قرآن کریم و مجموعه فرهنگ قرآن است به صورت مستقل آماده چاپ است.»

وی ادامه داد: «مطالب دانشنامه علوم قرآنی به صورت موضوعی انتخاب و به صورت الفبایی تنظیم شده است.»

حسینی تصریح کرد: «در نخستین جلد این دانشنامه ۵۰ مقاله موضوعی درباره علوم قرآن به کار رفته است؛ برای نمونه آیه های نامدار، اسباب نزول، سوره های قرآن، حروف مقطعه و... برخی از موضوعات مقالات به کار رفته در این دانشنامه است.»

وی در پایان گفت: «همچنین دانشنامه های اخلاق، برهان ها و اعجاز های قرآن نیز در دست آماده سازی برای انتشارند.»

ویژه نامه المپیاد قرآن

ایکنا: دومین ویژه نامه چهاردهمین المپیاد بین المللی قرآن و حدیث با عنوان «بشری» از سوی اداره کل امور قرآنی و حدیثی جامعه المصطفی (ص) العالمیه منتشر شد. «پیام آیت الله جوادی آملی به چهاردهمین المپیاد بین المللی قرآن و حدیث»، «شرکت کنندگان المپیاد بین المللی قرآن و حدیث»، «پرچمداران تمدن جدید اسلامی»، «جامعه المصطفی (ص) العالمیه در صد ابداع یک نهضت تمام عیار قرآنی است» بخشی از عناوین این ویژه نامه است.

در بخشی از پیام آیت الله جوادی آملی چنین آمده است: «رسالت عالمان دین در حمایت از قرآن و سنت معصومان است، زیرا فتنه معاندان اسلام ستیز در نفوذ از کانال تشابهات است و این تشابه هم در قرآن وجود دارد و هم در حدیث، چنانچه محکومات نیز در هر دو موجود و کیفیت تشابهات با محکومات، در هر دو ثقل مطرح است.»

بخش دیدگاه این ویژه نامه به نظرات مسؤولان درباره این المپیاد پرداخته و نگاهی به کارگاه های آموزشی المپیاد بین المللی قرآن و حدیث یکی دیگر از بخش های این ویژه نامه است. «ریشه های شبه تناقض و تعارض درباره آیات قرآن کریم» و «المپیاد بین المللی قرآن و حدیث در مسیر توسعه و ترویج فرهنگ ثقلین در جهان» نیز بخش دیگری از مطالب این ویژه نامه است.

با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم تقدیر از خادمان نشر

هفته کتاب ۲۳ آبان آغاز می شود

هفدهمین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران امسال در حالی ۲۳ آبان آغاز می شود که بسیاری از سازمان ها و نهادهای دولتی و غیردولتی برای حضور در این حرکت فرهنگی اعلام آمادگی کرده اند. سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، انجمن تصویرگران، ناشران آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها و نهادها و سازمان های دیگری با اعلام برنامه ها و طرح های مختلف آمادگی خود را برای برگزاری مطلوب هفته کتاب اعلام کرده اند. در ادامه اخبار برخی از این برنامه ها می آید.

افتتاح هفته کتاب در کیش

آیین افتتاحیه هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران و مراسم تقدیر از خادمان نشر کشور ۲۱ آبان با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از مسوولان فرهنگی کشور، برگزیدگان جوایز تشویقی کتاب سال، خادمان نشر و اهالی فرهنگ و قلم در تالار جزیره کیش برگزار می شود.

این مراسم با حمایت سازمان منطقه آزاد کیش برگزار می شود و تقدیر از خادمان و تلاشگران عرصه نشر کشور، نخستین برنامه هفدهمین دوره هفته کتاب خواهد بود.

۳۰۰ برنامه فرهنگی در استان های کشور

مدیرکل امور کتابخانه های ستاد عالی کانون های فرهنگی هنری مساجد از اجرای ۳۰۰ برنامه فرهنگی - اجتماعی در کتابخانه های مساجد کل کشور خبر داد و گفت: «در هر استان حداقل ۱۰ برنامه

در نشست «بررسی قانون کپی رایت کتاب کودک» که دوشنبه هفته گذشته در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شد، برخی فعالان حوزه نشر آثار کودک و نوجوان بر لزوم رعایت حقوق مالکیت معنوی (قانون کپی رایت) در چاپ آثار مکتوب مربوط به این حوزه صحه گذاشتند.

این نشست با حضور نوش آفرین انصاری (رئیس هیات مدیره شورای کتاب کودک)، محمدرضا شاه آبادی (مدیر انتشارات کانون)، لیلی حائری (مترجم) و سید علی کاشفی خوانساری (پژوهشگر) برگزار شد.

انصاری در این نشست تاکید کرد که در انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز از سال ۸۱ قوانین مربوط به کپی رایت رعایت می شود تا با توجه به این قوانین حقوق مولفان و دست اندکاران تهیه و تولید کتاب چه در داخل و چه در خارج از کشور محفوظ بماند و با اشاره به انتشار کتاب «راهنمای حقوق مالکیت معنوی (کپی رایت) در آسیا» با ترجمه لیلی حائری گفت:

گام اول ۱۵ آبان برندگان خود را می شناسد

مراسم سومین دوره جشنواره ادبی گام اول، جمعه ۱۵ آبان در شهر ارومیه مرکز استان آذربایجان غربی برگزار می شود. به گزارش دبیرخانه جایزه گام اول، در سومین دوره این جایزه در مجموع ۱۶۶ اثر در حوزه های داستان و شعر در دو گروه سنی بزرگسال و کودک و نوجوان به رقابت پرداختند.

بنا بر اعلام این دبیرخانه، ۳۸ اثر از نویسندگان نوقلم به مرحله نهایی داوری سومین جایزه گام اول راه یافتند که از این تعداد، ۶ اثر در بخش شعر بزرگسال، ۱۳ اثر در بخش شعر کودک و نوجوان، ۸ اثر در بخش داستان بزرگسال و ۱۱ اثر در بخش داستان کودک و نوجوان جواز ورود به مرحله نهایی جایزه گام اول را دریافت کردند.

جایزه گام اول از سوی موسسه خانه کتاب برگزار می شود و افرادی که برای نخستین بار کتاب منتشر کرده اند می توانند در آن شرکت کنند.

سومین دوره این جایزه با همکاری موسسه خانه کتاب و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان غربی ۱۵ آبان امسال در تالار شمس مجتمع فرهنگی هنری ارومیه برگزار می شود. اسامی کتاب ها و نویسندگان راه یافته به مرحله نهایی داوری ها در سایت خبرگزاری کتاب ایران (ibna.ir) قابل مشاهده است.



که در این میان بیشترین آثار رسیده در بخش اصلی را گروه علوم پزشکی با ۲۲۸ اثر و کمترین آثار رسیده در بخش اصلی را گروه علوم پایه با ۲۳ اثر به خود اختصاص داده است.

تقدیر از رسانه فعال در حوزه کتاب

همزمان با برگزاری هفدهمین دوره هفته کتاب از فعال ترین رسانه در پوشش اخبار و رویدادهای حوزه کتاب در بخش ویژه مراسم هشتمین جشنواره کتاب و رسانه برتر تجلیل می شود. علاقه مندان به شرکت در این جشنواره تا ۱۵ آبان فرصت دارند آثار خود را به دبیرخانه این جشنواره در وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی ارسال کنند. همچنین از رسانه ای که اخبار و فعالیت های هفته کتاب را بیشتر از سایر رسانه ها منعکس کرده باشد به عنوان فعال ترین رسانه در ایام هفته کتاب تقدیر خواهد شد.

فعالان نشر کودک و نوجوان بر قانون کپی رایت صحه گذاشتند

ناگزیر دانست.

همچنین در نشست دیگری که هفته گذشته با عنوان «نقش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در حوزه ادبیات کودک و نوجوان» برگزار شد، نقش این مرکز در رشد و پرورش فکری کودکان در مقاطع مختلف تاریخی بررسی شد و برای بهبود فعالیت های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان راهکارهایی ارائه شد. در این نشست حمیدرضا شاه آبادی (مدیر انتشارات کانون) شهرام اقبال زاده (مترجم و منتقد) و سید علی کاشفی خوانساری (پژوهشگر) حضور داشتند.

نمایشگاه کتاب کرمانشاه

۱۴ آبان آغاز می شود

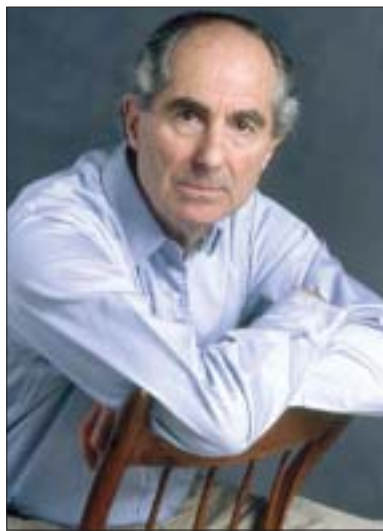
شهر کرمانشاه در ادامه برگزاری نمایشگاه های استانی کتاب، پنجشنبه این هفته، ۱۴ آبان برای پنجمین بار و به مدت یک هفته میزبان علاقه مندان کتاب خواهد بود.

این نمایشگاه که صد و پنجاهمین نمایشگاه کتاب استانی است با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به همت موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران و با همکاری اداره کل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمانشاه برگزار می شود.

نمایشگاه کتاب استان کرمانشاه، پنجشنبه ۱۴ آبان، با حضور دکتر محسن پرویز معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از مسوولان فرهنگی طی مراسمی کار خود را آغاز می کند.

موسسه نمایشگاه فرهنگی ایران به عنوان متولی اصلی برگزاری نمایشگاه های استانی، ثبت نام از ناشران را برای حضور در نمایشگاه های کرمانشاه به پایان رسانده و ناشران در این نمایشگاه در ۲۲۸ غرفه در ۴ سالن آثار خود را در معرض دید علاقه مندان قرار خواهند داد.

فیلیپ راث: رمان در حال احتضار است



و اعتقاد دارد وقتی این اتفاق را برای ۲۵ سال آینده پیش بینی می کند بسیار خوشبین است. راث همچنین در گفت و گو با گاردین، دستگاه های کتابخوانی را که برای مطالعه کتاب های الکترونیک ساخته شده بی تاثیر دانسته و گفته است: «کتاب در نهایت نخواهد توانست با سینما، تلویزیون و کامپیوتر

فیلیپ راث، نویسنده آمریکایی و برنده جایزه ادبی پولیتزر، همزمان با انتشار چاپ جدیدترین اثر خود در گفت و گویی با «گاردین»، از آینده جایگاه رمان به شدت ابراز نگرانی کرد و گفت: «کتاب توانایی رقابت با سینما را ندارد و تا ۲۵ سال آینده تعداد علاقه مندان به رمان بسیار اندک خواهد بود.» این نویسنده ۷۶ ساله که اوایل هفته گذشته آخرین رمان خود را با نام «متواضع» منتشر کرد در ادامه اظهار نظر خود گفته است: «من واقعا نسبت به آینده رمان بدبینم. هرچند رمان همواره خوانندگان خود را خواهد داشت اما در ۲۵ سال آینده علاقه مندان به رمان گروه کوچکی از مردم خواهند بود.»

به گفته این نویسنده مطالعه رمان به «تمرکز» و «دقت» نیاز دارد و باید رمان را در حداکثر دو هفته مطالعه کرد. وی با بیان این توضیحات اضافه کرد: «تمرکز و دقتی که برای مطالعه رمان لازم است در حال کمتر و کمتر شدن است و خوانندگان این آثار به کامپیوتر و تلویزیون روی می آورند. همین امروز هم پیدا کردن گروهی از مردم که شوق و تمرکز کافی برای مطالعه رمان داشته باشند بسیار دشوار است.»

به باور راث، آدم های کتابخوان تا ۲۵ سال آینده به یک اقلیت کوچک یا یک فرقه تبدیل خواهند شد

رقابت کند. با وجود این همه صفحه نمایشگر، دیگر کتاب اصلا به حساب نمی آید.» این اولین بار نیست که راث نسبت به آینده کتاب و رمان اظهار نگرانی می کند. این نویسنده ۷۶ ساله آمریکایی در سال های ۱۹۹۴ و ۲۰۰۱ به ترتیب با نگارش رمان های «عملیات شی لاک» و «لکه انسانی» جایزه «قلم فاکنر» را از آن خود کرده است. وی سه بار به جایزه «قلم فاکنر» (پن فاکنر) دست یافته و جایزه ادبی «پولیتزر» را هم در سال ۱۹۹۸ به دست آورده است.

وی در طول زندگی ادبی خود بیش از ۳۰ کتاب چاپ کرده که برخی از آنها به فارسی ترجمه شده اند. راث پس از جدایی از همسرش در سال ۱۹۹۳ کاملا تنها در خانه ای باغ دار و محصور میان درختان سیب، در حاشیه نیویورک زندگی می کند. او خودش آشپزی می کند و با کسی رفت و آمد ندارد. این نویسنده مطابق برنامه ای بسیار منسجم در تمام روزهای سال صبح، ظهر و شب به نوشتن می پردازد. علاوه بر نوشتن تنها یک کار ثابت در برنامه هرروزه این نویسنده وجود دارد؛ شنا در استخر خانه اش. این نویسنده سرشناس، کسب جایزه پولیتزر سه جایزه ادبی پن، فاکنر و دو جایزه ملی کتاب آمریکا را در کارنامه افتخارات خود دارد.

نامزد های نهایی جایزه ادبی «گنکور» معرفی شدند

نویسنده سنگالی؛ شانس اول دریافت جایزه ادبی فرانسه



به نوشته روزنامه لوموند، ماری ندیای، نویسنده سیاه پوست ۴۳ ساله با اصالت سنگاری، شانس اول دریافت جایزه ادبی فرانسه گنکور است. سال گذشته هم یک نویسنده افغانستانی مقیم فرانسه این جایزه را به دست آورده است.

آکادمی فرانسه نام چهار نویسنده را به عنوان نامزدهای نهایی جایزه گنکور اعلام کرده است که همچون فهرست قبلی، نویسندگان زن و مرد حضور برابری در آن دارند. لارنت موویگنی بر برای کتاب «مردان»، ماری ندیای برای کتاب «سه زن قدرتمند» ژان فیلیپ توسان برای کتاب «حقیقتی درباره ماری» و دلفین دو ویگان برای «ساعت های زیرزمینی»

چهار نامزد دریافت بزرگ ترین جایزه ادبی فرانسه اند. به گزارش روزنامه لوموند، برنده سال ۲۰۰۹ این جایزه در حالی روز دوم نوامبر معرفی خواهد شد که ماری ندیای، نویسنده ۴۲ ساله که اصالت انگلیسی دارد، شانس اول کسب جایزه است و در صورت تحقق این موضوع، او اولین نویسنده زن سیاه پوستی خواهد بود که موفق به کسب این جایزه می شود.

جایزه گنکور برای اولین بار در ۲۱ دسامبر ۱۹۰۳ برگزار شد که جان آنتوان نائو برای کتاب «نیروی دشمن» نام خود را به عنوان اولین برنده آن به ثبت رساند. سال گذشته، عتیق رحیمی، نویسنده افغانستانی مقیم فرانسه، با کتاب «سنگ صبور» موفق به دریافت این جایزه شد. پیش از او نیز ژیل لروی برای کتاب «آواز آلاما» گنکور سال ۲۰۰۷ را به دست آورده بود. از برندگان سرشناس این جایزه در ۱۰۷ سال برگزاری آن می توان به مارسل پروست در سال ۱۹۲۹ و سیمون دو بووار در سال ۱۹۵۴ اشاره کرد.

«پرنسس پابرهنه» اریک امانوئل اشمیت به ایران رسید



مجموعه داستان «پرنسس پابرهنه و داستان های دیگر» اثر اریک امانوئل اشمیت، نویسنده و نمایشنامه نویس فرانسوی به فارسی ترجمه و در ایران منتشر می شود.

این مجموعه داستان را سعیده بوغیری به فارسی ترجمه کرده و ترجمه او توسط موسسه انتشاراتی افراز روانه بازار کتاب ایران می شود.

این یکی از آخرین کتاب هایی است که اشمیت نوشته است. وی این مجموعه داستان را در سال ۲۰۰۶ میلادی و با نام اصلی «odette toulemonde et autres histoires» نوشته و منتشر کرده است. وی در این کتاب هشت داستان کوتاه گنجانده که «پرنسس پابرهنه» یکی از این داستان ها است.

امانوئل اشمیت، ۲۸ مارس ۱۹۶۰ در حومه شهر لیون فرانسه متولد شد. وی از بچگی شیفته موسیقی بود و در ۹ سالگی پیانو یاد گرفت. اشمیت در ابتدا می خواست موسیقیدان شود. اما استادانش او را منصرف کردند، چرا که اعتقاد

در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

یادداشت اهالی قلم

بخش «یادداشت روز» خبرگزاری کتاب که روزانه یادداشتی را از اهالی کتاب و قلم منتشر می کند هفته گذشته دو یادداشت از فرهاد شیرزادی، روزنامه نگار و یادداشت هایی از بهروز کهزیز، خبرنگار کتاب، حامد هاتف، دبیر گروه ادب و هنر خبرگزاری کتاب، فرزاد کفیلی، خبرنگار حوزه ادبیات کودک و نوجوان این خبرگزاری و حمید محمدی، نویسنده و روزنامه نگار منتشر کرد.

فرهاد شیرزادی در یکی از دو یادداشت خود درباره آثار شل سیلوراستاین، نویسنده آمریکایی قلم زده و نوشته است: «ذهنیت نویسنده ای مثل «استاین» قطعا ذهنیت ویژه و درخوری است که می توان با توسل به آن، «داستانک» هایی تازه آفرید. این داستان نویس بی شک فراز و فرودهای فراوانی را پشت سر گذاشته تا این که توانسته چنین آثاری خلق کند.» وی در یادداشت دیگر خود با عنوان «شازده کوچولو در زبان فارسی» درباره هیوا مسیح، شاعر ایرانی نوشته و او را شاعر و نویسنده ای پرکار دانسته است. این روزنامه نگار با مقایسه برخی آثار هیوا مسیح با سبک نوشتن آنتوان دوست آگروپری، نویسنده فرانسوی و خالق رمان «شازده کوچولو» می نویسد: «شیوه نگارش «هیوا مسیح»، جهان بینی، احساسات و عقایدی که در دل رمان، به شکلی بارز در چشم انداز خواننده جلوه می کند بسیار با دنیای داستانی و سیر و سلوک آنتوان دوست آگروپری شباهت دارد.»

حامد هاتف عنوان «مظاهر زبان تازه و شعر کهن مصفا» را برای یادداشت خود برگزیده و درباره مظاهر مصفا، شاعر فارسی گو نوشته است. وی با ذکر نمونه برخی از سروده های آخرین اثر این شاعر به معرفی کتاب «گزینه اشعار مصفا» که از تازه ترین آثار منتشر شده مصفا است پرداخته. کفیلی نیز از «مخاطب سنجی» آثار مربوط به کودکان و نوجوانان نوشته و در یادداشت خود این کار را نیاز این حوزه دانسته است.

نقد و معرفی جدیدترین کتاب ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب هایی که به زودی قدم به کتابفروشی ها می گذارند، گفت و گوهایی با پدیدآورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه ترین خبرها و گزارش ها از کتاب و ادبیات و نقد و تحلیل هایی بر کتاب های جدید، از دیگر مطالبی است که می توان در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران به آنها دسترسی داشت.

ایبنا نوجوان و جشنواره «سلام»

گزارش کامل دوازدهمین دوره جشنواره «سلام» که توسط نشریه «سلام بچه ها» برگزار می شود، این هفته در «ایبنا» نوجوان، وب سایت فرعی خبرگزاری کتاب ایران، ویژه کودکان و نوجوانان، برای بچه ها منتشر شده است. همچنین گزارشگران این خبرگزاری خبری منتشر کرده اند مبنی بر این که مصطفی محمدی ۱۰۰ کتاب تاریخی را برای کودکان و نوجوانان بازنویسی می کند. «ایبنا نوجوان» این هفته سلسله گزارش های آغاز کرده است که در آن جدیدترین فیلم های سینمایی را که با اقتباس از کتاب های مربوط به کودکان و نوجوانان برای بچه ها ساخته می شوند، معرفی می کند.

استقبال از نمایشنامه پل زیندل

اثر «پرتوهای گاما بر روی گل‌های همیشه بهار ساکنین کره ماه» عنوان نمایشنامه‌ای است از پل زیندل با ترجمه شهرام زرگر که در فهرست آثار پرفروش هفته گذشته انتشارات بیدگل قرار داشت. زیندل در این نمایشنامه که سال ۱۹۷۱ برنده جایزه پولیتزر شد با بهره‌گیری از علم در دام به‌بازنمایی تقابل فرزندان و والدین و تفاوت تلقی نسل‌ها از مفاهیم و رویدادها پرداخته است. این کتاب، نخستین و معروف‌ترین اثر این نمایشنامه‌نویس آمریکایی است که در آن به ترسیم لایه‌های روانی و روابط عاطفی شخصیت‌ها پرداخته و تجربه‌های کودکی نویسنده در خانه‌ای بدون پدر با مادری عصبی و خوهراری مبتلا به صرع و علاقه به گل‌های همیشه بهار مستقیماً به نمایشنامه راه یافته است. مسوول فروش کتابفروشی بیدگل دیگر آثار پرفروش خود را در هفته گذشته به این ترتیب اعلام کرد: «راه حل‌های ساده برای مکعب روبیک» اثر جیمز جی. نورث با ترجمه محسن کاس نژاد از انتشارات هزاره ققنوس، «اولئانا» نمایشنامه‌ای از دیوید ممت با ترجمه علی اکبر عزیزاد از نشر بیدگل؛ «عطر سنبل عطر کاج» اثر فیروزه جزایری دو ما با ترجمه محمد سلیمانی‌نیا از انتشارات قصه، «در انتظار گودو» اثر ساموئل بکت با ترجمه علی اکبر عزیزاد از نشر بیدگل، «دانستی‌های نجات بخش انیمیشن» از ریچارد ویلیامز با ترجمه فرناز خوشبخت از انتشارات سازمان سینمایی فارابی؛ «توشوغول مردنت بودی» گزیده شعرهای جهان با ترجمه محمدرضا فرزند از انتشارات حرفه هنرمند و «این مردم نازنین» به قلم رضا کیانیان از نشر مشکی. کتاب «شیر» تالیف محمد عطاریانی از نشر علی و «دوست داشتم کسی جایی منتظرم باشد» اثر آنا گاولدا با ترجمه الهام دارچینیان از نشر قطره نیز تنها آثار پرفروش کتابفروشی امیر در هفته گذشته بوده‌اند.

«دوست داشتم کسی جایی منتظرم باشد» مجموعه داستانی است از یک نویسنده جوان فرانسوی که پس از ترجمه آن به فارسی به چاپ‌های متعددی رسید و با استقبال خوبی از سوی مخاطبان روبه‌رو شد. در مقدمه این کتاب درباره ویژگی این نویسنده آمده: «نقطه قوت گاولدا در این است که همان‌گونه که آدمی سخن می‌گوید، می‌نویسد... کلام مکتوب از کلام شفاهی پیشی نمی‌گیرد، از آن عقب نمی‌ماند، آن را دوچندان نمی‌نماید، بلکه به سادگی جایگزین آن می‌شود.»

تازه‌ترین آثار راه یافته به داوری نهایی جشنواره نقد کتاب



آثار برتر سه حوزه دین، زبان‌شناسی و علوم و فنون به مرحله نهایی داوری در ششمین جشنواره نقد کتاب راه یافتند. دبیر علمی ششمین جشنواره نقد کتاب با اعلام این خبر، تعداد آثار راه یافته به مرحله نهایی را در حوزه دین هفت مقاله، در زبان‌شناسی دو مقاله و در علوم و فنون نیز دو مقاله عنوان کرد. او جوبی درباره نحوه دریافت مقالات این جشنواره گفت: «قاعده این است که مقالات را خود مؤلفان یا صاحبان نشریات بفرستند، اما طبق آنچه عملاً اتفاق افتاده تنها حدود ۲۰ درصد از مقالاتی که به دست ما رسیده را خود نویسنده‌ها فرستاده‌اند و ۸۰ درصد دیگر را خودمان از طریق تهیه نشریات و بررسی مقالات آنها انتخاب کرده‌ایم. البته منظورم از انتخاب این نیست که براساس سلیقه‌گزینی شده باشند، بلکه آن دسته از مقالاتی که متناسب با مولفه‌های حوزه نقد بود وارد گردونه داوری شدند.

جشنواره نقد کتاب شامل همه حوزه‌ها از جمله کودک و نوجوان، فلسفه، ادبیات فارسی، ادبیات داستانی، زبان‌شناسی، علوم اجتماعی، علوم و فنون، دین و سایر رشته‌ها می‌شود و تنها مقالاتی می‌توانند

آثار راه یافته به جایزه «کتاب سال شعر جوان»

اسامی ۲۱ اثر راه یافته به مرحله نهایی جشنواره کتاب سال شعر جوان مشخص شد. این جایزه به شاعران جوانی اختصاص دارد که حداکثر ۳۰ سال سن دارند و همچنین در سال گذشته مجموعه شعری منتشر کرده باشند. به نوشته پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر شعر جوان، ۲۱ اثر از ۱۳۰ اثر رسیده به دفتر شعر جوان برای شرکت در سومین دوره «کتاب سال شعر جوان» پس از بررسی مقدماتی و داوری مرحله نخست به مرحله نهایی داوری این جشنواره رسیدند.

«از پنجره‌های بی‌برنده» علیرضا بدیع، «انگشتان کشیده‌ام» سمانه عابدینی، «با خودم حرف می‌زنم» روجا چمنکار، «بی‌خوابی عمیق» محمدمهدی سیار، «پارو زدن در خاک» داریوش معمار، «دالان حاج مختار پلاک ۱۹» مجید سعیدآبادی، «دروغ‌های مقدس» حامد ابراهیم پور، «دنیا چشم از ما بر نمی‌دارد» الهام اسلامی، «دومین پسر مریم» وحیدشریفیان، «رجز مویه» امید مهدی نژاد، «روزهای بی‌حواس» رضا عابدین زاده، «زمین اگر نچرخد» جواد سلطانی، «زیر چتر توبران‌می‌آید» مهدی فرجی، «قابل توبه‌می‌کند» ابراهیم اکبری دیزگاه، «غزل کلام خدایان است» امیر مرزبان، «کاجی در پهلولی خیابان» آبان صابری، «گنجشک‌ها روی برف راه می‌روند» فریاد ناصری، «لیالی مجنون» محمدرضا جواد آسمان، «من شور» محمود

حیبی کسبی، «نی‌زن، جذامی و باد»، سعیدی گلپایانی و «یک آدم با آرواره‌های معمولی» کیانا رشیدی به ترتیب حروف الفبا عنوان این آثار هستند. پس از داوری مرحله نهایی، نقد و بررسی هفت اثر صاحب بیشترین امتیاز داوری، طی هفت برنامه ۱۹ تا ۲۵ آبان در محل دفتر شعر جوان برگزار خواهد شد. مراسم اختتامیه سومین دوره کتاب سال شعر جوان در روز پنجشنبه (۲۸ آبان) در خانه هنرمندان ایران برگزار خواهد شد.

یافته به مرحله نهایی در سه حوزه هنر، داستان کودک و نوجوان و شعر بزرگسال نیز در شماره قبل کتاب هفته (۲۰۴) دوم آبان ماه ۱۳۸۸ درج شد. در ادامه فهرست آثار راه یافته به مرحله نهایی در سه حوزه دین، زبان‌شناسی و علوم و فنون از نظر می‌گذرد.

دین: مکتب تفسیری صدرالمآلهین؛ مجید فلاح پور، کتاب ماه دین، سال یازدهم، شماره ۱۲۷، اردیبهشت ۱۳۸۷، قرآن کریم با ترجمه صالحی نجف‌آبادی؛ جویا جیبانیخ، جهان کتاب، سال ۱۳، شماره ۱ و ۲ فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷، هفت نظریه در باب دین؛ ولی عبیدی، کتاب ماه دین، سال یازدهم، شماره ۱۳۲، مهر ۱۳۸۷، فرار و فرود سیره‌پژوهی در غرب؛ سیدعلی آقایی، آینه پژوهش، سال ۱۹، ش ۲ و ۳ (۱۱۱-۱۱۰) خرداد - شهریور ۱۳۸۷/نگاهی به کتاب «دین زردشتی؛ دیرینگی و نیروی دوام آن»؛ عسکر بهرامی، معارف، دوره ۲۲، شماره ۳، آذر - اسفند ۱۳۸۵ (تاریخ انتشارات آبان ۱۳۸۷)، بررسی کتاب سیف‌الامه و نقدی بر چاپ آن؛ حامد ناجی اصفهانی، آینه میراث، دوره جدید، سال ۶، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷/نقد ترجمه بخشی از کتاب فلسفه عرفانی ابن مسره و پیروانش؛ محمدحسین محمدپور، کتاب ماه دین، سال یازدهم، شماره ۱۳۲، مهر ۱۳۸۷.

زبان‌شناسی: از تبریز تا نقوسان؛ حسین جعفری، رحیم تبریزی، کتاب ماه ادبیات، شماره ۲۱، پیاپی ۱۳۵، دی ۱۳۸۷، نگاهی به «ویژگی‌های نحوی زبان فارسی»؛ محرم رضایتی کیشه‌خاله، سهیلا فرهنگی، کتاب ماه ادبیات، شماره ۱۲، پیاپی ۱۲۶، فروردین ۱۳۸۷.

علوم و فنون: تکتک‌لشا؛ علی صفری آق‌قلعه، گزارش میراث، دوره دوم، سال ۳، شماره ۲۱ و ۲۲، خرداد و تیر ۱۳۸۷، کیهان‌شناسی، جان‌شناسی، مجدالدین کیوانی، نامه فرهنگستان، دوره دهم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷.

باسمه تعالی

نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

در آستانه دهه چهارم انقلاب اسلامی شکوهمند ملت بزرگ ایران و به منظور تکرار و ترویج ارزش‌های انقلابی و عدالت، بصورت و آزادی و یا هدف ثبت آن همه حماسه‌های شریفی که در حافظه تاریخی بشری، نخستین مسابقه نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران برگزار می‌شود. این مسابقه فرصتی است برای همه صاحبان ایده و نظر و دیدگاه‌های خلاق، هنرمندانی که خود را در تاریخ و سرنوشت سبکی نشان شریک و دخیل می‌دانند و اهمیت روشنگری و بازتاب‌دهنده حقایق و وقایع را برای فرزندان امروز و فردا فریادند. مناسب با موضوع رویداد انقلاب اسلامی برای انسان‌هاست و روش‌های نوین، آرمان‌های ملی و آزادی، خواهی، نظم سبزی و عدالت طلبی، حماسه سازی، ابتکار و سایر تأثیرات تمدنی آن در جهان کنونی، آثار ماندگار و شایسته‌ای را به گنجینه‌ی ادبیات نمایشی کشور خواهند افزود.

به مشارک مورد نیاز

۱. فرم پر شده تقاضای حضور در مسابقه برای هر نمایشنامه پر کردن یک فرم جداگانه الزامی است.
- محدودیتی بر تعداد آثار وجود ندارد.
- سه نسخه تایپ شده از نمایشنامه به همراه لایق آن در محیط ۳۰×۳۰ بر روی لوح فشرده.
- یک نسخه عکس پرسنلی نویسنده.

■ جوائز مسابقه

به منظور حمایت و تشویق از نویسندگان، آثار برگزیده در قالب کتاب مستقل منتشر خواهند شد. همچنین جوایزی به رسم یادبود به‌ده اثر برگزیده به شرح زیر اعطاء می‌شود:

۱. سه اثر برگزیده نخست، هر یک ۲۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل دو میلیون تومان.
۲. سه اثر برگزیده دوم، هر یک ۱۵۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان.
۳. چهار اثر برگزیده سوم، هر یک ۱۰۰۰۰۰۰ ریال، معادل یک میلیون تومان.

■ گاه شمار:

۱. ارسال آثار از طریق پست، به‌تاریخ ۲۰ آبان ۸۸.
۲. اعلام نتایج و اهدای جوایز تا تاریخ ۲۰ آبان ۸۸.

فرم تقاضای حضور در نخستین مسابقه سرپرستی نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران

عنوان نمایشنامه: _____ نویسنده: _____

میراث تحصیلات (با ذکر رشته و گرایش): _____ شماره تماس (شماره همراه): _____ نشانی دقیق پستی: _____

انتخاب: _____ با اطلاع کامل از مفاد فراخوان نخستین مسابقه سرپرستی نمایشنامه نویسی با موضوع انقلاب اسلامی ایران، مشارک فوق را در صحت و درستی ارائه می‌دهد.

تاریخ و امضاء: _____

آدرس: خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و خیابان جنوبی، ساختمان شماره ۲۱۶۰، طبقه دوم، روابط عمومی مسئولیت پستی: ۱۳۱۵-۲۱۳ شماره تماس: ۶۶۶۱۲۵۲-۶۶۶۶۲۱۲

برنامه‌های سرای اهل قلم در این هفته

امروز شنبه نهم آبان نشست دیگری از سلسله نشست‌های حافظ پژوهی با حضور دکتر پرویز عباسی داکانی برگزار می‌شود.

نقد و بررسی رمان «فصل رزهای صورتی» عنوان نشست فردا دهم آبان است که در این نشست احمد عربلو، عزت‌الله الوندی و منیرالسادات موسوی حضور خواهند داشت.

نشست روز دوشنبه از سلسله نشست‌های فلسفه نیز به بررسی کتاب «کانت در ایران» با حضور دکتر کریم مجتهدی و دکتر حسین کلباسی اختصاص دارد.

آخرین نشست این هفته نیز روز چهارشنبه به رونمایی کتاب «تحلیل فرمالیستی متون نمایشی» اختصاص دارد که با حضور علی ظفر قهرمانی نژاد و علی اکبر عزیزاد برگزار می‌شود.

تمامی نشست‌های این هفته از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰ در محل دائمی سرای اهل قلم واقع در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ برگزار می‌شود و حضور در این جلسات برای عموم آزاد است.

نمایشگاه نفایس خطی با موضوع امام رضا (ع)

به مناسبت ولادت حضرت رضا(ع) نمایشگاهی با عنوان «خورشید مهربانی» شامل کتاب‌های خطی، چاپ سنگی و چاپی و لوح فشرده با موضوع امام رضا(ع) در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی برگزار می‌شود. در نمایشگاه «خورشید مهربانی» نقشه جاده ولایت همراه با تصاویری از قدمگاه‌های امام رضا(ع) از مدینه تا مرو نیز در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی نمایش داده می‌شود.



تیغی که به جای اصلاح زخم می زند



(بهترین داستان های کوتاه آمریکایی در ۱۹۹۹) را به چاپ می رساند که ویژگی های کتاب «از دریاچه جوهر» مایکل اونداته را دارد. در مقابل نمونه های گفته شده، یکی از ناشران تهرانی معتقد است در ایران برخی ناشران برای حفظ پروانه نشر شروع به کتاب سازی می کنند و عده ای مولفان تازه به دوران رسیده نیز شاید برای رسیدن به شهرتی کاذب یا به جیب زدن مبلغی برای انتشار اینچنین کتاب هایی پیشاپیش داوطلب شوند. رضا هاشمی نژاد، صاحب امتیاز نشر افق نیز با بیان این موضوع که اساس خاستگاه کتاب سازی در ایران با خاستگاه کتاب سازی در کشورهای دیگر متفاوت است، می گوید: «اکثر کتاب سازی هایی که در ایران انجام می شود، تقریباً حول محور ثابتی از جمله سیاست روز کشورمان و مسائل تاریخی معاصر و گاه موضوع های ریشه ای ادبیات که به کهنه آنها نمی توان به سادگی دست یافت، برمی گردد. چگونگی زندگی و آداب و معاشرت مشاهیری که در گذشته زندگی می کردند یا شاعران بزرگی که اکنون میان ما نیستند؛ مثل احمد شاملو، سهراب سپهری و ... نیز بهانه ای است برای کتابسازان فرصت طلب. کتاب سازی در خارج از ایران برای خواننده خاص صورت می گیرد. به طور مثال ناشری نوپا شروع به کتاب سازی می کند تا مبادا پروانه نشرش باطل شود چون طبق قاعده اگر صاحب امتیاز یک انتشارات، سالانه کتابی منتشر نکند، پروانه نشرش باطل می شود و دیگر نمی تواند کتابی به چاپ برساند. از طرف دیگر ناشر برای چاپ کتاب های ارزشمند به وقت، هزینه و دقت نیاز دارد که همین باعث می شود عده زیادی از ناشران به کتاب سازی روی بیاورند. با این وضع غمناک کتاب سازی که حتی در حوزه

کتاب سازی در هر جای جهان می تواند معبری برای گذر از یک سلسله مقدمه ها و مولفه های مطالعه برای خواننده به اصطلاح نیمه حرفه ای باشد تا نهایتاً با پشت سر نهادن فراز و فرودهای فراوان، به نوعی مطالعه منجر شود. از این منظر بی تردید کتاب سازی معنا و تعریفی مشخص خواهد داشت. هر چند که در بسیاری کشورها به دلایل گوناگون، این مقوله تعریف خود را از دست داده باشد و در واقع با خارج شدن از حیطه تعریف است که جریان های منفی جدیدی جایگزین معناهای این مقوله می شود. امروز خوانندگان فارسی زبان، در ایران شاهد انتشار کتاب هایی اند که مولفان آن با کمترین پژوهش و جست و جو در زمینه تخصصی مورد نظر به انتشارشان دست می زنند و شگفتا که این کتاب ها گاه با استقبال چشمگیری نیز روبه رو می شوند.

شمارگان اسفناک برخی کتاب ها

جریان کتاب سازی یکی از پدیده های مشکل ساز در جریان صنعت نشر کشورمان به حساب می آید که گاه گریبانگیر خواننده های نیمه حرفه ای و جمعی از ناشران شده است. در این بین بررسی پژوهش در روند میزان انتشار چنین آثاری با ظاهری شکیل و شمارگان نامتعارف می تواند اثرات منفی آن در وضعیت کلی نشر در ایران را تا حدی مشخص کند. انتشار اسفناک همین دست کتاب ها مانعی است بر سر راه پرورش و فراز و باریک کتاب های حقیقی.

اگر بخواهیم کمی بر این مقوله تیزنگر شویم، می بایست به گذشته ای نه چندان دور رجوع کنیم که بی شک فرهنگ کتاب سازی از جوامع دیگر به ما انتقال یافت و خود ما تعریف های مشخص این مقوله را تغییر دادیم تا به امروز که هیچ نشان و نشانه ای بر بستر کتابخوانی در معنای درست کلمه، از «کتاب سازی صحیح» دیده نمی شود. مهدی غبرایی، مترجم درباره ترکیب و سرهم بندی کتاب می گوید: «کتاب سازی یا به تعبیر یکی متاب، یعنی کتاب هایی که شکل ظاهری کتاب را دارند و بیشتر آنها از نظر جلد و کاغذ به کار رفته بسیار پاکیزه اند؛ اما وقتی اهل مطالعه بازشان می کند، انگشت حیرت به دندان می گزد. این کار (کتاب سازی) به عبارت دیگر همان گندم نامی جو فروش است. متاب ها را می توان به دو دسته تقسیم کرد. نخست در این زمینه متاب از اعتبار و تحقیق علمی برخوردار نیست و نویسنده گاه حاصل تلاش دیگران را به یغما می برد و بعضاً با تغییر برخی جملات و کلمه ها سرهم بندی می کند و به نام خود جا می زند یا از منظری دیگر می شود گفت مولف زحمت کافی نمی کشد و در زمینه ای که می نویسد از صلاحیت و دقت برخوردار نیست و ...

دوم ترجمه است که مترجم، توان یا دانش لازم برای ترجمه را ندارد یا شتابزدگی و عجله به خرج می دهد (یا هر دو با هم) که نهایت حاصل کار سطحی و بی مایه از آب درمی آید و وقت، پول و انرژی عده ای را تلف می کند.»

غبرایی درباره این مسأله که باید چه شرایطی فراهم شود تا دیگر شاهد چنین حرکت هایی در حوزه کتاب و کتاب سازی نباشیم، گفت: «اگر آنچه درباره ترکیب و سرهم بندی کتاب گنتم معکوس شود، شرایط لازم حاصل می آید. یعنی مترجم از دانش، توان و فرهنگ کافی برخوردار باشد و به دور از هر نوع شتابزدگی شروع به برگرداندن اثر مورد نظرش کند. مولف نیز برای انجام یک کار پژوهشی باید به اعتبار و تحقیق علمی لازم در زمینه مورد نظر مجهز باشد. همچنین بر اهمیت ویرایش یا دست کم یک بار خواندن خواننده ای آگاه و حتی الامکان متخصص، پیش از چاپ کتاب را تایید می کنم.»

اما حمید یزدان پناه (شاعر و مترجم) معتقد است: «تعریف کتاب سازی از ریشه و بنیان با تعریف تالیف متفاوت است. وی می گوید: «اساساً کتاب سازی معنا و مفهوم تالیف را ندارد. به این معنا که اهل فن بر اساس یک کار تحقیقی تصمیم می گیرد، اطلاعات و بار فرهنگی خاصی را به مخاطبی خاص القا کند.»

یزدان پناه بارویکردی بر کارهای تحقیقاتی و پژوهشی که در چند دهه گذشته صورت گرفته است، ادامه می دهد: «با رجوع به منابع ایرانی و فرهنگی که در گذشته داشتیم و حالا هم داریم، می توان به راحتی به این نتیجه رسید که عده ای اهل فن و کاردان دست به انجام چنین کارهای تحقیقی و پژوهشی می زنند تا مخاطب به عنوان یک دانش پژوه نتیجه دلخواهش را به دست آورد. به عنوان مثال می شود به تحقیق های زنده یاد مینوی و دکتر خانلری اشاره کرد. اما اکنون ما در ایران به افراد دیگری در این حوزه ها برمی خوریم که به ویژه در عرصه ادبیات نه منتقد و شاعر و داستان نویس مشهوری اند و نه نامشان در این زمینه ها تثبیت شده است. این افراد با عجله و بدون این که تحقیق کافی داشته باشند یا بخواهند وقت لازم را برای این کارها صرف کنند، می خواهند کتاب منتشر کنند. مسلم است که شما با حجمی انبوه از مثلاً به گزینی داستان و شعر روبه رو می شوید که اکثر آنها هیچ اعتباری ندارند. اما این که چرا این افراد دست به کارهایی از این قبیل می زنند، شاید دلایل ترغیب مخاطب عام به فراگیری و شناخت در حوزه ادبیات روز خودشان باشد، ولی چیزی که به واقع دستگیرشان می شود، ادبیات خام و بدون تحقیق و اعتبار کافی و بدون پشتوانه لازم است که همین امر باعث می شود به مرور رغبت مورد نظر خواننده و مخاطب نسبت به مطالعه از بین برود.»

تفاوت خاستگاه کتاب سازی در ایران و ...

اینکه خاستگاه کتاب سازی در ایران چه می تواند باشد و در جوامع دیگر چیست خود نیز بحثی می طلبد. با کمی تأمل و جست و جو در حوزه کتاب سازی کشورهایی که از نظر سطح مطالعاتی جهانی در فهرست عنوان نخست جای گرفته اند، به این نقطه روشن تر می توان رسید که کتاب سازی در این کشورها نه تنها از رغبت مخاطب عام نمی کاهد، بلکه سعی می شود خواننده به سمت و سوی مطالعه کتاب هایی که برای خوانندگان حرفه ای نوشته شده، ترغیب شود.

به عنوان مثال در سال ۱۹۸۰ انتشارات دانشگاه آکسفورد انگلستان ترتیبی می دهد تا یکی از بزرگترین استادان این دانشگاه به نام «W- H-Auden» کتابی به نام «Lightverse» (ترانه های ساده) که حاصل سال ها پژوهش و تحقیق او در زمینه ترانه های محلی انگلستان بود، منتشر کند. این کتاب که شامل ترانه های محلی انگلستان بود خواننده را تشویق می کند تا به ترانه های ساده کنونی شان تمایل یابند. در کانادا یکی از مشهورترین نویسندگان این کشور به نام مایکل اونداته «Michael Ondaatje» بهترین داستان های کوتاه کانادا را با دقت و وسواس جمع آوری می کند و به عنوان «Inklake fram» (از دریاچه جوهر) منتشر می کند. این کتاب در سال ۲۰۰۰ به چاپ سوم می رسد. در عین حال که این داستان ها شاید به ظاهر برای خوانندگان حرفه ای ادبیات جمع آوری و منتشر شده و خواه و ناخواه خواننده عام هم به مطالعه چنین کتابی روی می آورد و با همین کتاب (از دریاچه جوهر) با بسیاری از چهره های درخشان داستان نویس کشورش آشنا می شود و برای مطالعه کتاب های دیگر از این نویسنده های جوی کتاب هایی خاص می شود.

سال ۱۹۹۹ «Amy Tan» و «Kenison Katrina» در آمریکا کتابی به نام «The best american short stories 1999»

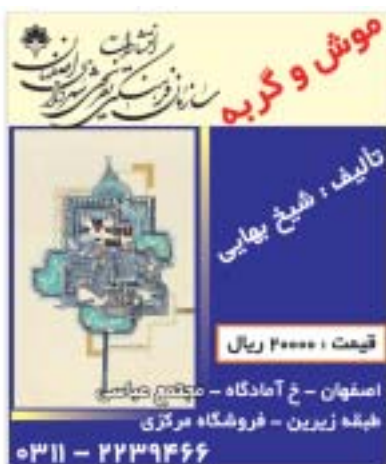
کتاب های کودک و نوجوان هم رسوخ کرده است، معتمد شیوه کنترلی هم کاری از پیش نخواهد برد و تیغی که به اصطلاح می آید اصلاح کند، دست دوستدار وضعیت بهتر نشر و کتاب و کتابخوانی را خواهد برد. مسعود کازری، مدیر مسؤول انتشارات کتاب خورشید نیز درباره راه حل این وضعیت نابسامان می گوید: «اگر بخواهیم با این پیش زمینه که عنوان کتاب سازی از خارج به فرهنگ کتابخوانی ما وارد شده است، این موضوع را بررسی کنیم، ابتدا باید مانند کشورهایی که در سال تعداد بی شماری کتاب منتشر می کنند، روش های کتاب سازی را برای جامعه مان روشن کنیم و دیگر این که تفاوت های آن را با جعل کتاب که با عنوان به ظاهر آبر و مندانه کتاب سازی انجام می شود، بازگو کرده و به روش تشخیص این گونه کتاب ها از کتاب های ارزشمند پردازیم. همچنین به نقد صحیح شیوه های کتاب سازی میان ناشران و مولفان بنشینیم تا خواننده کتاب که در واقع مصرف کننده نوعی کالای فرهنگی است، دارای قوه تشخیص بشود و تفاوت این جعل و کتاب سازی درست که هدف دار و منشأ ورود خوانندگان به بازار کتابی بهتر است را دریابد. کتاب سازی منصفانه و درست می تواند دریچه ای باشد برای آشنایی خواننده با کتاب هایی جدی تر و عمیق تر.»

این کجا و آن کجا؟

کتاب سازی پدیده ای است که مثل بسیاری محصولات دیگر بنا به الگوهای موجود در صنعت نشر سایر کشورها به چشم آمد و ناشران و کتاب سازان را به فکر باز تولید نمونه های همتا انداخت. البته در این روند نمی توان ادعا کرد همه آثار منتشر شده این قلمرو فاقد اعتبارند - که بی تردید شماری از این کتاب ها با تعریف درست کتاب سازی و اهداف انتشار آن همسو هستند - اما حجم زیاد آثار تو خالی به چه چیز و کجا برمی گردد و انحراف مسیر از کجا آغاز می شود؟

اگر همین مبحث را با مراجعه به منابع انگلیسی زبان مقایسه کنیم، می بینیم محقق انگلیسی زبان برای یک کتاب مثلاً ۱۵۰ صفحه ای که حدود ۱۰۰ داستان کوتاه را دربرمی گیرد، چیزی حدود ۵۰۰۰ داستان را مطالعه می کند و از میان آنها بهترین ها را انتخاب می کند. از نویسنده و ناشر کتاب نویسنده، اجازه رسمی می گیرد. به همین شکل هنگامی که کتابی منتشر می شود، چندین و چند بار تجدید چاپ می شود تا این که منتقدی معتبر تر و نوگراتر از منتقد قبل بیاید و کار تازه ای را شروع کند و چیزی بر سلسله کتاب های قدیمی بیفزاید. کتاب سازی در ایران و کتاب سازی در جوامع دیگر، هر دوی اینها کتاب سازی است. اما این کجا و آن کجا؟

شاید پشت سر نهادن و انتقال این سلسله تجربه ها راه حلی شایان برای کشف این مقوله باشد. شاید...





علی هادیلو

شاهنامه به گواه دوست و دشمن، شناسنامه ما ایرانی هاست. چرا که فردوسی در این کتاب با زنده کردن و تجسم بخشیدن به اسطوره ها و حماسه های ایران زمین، هویت ایرانی را در جهان به ثبت رساند. دکتر سجاد آیدنلو (دکترای زبان و ادبیات فارسی و عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور ارومیه) در کتاب «از اسطوره تا حماسه» سیر تاریخی اسطوره به حماسه را در شناسنامه ایرانیان بررسی کرده است. از وی تا کنون هفت کتاب و حدود صد و سی مقاله و نقد در حوزه شاهنامه و ادب حماسی ایران منتشر شده است. آیدنلو همچنین صاحب ۱۰ عنوان موفقیت علمی ملی و استانی از جمله شایسته تقدیر در دومین آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی (آبان ۱۳۸۱)، منتقد کتاب برگزیده حوزه ادبیات در نخستین جشنواره نقد کتاب (آذر ۱۳۸۳)، کتابخوان نمونه کشوری (آذر ۱۳۸۵)، شایسته تقدیر بخش نقد ادبی در نخستین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد (آذر ۱۳۸۷) و شایسته تقدیر در بخش ادبیات بیست و ششمین دوره کتاب سال (بهمن ۱۳۸۷) است. این گفت و گو به بهانه انتشار چاپ دوم کتاب «از اسطوره تا حماسه» (هفت گفتار در شاهنامه پژوهی) که اخیراً از سوی انتشارات سخن عرضه شده و انتشار «متون منظوم پهلوانی» انجام شده است.

از اسطوره تا حماسه در گفت و گو با سجاد آیدنلو

اسطوره ها در روایت خاکی می شوند

این آثار از دو منظر موضوعی و زبانی با شاهنامه فردوسی متفاوتند. بدین معنی که در آثار پهلوانی - که به نادرست و بدون توجه به معنای اصطلاحی واژگان، منظومه های «حماسی» نامیده می شوند - غالباً به موضوعات و داستانهای پرداخته شده که یا در شاهنامه نیامده و یا به اختصار و اشاره مطرح شده است. از این رو این متون را باید تکمله ادب حماسی - پهلوانی ایران دانست که در ذیل شاهنامه می گنجند. در منظومه های دینی و تاریخی هم چنان که از نام آنها پیداست شخصیت های دینی و مذهبی - و بیشتر امام علی (ع) - و نیز شخصیت های تاریخی محور اثر بوده اند و البته به رغم جنبه تاریخی/واقعی این اشخاص، سرگذشت آنها بنابر ذهنیت داستان پسند ایرانی با مایه های حماسی، اساطیری و افسانه ای درهم آمیخته است. به لحاظ ادبیات سخن نیز بدون استثنای آنها فراتر از شاهنامه اند و تقریباً سراسر اندگان همه آنها به شیوه های مختلف از سبک فردوسی تقلید کرده و کوشیده اند خود را به زبان و بیان شاهنامه نزدیک کنند که البته درجه توفیق همه آنها نیز یکسان نبوده است. به نظر بنده از بین منظومه های پهلوانی، بهمن نامه و کوش نامه بیش از آثار دیگر در این زمینه موفق بوده اند.

پس از فردوسی شاعران بسیاری منظومه هایی به تقلید از شاهنامه سرودند که پهلوانان آنها چهره های تاریخی بودند. اما هیچگاه این منظومه ها و پهلوانان به توفیقی که پهلوانان شاهنامه دست یافتند، نرسیدند. اصولاً چه تفاوت نمایشی میان یلان شاهنامه و پهلوانان منظومه های بعد از آن دیده می شود؟

نخست اینکه بیشتر شخصیت های نامدار شاهنامه چهره اند نه نوع یا تیپ. یعنی خواننده دقیق پس از پایان یک داستان یا سراسر شاهنامه به آسانی می تواند ویژگی های فردی و روحیات یک پهلوان خاص (مثلاً رستم) را برشمارد و آنها را با پهلوانی دیگر (برای نمونه اسفندیار) مقایسه کند. اما در منظومه های پس از فردوسی عموماً این گونه نیست و خواننده به طور کلی با نوع/تیپ یا الگوی پهلوان روبه روست و مثلاً بعد از خواندن گرشاسپ نامه نمی تواند خصوصیات جزئی و شخصی گرشاسپ را به تفکیک و دقتی که درباره شخصیت شاهنامه قادر است ذکر کند. نکته دیگر اینکه در این منظومه ها غالباً سرگذشت نامه فردی پهلوانان روایت می شود و برخلاف یلان شاهنامه آنها در پی مقاصد ملی و میهنی نیستند، چنان که برای نمونه سراسر سام نامه گزارش معشوقه جویی سام و نبرد های او در راه هدف شخصی و غنایی خویش است.

این روزها کتابی آماده چاپ دارید؟
بنده بیش از یک سال است که مشغول تصحیح یک طومار مفصل نقالی هستم که اصل نسخه آن متعلق به کتابخانه شادروان استاد مینوی است و فعلاً کهن ترین دست نویس شناخته شده از طومارهای نقالی به شماری آید، تاریخ کتابت این طومار مربوط به سال ۱۱۳۵ هجری قمری است. این طومار پس از پایان نگارش مقدمه و تعلیقات لازم به نشر چشمه تقدیم وان شالله در مجموعه متن های پیشینه داستانی منتشر خواهد شد.



تغییراتی از نظر ماهیت پیدا کرده اند؟

برخی از این افراد پس از ورود به قالب داستان حماسی دچار تغییراتی شده اند که در یکی از انواع ده گانه مذکور در پاسخ پرسش پیشین می گنجند. مثلاً جمشید اساطیری در حماسه از جایگاه قدسی و ایزدگونه خویش فرو افتاده و آریزدهاک سه پوزه سه سر شش چشم اوستایی به پیکر انسانی درآمده است. گرشاسپ سام نریمان با پراکندگی شخصیت به سه پهلوان (گرشاسپ، نریمان و سام) تبدیل شده و بعضی از اعمال پهلوانی او به سام منتقل شده است. توس و گشتاسپ با قلب شخصیت به کسانی دردم خور و آزمند دگرگون شده اند و این نکته نیز ناگفته نماند که از شماری از شخصیت اساطیری و نامبرده در منابع اوستایی و پهلوی نیز اساساً در شاهنامه فردوسی و سنت حماسی ایران نام و نشانی نیست. کتاب اخیرتان «متون منظوم پهلوانی» نیز که به تازگی منتشر شده در ادامه همین پژوهش ها و مباحث مذکور است؟

کتاب متون منظوم پهلوانی با نام فرعی (برگزیده منظومه های پهلوانی پس از شاهنامه) گزیده ای است در حدود هفت هزار بیت از مجموع تقریباً هفتاد هزار بیتی که در ده منظومه پهلوانی بعد از فردوسی یعنی آثاری چون «گرشاسپ نامه»، «کوش نامه»، «فرامرزن نامه» و «برزنامه» که با مقدمه ای درباره این آثار و نیز توضیح نکات و لغات و ابیات آنها با استفاده از نزدیک به چهارصد منبع مختلف، تألیف و اخیراً از سوی انتشارات سمت منتشر شده است.

مخاطب این کتاب چه کسانی هستند؟

این کتاب در اصل به عنوان منبع درس تحقیق در متون حماسی و پهلوانی در دوره دکتری ادبیات فارسی تألیف شده است، اما دانشجویان کارشناسی ارشد ادبیات - در درس شاهنامه - و نیز همه علاقه مندان ادب حماسی ایران که بخواهند با میراث شعر پهلوانی ایران غیر از شاهنامه آشنا شوند، می توانند به این کتاب مراجعه کنند.

ویژگی های منظومه های پهلوانی و حتی در نگاهی گسترده تر، منظومه های دینی و تاریخی پس از فردوسی در مقایسه با شاهنامه چیست؟

نظران فن است.

در چاپ دوم کتاب که بلافاصله پس از چاپ اول منتشر شد، چه تغییراتی نسبت به چاپ اول صورت گرفته است؟

فقط ذیل یا مستدرکی درباره یکی از مقالات یعنی گفتار «جام کیخسرو و جمشید» افزوده شده و فرضیه آن مقاله با اصلاح و تعدیل مطرح شده است. در سرآغاز کتاب نیز یادداشت چاپ دوم را افزوده و به بررسی نقد این کتاب از سوی صاحب نظران و معرفی های چاپ نخست کتاب پرداخته ام. این یادداشت، بعدالتحریری نیز درباره درگذشت شادروان استاد دکتر ریاحی دارد و در آن، چاپ دوم این مجموعه گفتارها به روح بلند ایشان پیشکش شده است.

ساختار این کتاب به صورت مقاله است. آیا مقالات شما به صورت مجزا تدوین شده بود؟

بله! هر یک از بخش های کتاب، پیش تر به صورت مقاله ای چاپ شده است. این مقالات در فاصله سال های ۸۲ تا ۸۵ تدوین شده و در مجلات مختلف «مطالعات ایرانی»، «نامه فرهنگستان»، «ایران شناسی» (چاپ آمریکا)، «پژوهش های ادبی»، «نامه پارسی» و «آموزش زبان و ادب فارسی» منتشر شده است.

برای گذر از اسطوره به حماسه در شاهنامه چه مباحثی را مطرح کرده اید؟

شاهنامه اصیل ترین متن حماسی ایران است که بخشی از روایات آن به تعبیر و تحلیل استاد دکتر بهمن سرکاراتی دارای بنیان اساطیری است. بنده بر اساس شواهد شاهنامه و دیگر متون ایرانی چگونگی تبدیل اسطوره به ساخت داستانی حماسه را در ده گروه طبقه بندی و بررسی کرده ام. این روابط ده گانه که در مقاله نخست کتاب آمده عبارت است از: محدودیت زمانی، حد مکانی، کاهش صبغه قدسی و مینوی، جابه جایی یادگرگونی، شکستگی، انتقال، قلب یا تبدیل، ادغام یا تلفیق، حذف و فراموشی.

اغلب شخصیت های اسطوره ای و چهره های حماسی که در شاهنامه حضور دارند در خدای نامه ها و منابع ایران پیش از اسلام نیز حضور دارند. این شخصیت ها با ورود به شاهنامه فردوسی چه

کتاب شما بررسی پیشینه اساطیری و آیینی شخصیت های اساطیری و حماسی «شاهنامه» فردوسی است. لطفاً درباره این کتاب توضیح دهید. کتاب «از اسطوره تا حماسه» با نام فرعی «هفت گفتار در شاهنامه پژوهی» مجموعه هفت مقاله از مقالات شاهنامه شناختی بنده است که همان گونه که اشاره فرمودید در آنها به بررسی پیشینه اساطیری و آیینی چند شخصیت، مضمون و عنصر داستانی در شاهنامه پرداخته شده است. مبنای نظری مباحث این گفتارها این است که بسیاری از روایات اصیل حماسی، خاستگاه و پیش نمونه اساطیری دارد و می توان سابقه، الگو، پیش نمونه و منشأ اسطوره ای آنها را باز یابی کرد. نام های مقالات این مجموعه عبارتند از: «ارتباط اسطوره و حماسه بر پایه شاهنامه و روایات ایرانی»، «فرضیه ای درباره مادر سیاوش»، «نشانه های سرشت اساطیری افراسیاب در شاهنامه»، «نوشدارو چیست؟»، «اسب دریایی در داستان های پهلوانی»، «جام کیخسرو و جمشید» و «ترنج بویا و به زرین».

در بخش ابتدایی کتاب مقدمه ای از زنده یاد دکتر محمدامین ریاحی آمده است. آیا این پژوهش زیر نظر ایشان بود؟

خیر! پس از تدوین این مقالات بنده از شادروان استاد دکتر ریاحی که لطف و شاگردنوازی ایشان به طرز گوناگون شامل حالم بود، درخواست کردم با نگارش مقدمه ای، بر اعتبار مجموعه بیفزایند و مرا سرفراز فرمایند. ایشان نیز با وجود بیماری و کهنسالی با بزرگواری ذاتی خویش پذیرفتند و این مجموعه اندک مایه را آراستند. به نظر بنده که در یادداشت چاپ دوم کتاب هم یادآور شدم موفقیت های کتاب در برخی جوایز و جشنواره های ادبی پس از الطاف یزدانی، مرهون مقدمه تشویق آمیز مرحوم دکتر ریاحی است. خداوند آن فاضل پر فضیلت را بیامرزد و در فردوس، همشین فردوسی کند!

شاهنامه به نوعی هویت ملی ما را تشکیل می دهد، به همین دلیل شاید بتوان گفت پس از دیوان حافظ، بیشترین تحقیقات و پژوهش ها درباره شاهنامه انجام شده و کتاب های زیادی نیز در این زمینه منتشر شده است. «از اسطوره تا حماسه» چه در پیچه تازه ای در شاهنامه پژوهی به روی مخاطب باز می کند؟

در هر یک از مقالات این مجموعه کوشیده شده که فرضیه و پیشنهاد تازه ای درباره موضوع مورد بحث مطرح شود که پیش تر در پژوهش های حماسی یا اصلاً مورد توجه نبوده یا به اشاره و اختصار بوده است. برای نمونه در مقاله «فرضیه ای درباره مادر سیاوش» پیشنهاد جدیدی درباره مادر بی نام و ناشناخته سیاوش در شاهنامه طرح شده یا در جستار «نوشدارو چیست؟» برای نخستین بار چیستی اساطیری این داروی درمان بخش بررسی شده و در گفتار «اسب دریایی در داستان های پهلوانی» یکی از پرتکرارترین بن مایه های داستانی روایات ایرانی با شواهد متعدد مورد مطالعه قرار گرفته است. سعی بنده در این مجموعه - و به طور کلی همه مقالات و کتاب هایم - پرهیز شدید از انشا پراکنی و تکراری نویسی است اما داوری درباره اینکه تا چه اندازه در این مقصود کامیاب بوده ام در صلاحیت صاحب



انتشار مجموعه داستان «شهربانو طلا» که چندی پیش از سوی نشر «افق» به بازار آمد، بهانه‌ای بود تا با انوشه منادی گفت‌وگویی انجام دهیم و کمی هم از نظرات او که داستان‌نویسی را به شیوه‌ای پیگیرانه در کلاس‌های داستان‌نویسی دنبال کرده، درباره جریان امروز ادبیات داستانی، مطلع شویم. رمان‌های «کره طلایی»، «از پس آبی زلال» و مجموعه داستان «آبکند» از جمله آثار داستانی منتشر شده منادی هستند. منادی فیلمسازی را نیز از سال ۱۳۶۸ با همکاری محمد علی سجادی آغاز کرده است. فیلم کوتاه «شوپه» (که در جشنواره بین‌المللی «کلرموند فراند» حضور داشت)، «سرماک» (لحظه ناتمام) و فیلم داستانی «همراه» از آثار او در زمینه فیلمسازی است.

گفت و گو با انوشه منادی درباره «شهربانو طلا»

زبان، عرصه بازیگوشی نویسنده است

جهات مختلف از دست داده‌ایم؛ در حالی که ادبیات داستانی ما از ادبیات داستانی جهان چیزی کم ندارد و این ادبیات به دلیل زبان غنی، استوار و کهن فارسی قدرتمند است.

در این شرایط آثار نویسندگان ما باید به جهان عرضه شود، ولی متأسفانه این اتفاق اندک رخ می‌دهد. من اطمینان دارم که ادبیات ما از ادبیات جهان چیزی کم ندارد و ما می‌توانیم حرف خودمان را داشته باشیم. نویسندگان ما برای حفظ این گونه ادبی و داستان عمر گذاشتند، تلاش کردند و محرومیت کشیدند و هر گاه در گوشه‌ای از این مملکت داستانی به چاپ می‌رسد، ما به ایرانی بودن و فارسی زبان بودنمان افتخار می‌کنیم. پشتوانه‌های زبان کهن فارسی در آثار داستان‌نویسان پیشرو ایرانی چه نمودی یافته و به لحاظ استفاده از این گنجینه، آثار این بزرگان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این تأثیر به شدت مشهود است. برخی نویسندگان ما مانند بهرام صادقی به نثر نگاهی مدرن دارند، اما در آهنگ کلام گلشیری زبان کهن مستتر است. در آثار شاعرانی مانند سپانلو، شاملو و... نیز همین طور. این‌ها مثلاً تاریخ بیهقی را خوانده‌اند و از یک شعر تغزلی بیهقی عبور کرده‌اند. نویسنده‌ای مانند گلستان می‌گوید سعدی مانیفست زبان کهن ماست و خودش در داستان‌هایش به آهنگ کلام سعدی می‌رسد. البته ادبیات ما نیز مانند ادبیات کهن باید با نگاه به دوره‌ای شکل‌گیری‌اش بررسی شود. ادبیات دوران فترت ما در دهه ۴۰ ادبیات سرکوب و اختناق دوران شاه است که با ایجاز و رمزگونی خاص آن دوران پدید آمد. ادبیات کهن ما در محقق‌هزاران ساله و خودکامگی‌های مغول و عرب و حتی پادشاهان خودمان قرار داشته و لایه‌های پنهانی زبان فارسی، به دلیل این شرایط بیشتر گسترش یافته که یکی از تأثیرات آن این است که دو فارسی زبان در دوران ما می‌توانند به راحتی به زبان رمز با هم حرف بزنند، به طوری که شخص دیگری از منظور آنان مطلع نشود. البته این ویژگی در آثار اسطوره‌ای ادبیات غربی یا در ادبیات تغزلی شکسپیر هم وجود دارد، ولی این رمزگونی در زبان ما عمق بیشتری یافته، ضمن آنکه بزرگان ادبیات ما مانند سعدی، حافظ، مولانا و دیگران در ادبیات کل جهان، بی‌نظیرند.



نیاز جامعه و انسان امروزی را در چه جور داستانی می‌داند و فکر می‌کنید داستان مدرن با چه ویژگی مشخصی در روزگار ما می‌تواند نقش ایفا کند؛ همچنان که در داستان «رود بهشت»، مضامینی مانند جنگ، اجتماع، فلسفه و عشق، با ظرافت عمق یافته و خواننده را با وجوه زیادی در هستی درونی و پیرامونش مواجه می‌کند...

داستان امروز از برج عاج طلایی غیرقابل دسترس بیرون آمده و به جهان نامکشوف تری راه یافته که همچنان آبخور ادبیات است. این جهان، همان دنیای فردی آدم‌هاست و پیچیدگی‌های بیشتری دارد. بیشترین آثار جدی مدرن مهربی از اقلیم، جامعه، فرهنگ و دوران خودشان را همراه دارند و داستانی که این ویژگی را نداشته باشد، ماندگاری‌اش را از دست می‌دهد. ولی داستانی که بتواند به طور مشخص از جهان فردی هر آدمی حرف بزند، می‌تواند ارزش جاودانه شدن پیدا کند.

شما چقدر به مخاطب جهانشمول هنگام خلق اثر اهمیت می‌دهید و اساساً سعی دارید جهانی نوشتن را در آثارتان چگونه به کار ببندید؟

ادبیات ما در محقق‌افتاده و مخاطب جهانی‌مان را به

فرمی است. تنها عرصه‌ای که نویسنده می‌تواند بازیگوشی کند، عرصه زبان است و یک نویسنده با ابزار و کلمات خودش لذت را به وجود می‌آورد و آن را به خواننده هم منتقل می‌کند.

داستان‌هایی مانند «تعاون ۱ و ۲»، با نگاهی منحصر به فرد به جنگ خلق شده‌اند. جنگ در این آثار از بعدی بکر روایت و به طرز انتقادی، درونی شده است. این تلقی نسبت به جنگ ناشی از چه نوع تجربیاتی بوده؟

من اصلاً در جبهه و جنگ حضور نداشتم و همه دوران موشک باران در تهران بودم. به طور مستقیم هم با جنگ مواجه نبودم. هر آدمی می‌تواند در مورد جنگ دیدگاه خودش را داشته باشد. مثلاً نویسندگان در آلمان، آمریکا، شوروی و جاهای دیگر هنوز دارند درباره جنگ جهانی دوم و اثرات آن بر زندگی بشر می‌نویسند و داستان‌های عجیب و غریبی درباره جنگ نوشته می‌شود. نویسندگان کارشان این است که از نامکشوفات یک جامعه بنویسند. یک هنرمند باید بتواند نگاه خاص خودش را نسبت به زندگی پیدا کند؛ همانطور که نویسندگان بزرگ این کار را کرده‌اند. داستان‌نویسان جدی مانیز قله‌ای را فتح کرده‌اند که خیلی‌ها باید از آن عبور کنند و دیده شده که در آثار آنان اتفاق‌های مهمی در قالب فرم افتاده است. این در حالی است که این روزها خیلی‌ها ساده، سطحی و بی‌مشغله می‌نویسند. پرهیز از جهت‌گیری مشخص در شاکله معنایی و پیام داستان از ویژگی‌های مهم داستان‌های «شهربانو طلا» است. این رویکرد تا چه حد حساب شده بوده است؟

متأسفانه کلمه ناخودآگاه درست به کار گرفته نمی‌شود. یک نویسنده نمی‌تواند مدعی شود که رفتاری آگاهانه دارد. این ذات اثر است که به جای آنکه یک بعدی باشد، می‌تواند مانند منشور کار کند، تا شما بتوانید حتی در جاهایی در آن رنگین‌کمان ببینید. در هر حال این نگاه در داستان‌های این مجموعه خیلی آگاهانه است. نباید چیزی جلو چرخش هدف را در ذهن خواننده بگیرد. چرا که ممکن است آن چیزی که من می‌گویم درست نباشد. بهتر است با شک فلسفی و نسبیست به داستان نگاه کنیم و مانند جهان امروز، کوانتومی فکر کنیم.

به غیر از چند داستان، در بیشتر داستان‌های این مجموعه به فرم‌گرایی توجه بیشتری شده. برخی از آنها مانند «شهربانو طلا» که شکردهای امپرسیونیستی نیز در آن دیده می‌شود و نیز داستان «گنجشک‌ها در یک صبح مرطوب» برای خواننده پرکشش دنبال می‌شود، ولی خوانش چند داستان این مجموعه به سختی جلو می‌رود. در این باره چه نظری دارید؟

داستان، یک مجموعه است که همه عناصرش باید در خدمت هم در آیند. اگر عناصر داستان، در هم آمیختگی متناسبی داشته باشند، نشان‌دهنده این است که این مجموعه کار خودش را کرده و اگر در داستانی از این حیث اشکالی وجود دارد، مقصر نویسنده است که در جاهایی نتوانسته جنبه‌هایی را که می‌خواسته در این قالب بیان کند.

استفاده قابل توجه از سازه‌های فرمی در اغلب داستان‌ها سبب می‌شود که خواننده به فراخور این ذوق پر دازی، ردپایی از اندیشه و معنارادر میان تک تک آثارتان جست‌وجو کند. این ردپا در برخی داستان‌ها مانند «او یا»، با تأمل به دست می‌آید و در برخی دیگر مانند «پرواز» «گنجشک‌ها در یک صبح مرطوب»، به وضوح فهمیده می‌شود و در دسته سوم داستان‌هایتان گم می‌شود. در این باره توضیح می‌دهید؟

به نظر من واقعاً نگاه به داستان مانند یک ساختمان است و آنچه شما می‌بینید تمام اجزاست. نمی‌توان عناصر داستان را جدا کرد. مغز و ذهنی می‌شنید و کلمات و معنایی را کنار هم می‌چیند و این گونه صنعت به کار می‌برد. در واقع من فرم را جدانمی‌بینم. داستان با تکنیک ساخته می‌شود و من آن را با زبان داستان در هم تنیده می‌دانم. معتقدم در یک داستان حتماً باید اندیشه‌ای وجود داشته باشد. چرا که نویسنده صرفاً برای سرگرمی نمی‌نویسد. در هر حال فرم برای من از اهمیت زیادی برخوردار است. مثلاً من داستان «اسب» را هفتاد بار نوشتم و بیش از هفتاد بار آن را خواندم. من این داستان را در شرایط ایجاز و محدودیت از بسیاری امکانات، نوشتم و سعی کردم داستانی بنویسم که راوی آن یک اسب باشد. البته شاید هم درست از آب در نیامده باشد. یا «شغال» احتمالاً یکی از اولین داستان‌ها درباره جنگ است. همه این‌ها حاصل تلاش‌های تکنیکی و

خلق جهانی از جنس آگاهی



«شهربانو طلا» تازه‌ترین مجموعه داستان انوشه منادی اخیراً از سوی نشر «افق» منتشر شده است. این مجموعه دربرگیرنده ۲۱ داستان کوتاه است که بین سال‌های ۷۰ تا ۸۰ خلق شده‌اند و به گفته نویسنده، بیشتر آنها محصول تجربیات وی در کارگاه‌های داستان‌نویسی است که برخی از داستان‌ها حتی به دفعات بازنویسی و ویرایش شده‌اند. نویسنده در این

مجموعه داستان که بیانگر گوشه‌هایی از نگاه متنوع وی به موضوعات دنیای پیرامون و کنکاشی در درون آدم‌هاست، با رعایت بسیاری از سازوکارهای داستان مدرن، سعی داشته به خلق جهان داستانی بپردازد که انسان امروز در آن هویت خود را با رسمیتی اندیشمندانه دریابد و به قضاوتی نسبی نگر از جنس آگاهی بنشیند.

به کارگیری تعدمی این شیوه از آنجا توسط خواننده به خوبی درک می‌شود که در اغلب داستان‌های کوتاه این کتاب، او خود را برابر جهان داستانی نویسنده، موجودی نادیده انگاشته شده تلقی نمی‌کند.

و شاید به طرز ناخودآگاه برای خود نسبت به ایجاد گزینه‌ها و نظرگاه‌های متعدد ذهنی اش سهمی قائل می‌شود و ترسیم این فضای بی‌نهایت و بی‌قضاوت که در پایان هر داستان با نوعی هوشمندی ارادی، هر گونه ارائه ایده و عقیده را به مخاطب واگذار می‌کند، از ویژگی‌های قابل تحسین این مجموعه داستان است.

روایت داستان‌ها از زبان راویان متفاوت، آن‌هم در موقعیتی که توجه به فرم‌گرایی از دغدغه‌های اصلی نویسنده به شمار می‌آید، موضوع قابل تأمل دیگری است که در «شهربانو طلا» دیده می‌شود چراکه غیر از بیان قصه از زبان راوی دانای کل، در برخی داستان‌ها، استفاده از راوی حیوان (در داستان اسب) و راوی کودک (در داستان سبز، سفید، قرمز) بخشی از تلاش ذوق‌پردازانه نویسنده را در ارائه زیبایی و رساندن مخاطب به نوعی لذت در خوانش داستان نشان می‌دهد.

نگاه نویسنده به موضوع جنگ نیز در دو داستان «تعاون ۱ و ۲» و داستان «شغال» بیانگر وجوه تازه‌ای در نگرش او نسبت به جنگ تحمیلی است و این که این برداشت در راستای منطق بی‌قضاوت نویسنده در کل داستان‌ها شکل گرفته؛ کما این که در داستان «رود بهشت» نیز که با پس‌زمینه موضوع جنگ نوشته شده، به موضوعاتی چون خانواده، عشق و اجتماع با رگه‌هایی فلسفی پرداخته شده و ابعاد

درونی جنگ نیز در کنار آنها، درهم آمیختگی کامل تری از زندگی به دست می‌دهد درحالی که نویسنده در همه حال خود را از هر نوع نتیجه‌بندی دور نگاه داشته است.

منادی از نویسندگانی است که به صراحت موضع خود را در برابر فرم و ابزار هنری بیان می‌کند. او همچنان که به ایجاد نوعی چرخش هدف در ذهن مخاطب پایبند است، معتقد است که داستان‌نویسان صاحب‌نام معاصر ما، با قدرت و دقت، قله‌های فرم و زیبایی‌شناسی را در داستان امروز کشف کرده‌اند و بعد از آن بوده که اتفاق‌های مهم در آثارشان پدیدار شده است.

«شهربانو طلا» اولین داستان این کتاب است که در آن به سازگاری تکنیک و مضمون در داستان، توجه ویژه شده و موضوعاتی اجتماعی با اقبال و بن‌مایه‌های روان‌شناسی، دستمایه کار نویسنده قرار گرفته. بخشی از این داستان این گونه نوشته شده: «مادرش بچه را ول کرد و رفت. مش حسن بعدها دوزن دیگر گرفت که هیچ کلام بچه‌دار نشدند. شهربانو تنها دخترش بود. اوایل رفت و آمد داشتیم. خدا بیمارز پدرش مرد خوبی بود. دختر!... ننه سرپرست می‌خواد... مرا ببین، بعد از مرگ پدر بزرگت چهار دختر بزرگ کردم. با آبرو و غیرت... می‌هی... وقتی برای کارگری می‌رفتیم پنبه جبار، نمی‌دونی چه اوضاعی بود...»

پیوند دیرینه مذهب با فراز و فرودهای تاریخی

نفاست نسخه از دید هنری و از نظر گاه تصحیح و تحقیق با هم تفاوت دارد؛ چراکه نسخه نفیس از نظر هنری به نسخه خوش خط، مذهب، مجلد به جلد های زرین گفته می شود، و از نظر تصحیح و تحقیق نسخه ای است که به نسخه اصل نزدیک باشد.

گنجینه کتاب های چاپی در بخش گنجینه های رضوی، میلیون ها جلد کتاب چاپی در کتابخانه مرکزی و کتابخانه های وابسته را در خود جای داده که دامنه زبانی مجموعه موجود به زبان های فارسی و عربی، انگلیسی، فرانسه، آشوری، آلبانیایی، آلمانی، اتریشی، اردو، ارمنی، ازبکی، اسپانیولی، اسپرانتو، اوگاندایی، اویغوری، ایتالیایی، بلتی، بلغاری، بلوچی، بنگالی، بوسنیایی، پرتغالی، پشتو، تاجیکی، تانزانیایی، ترکی استانبولی، ترکی آذری، ترکی تاتاری، ترکی قزاقی، چک اسلواکی، چینی، دانمارکی، روسی، رومانیایی، ژاپنی، سانسکریت، سندی، سواحلی، سوئدی، سیلانی، شونا، عبری، فلانماندی، فنلاندی، فیلیپینی، کرواتی، کره ای، گجراتی، گرجی، لاتین، لهستانی، مالایی (اندونزیایی)، مجاری، نروژی، هلندی، هندی، یوگسلاویایی و یونانی است که بسیار مورد اقبال پژوهشگران قرار گرفته است.

کهن ترین قرآن های نفیس

در کتابخانه مرکزی تعداد بسیاری قرآن مجید به زبان عربی، فارسی و به زبان های مختلف شامل انگلیسی، فرانسه، آلمانی، بلغاری، روسی، سوئدی و... وجود دارد. قدیمی ترین قرآن چاپ سنگی به خط محمدحسین اصفهانی چاپ تبریز به سال ۱۲۵۴ ه.ق. است که توسط محمدشاه قاجار وقف این کتابخانه شده است. قدیمی ترین قرآن نسخه چاپ سربی نیز چاپ انتشارات میرزا زین العابدین است که در سال ۱۲۲۷ ه.ق. به زیور طبع آراسته شده. همچنین نفیس ترین قرآن ها از نظر قاب، خط و نوع چاپ و... در این مجموعه وجود دارد.

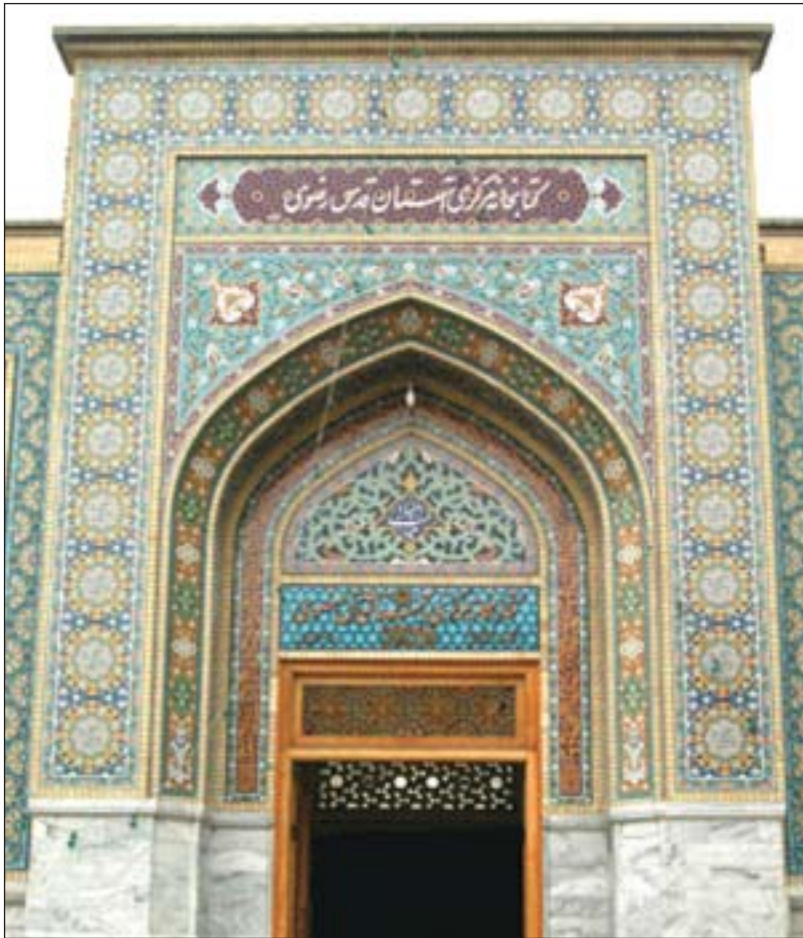
نسخه های خطی به قدمت تاریخ

این مجموعه کتاب های چاپ سنگی در موضوعات مختلف به زبان فارسی و عربی و دامنه موضوعی این کتاب ها به ترتیب شامل دین، ادبیات، تاریخ، زبان و موضوعات دیگر است. تمامی منابع موجود چاپ سنگی سازماندهی شده و برای جست و جوی اطلاعات این کتاب ها می توان به فهرستگان پیوسته کتابخانه و پایگاه کتاب ها مراجعه کرد.

در بخش قدیمی ترین نسخه های خطی، کتاب های منحصر به فردی نگهداری می شود که از آن جمله اند: «شرح دیوان تمیم بن مقبل» از شعراي مخضرم (=سبز از القاب شعرا) کتابت شده در تاریخ ۳۸۰ ه.ق، «مختصر کتاب العین در علم لغت» نگارش یافته به خط نسخ کهن (اثر طبع خلیل بن احمد و تلخیص شده توسط ابوبکر محمدبن حسن زبیدی)، «صحیفه کامله سجادیه از علی بن الحسین (ع)»، به خط حسن بن ابراهیم بن الزامی و نگارش یافته در شوال ۴۱۷ ه.ق، «تهج البلاغه»، نگارش یافته توسط محمدبن احمد النقیب در تاریخ ۵۴۴ ه.ق، «راه هایی که به مدینه منتهی می شود» در ذکر وضع مسجد رسول خدا (ص) با برخی توفیعات رسول اکرم (ص) و روایاتی از رجال حدیث نواحی مذکور که در حدود قرن پنجم هجری کتابت شده است.

نواد و عجایب مخزن کتاب های خطی

دانه برنج منقوش به آیه شریفه آیه الکرسی به خط شفاف «رقم فضل الرحمن دهلوی» کار ذاکر حسین دهلوی، اهدایی دکتر خواجه پیری، دانه برنج منقوش به سوره مبارکه توحید، زیارت عاشورا به خط ناخنی که این نسخه را عبدالوهاب بن شیخ محمد مومن شیرازی به خط نسخ و نستعلیق با ناخن نوشته است، ادامه در صفحه ۱۳



آرشیو اسناد، مرکز کامپیوتر و بایگانی و نیز قلعه کتاب به حجم ۱۲۰ متر مکعب با ملزومات کافی فنی و اجرایی و موتورخانه واقع شده است.

کتاب های نفیس و تصحیح متون کهن

کتاب های خطی و نفیس اداره مخطوطات مانند آینه ای است که تصویر روشنی از هزاران سال تلاش فکری دانش پژوهان و هنرپروان این مرز و بوم را دربردارد. قرآن های بسیار زیبا و کهن این مجموعه عظیم هر یک مبین شکوه اینار و اخلاص دانش دوستان و هنرمندان است که برای نسل های بعدی به یادگار گذاشته اند. در میان نسخه شناسان متاخر و معاصر بعضی از نسخه ها با نشان نفاست شناسانه می شوند که بیشتر متوجه خصیصه های هنری از جمله خط خوش، کاغذ خوش، قلم و انواع تذهیب و ترصیع و جلد های هنری است. تشخیص نفاست نسخه به دو گونه است؛ نخست از نظر ابعاد هنری و دوم از لحاظ کتاب شناسی، فواید فرهنگی، اعتبار و صحت ضبط مندرجات آنها. همچنین به نسخه هایی نفیس یا نسخه های اصل گفته می شود که به دست مولف کتابت شده اند یا نسخه های پایه و معتبر که در ادوار مختلف نسخه نویسی فراهم آمده است. تشخیص

در سه بخش، قاب سازی گچی شده و در هر بخش، تابلوهایی به ابعاد ۵x۲ متر با استفاده از آیاتی از قرآن کریم متناسب با موضوع علم و دانش، گچ بری جالب توجهی شده است.

در میانه ساختمان در طبقه همکف دو حیاط به ابعاد ۲۰x۳۳ متر منظور شده، معماری این حیاط ها به سبک سنتی با ایوان هایی در اطراف است که در طبقات از طریق سالن ها قابل استفاده است و در عین حال نور طبیعی کافی را برای سالن ها تامین می کند. ناماسازی این حیاط ها تلفیقی از آجر و کاشی به صورت کارهای بازوبندی شده، رنگ چینی آجری و در سقف ها از رسمی بندی گچی استفاده شده است. در کنج هاهشت ایوان در اضلاع کناری دو به دو مرتبط شده و از مقرنس گچی که غرفه و ایوان جلو را به هم متصل کرده کاربردی شده است. درهای چوبی این حیاط ها کار گرمتمضم ۵۰مبیت مدیحه مربوط به خراسان، خطاطی و به صورت معرق اجرا شده است.

در تمام چهار سرد به سوی قبله آیه مبارکه «ن و القلم» نوشته شده است. در وسط یکی از حیاط ها آب نمای سنگی با مخزن آب اضطراری آتش نشانی در زیر آن واقع شده و در چهار کنج، چهار باغچه قرار دارد که وسط هر باغچه پایه سنگی با چراغ های فانوسی کالسکه ای نصب شده است. در وسط حیاط دیگر یک نورگیر سنگی قرار دارد که از اطراف به زیرزمین نور می دهد و در قسمت بالای آن ماکت قرآن کریم و در اطراف قرآن تعدادی کتاب سنگی که روی آنها اسماء مختلف قرآن و کتاب های مرجع اسلامی حجاری شده نصب شده است. در طبقه زیرزمین، در قسمت تحتانی آمفی تئاتر سالن نسبتاً بزرگی با تجهیزات کافی به صورت سلف سرویس برای سرویس دهی و پذیرایی قرار گرفته و در سایر قسمت های زیرزمین، تالارهای قفسه باز آقبایان، بانوان و کودکان و نیز تالارهای سمعی و بصری، آرشیو خراسان و توس، آرشیو مطبوعات و

نخستین بارقه پیدایش جلوه قدسی آستان قدسی رضوی، سالیان بسیار دور در اثر خیرخواهی و ایمان راستین واقفان و اهداکنندگان با اخلاص و بی نام و نشان زده شد. سپس عواملی نظیر روی آوردن طلاب علوم دینی مقیم شهر مشهد، زائران فاضل، دورانیدیش و بذل عنایت خادمان و شیفتگان بارگاه امام (رضاع) موجبات رونق آن را فراهم کرد.

توجه جدی به جایگاه کتابخانه سبب شتاب در روند توسعه کتابخانه و اقبال روزافزون محققان و کتابخوانان به مکان جدید شده است. اگرچه در طول سالیان بارها مکان کتابخانه تغییر یافت؛ اما همواره در جوار مرقد مطهر ثامن الائمه (ع) و داخل حوزه اماکن متبرکه قرار داشته است.

کتابخانه مرکزی و تخصصی آستان قدس رضوی با هدف نگهداری از نسخه های خطی و چاپی تاریخی، نفیس، روزنامه ها، پایان نامه ها، کتاب های قدیمی و لاتین در سال ۱۳۳۰ خورشیدی بنا شد. این کتابخانه به دلیل انتساب به ثامن الائمه (ع) پیوندی دیرینه با مذهب دارد و با فراز و فرودهای گوناگون تاریخی در خراسان و مشهد مقدس پیوند خورده است.

نخستین بنای جامع و مستقل کتابخانه در سال ۱۳۳۰ خورشیدی در ضلع شمال غربی رواق امام خمینی (ره) گذاشته شد. سپس در سال ۱۳۵۶ به ساختمان جدید و وسیعی واقع در طبقه فوقانی موزه آستان قدس رضوی، واقع در ضلع شرقی همان رواق انتقال یافت. ساخت بنای باشکوه ساختمان کنونی نیز از سال ۱۳۶۰ خورشیدی آغاز شد که در سال ۱۳۷۲ با مساحت ۲۸۸۰۰ متر مربع زیر بنا به پایان رسید و از نیمه دوم سال ۱۳۷۳ مورد بهره برداری قرار گرفت. این ساختمان عظیم در سالروز میلاد فرخنده امام (رضاع) مطابق با ۲۲ فروردین سال ۱۳۷۴ شمسی طی مراسم باشکوهی به طور رسمی گشایش یافت.

معماری کتابخانه

از بست شیخ طوسی که وارد کتابخانه می شوی، در دیواره های شمالی ایوان ورودی، دو کتیبه سنگی، حجاری و مطلا شده که مبین سابقه تاریخی کتابخانه مرکزی آستان قدس، مناسبت ساختمان جدید و تاریخ افتتاح و بهره برداری است به چشم می خورد. یکی از این کتیبه ها به زبان فارسی و با خط جلی نستعلیق و دیگری به زبان عربی و با خط جلی رقا است. در کنار پله ها چهار عدد کتیبه معرق سنگی به صورت یک کار ابتکاری و بدیع حجاری شده و مضمون چهار متن از بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر معظم انقلاب به زبان فارسی و خط نستعلیق شکسته مطلاست. در مقابل پله ها، اتاق های امانات مراجعان واقع شده سقف این اتاق ها با گچ بری های مقرنس رنگ آمیزی شده و با نوار طلایی در نبش ها تزئین شده است. دیوارهای این قسمت به صورت گره سنگی با ترکیبی از سنگ سفید و درزهای کاشی لاجورد و طغاری پوشش شده که از ترکیب درزهای لاجورد شعاع لاله الا الله متجلی است. در سالن ورودی جنب این فضا در یک قسمت پله های اصلی عمومی طبقات واقع شده که در سقف انتهایی گچ بری های بسیار متنوع اعم از قطار مقرنس در اطراف، چهار عدد لوستر گچی مقرنس به صورت آویز و شبکه گچ بری بسیار زیبا و هنرمندانه در اطراف آن برای تامین نور طبیعی فضا اجرا شده است. در بخش دیگری از دیوار این ورودی، چهره حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری گچ بری و مطلا شده که حاشیه آن به صورت جالبی نقاشی شده است و در طرف دیگر این تابلو، آیه شریفه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولی الامر منکم» نقش بسته است. در قسمت راست این ورودی بخش گردش و امانت کتاب واقع شده است. دیوار سمت چپ همین قسمت



از چهارشنبه تا سه شنبه با برنامه های سرای اهل قلم

بانویی بزرگوار در سرای اهل قلم

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های کارشناسی در حوزه های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را فراهم می کند.

در نشست هایی که طی چند روز اخیر در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه های حافظ پژوهی، ورزش و همچنین روان شناسی در جلساتی جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند. همچنین برگزاری مراسم بزرگداشت طاهره صفارزاده، قرآن پژوه، شاعر و مترجم فقید ایرانی، شورو حال معنوی خاصی به سرای اهل قلم بخشید.

سرای اهل قلم خانه کتاب در ساختمان پلاک ۲ خیابان خواجه نصیر، روبه روی موسسه خانه کتاب واقع در خیابان انقلاب قرار دارد.

صفارزاده: بانویی که باید از نو شناخت

مراسم بزرگداشت مرحومه طاهره صفارزاده، قرآن پژوه، شاعر و مترجم فقید ایرانی با سخنرانی سیدعلی محمد رفیعی و سیداحمد نادمی و با حضور تعدادی از علاقه مندان به آثار و شخصیت صفارزاده برگزار شد.

علی محمد رفیعی، نویسنده و دین پژوه: اگر از من بپرسید مهم ترین دغدغه خانم صفارزاده چه بود، در سه کلمه می گویم «زبان تخصصی دانشگاه». پنج سال پیش متوجه شدم این بخش برای صفارزاده اهمیت حیاتی دارد.

پیش از انقلاب اسلامی در دانشگاه هازبان تخصصی دروس مختلف تدریس نمی شد و صفارزاده چه قبل و چه پس از انقلاب اسلامی پرداختن به دغدغه اصلی اش را همواره به طوری جدی دنبال کرد.

قرآنی که صفارزاده آن را ترجمه کرده بود، برای اولین بار در چاپخانه وزارت ارشاد زیر چاپ رفت و من به دلیل مصاحبه ای که باید درباره این قرآن با صفارزاده انجام می دادم، از همان ابتدا مطالعاتی روی ترجمه ایشان داشتم و بدون اغراق باید بگویم ترجمه صفارزاده چند گام به پیش است.

چه در صورت، چه در معنا و چه نسبت هایی که صفارزاده در ترجمه اش ارائه داده، قرآن او، نه یک گام، بلکه چند گام در میان ترجمه های مختلف به جلورفته است. برخی ترجمه ها وجود دارند که گاه نوعی تکرار ترجمه های دیگرند؛ اما ترجمه صفارزاده ترجمه ای ویژه بود. البته من نقدهایی نیز بر ترجمه ایشان دارم که باید به طور تخصصی آنها را ایراد کرد.

صفارزاده از اولین کسانی بود که در نقد ترجمه کتاب نوشت. او دغدغه خود در زبان را در جامعه و دانشگاه عمق و ریشه داد.

صفارزاده اهمیت زبان های مختلف را در کشور ارزیابی کرد و از آنجا که ضوابطی برای نشر کتاب تخصصی در حوزه زبان های خارجی وجود نداشت، به تدوین این ضوابط پرداخت.

سیداحمد نادمی، شاعر و مترجم: صفارزاده در جایگاه یک شاعر نقشی پررنگ تر از یک شاعر ایفا کرد. چندشاعر را در ایران سراغ دارید که همچون صفارزاده نقشی کنش مند در ادبیات یک کشور ایفا کنند؟ معتقدم نقشی که صفارزاده در ایران ایفا کرد، حاصل ۴۰ سال رفتار مستقل ادبی وی بود.

پرهیز از جریان های ادبی و رساندن صدای خود در دورانی که اگر از یک جریان خاص نباشی، صدايت به جایی نمی رسد، کار بزرگ طاهره صفارزاده بود.

شعر «کودک قرن» صفارزاده بسیار با اهمیت است. درست است که شعر کودک قرن سبب شناخته شدن

بیشتر صفارزاده به جامعه ایران شد، اما در ادامه مجموعه هایی چون «طنین در دلنا» مسیر حرکت او را تثبیت کرد.

واقعیت این است که صفارزاده خیلی زود فاصله اش از جریان های روز ادبی ایران را مشخص کرد و می توان گفت زمانی که او به آمریکا رفت، شعر معاصر آمریکا شرایط بسیار خاصی داشت؛ چرا که دقیقاً در زمان جنبش نسل «بیت» صفارزاده در آمریکا حضور داشت که تاثیر این جنبش اعتراضی را بعداً در آثار صفارزاده می بینیم. من معتقدم شعر و شخصیت صفارزاده تا حدود زیادی بر شکل گیری جریان شعر انقلاب تاثیر گذار بود.

حافظ: منتقد زور، زورمندان و تزویرمداران

چهارمین نشست «حافظ پژوهی» با موضوع «طنین شعر حافظ» در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار شد. ارائه تمثیل هایی از عطار و مولانا و گاه سایر عارفان طنز پرداز ادب فارسی در توضیح چگونگی طنز حافظ و بررسی ابعاد طنز در غزل های حافظ، بخش عمده ای از این نشست را به خود اختصاص داد. این نشست با حضور پرویز عباسی داکانی، دبیر نشست، نیما تجبر، سخنران و جمعی از دانشجویان و علاقه مندان این حوزه با موضوع «طنز در شعر حافظ» برگزار شد.

پرویز عباسی داکانی: در بررسی شعر حافظ آنچه در درجه نخست اهمیت قرار می گیرد، زبان حافظ است. پس از آن نیز به ترتیب شخصیت های شعری حافظ و عالم (دنیای) او از جمله ابعاد موثر در بررسی شعر این شاعرند.

طنز حافظ، طنزی ویژه و بسیار تلخ است و از نوع طنز عبید زاکانی و مولانا نیست. حافظ با زبانی متعلق به روزگار خود سخن می گوید. روزگار او روزگار خندیدن نیست. البته او در زندگی خود به نوعی طنزناز بوده و تاریخ ما از او به عنوان طنز پرداز بزرگ یاد می کند. در نگاه حافظ و مولانا، حقیقت زندگی طنز است؛ چرا که عارف جهان را گذران می بیند، در نتیجه جهان در حال گذر را شایسته خندیدن می داند، پس طنز، خود زندگی است. الهیات نیز با طنز نسبتی ویژه پیدا کرده است. اگر تصورمان از رابطه خدا و انسان رابطه ای منفک باشد، هرگز نمی توانیم عنصر طنز را در عرفان و مذهب وارد کنیم، اما عرفان این رابطه را تغییر داده و این امکان را فراهم آورده تا بتوانیم دوستانه با خدا سخن بگویم. بر همین اساس عارفان نیز از طنز برای ارتباط خدا و سخن با او بهره گرفته اند. طنز عارفانه تصور ما را از الهیات دیگرگونه کرده است. بیشترین بهره ای که حافظ از طنز در شعرش گرفته، ریاستیزی بوده است. اصلی ترین کار یک طنز پرداز نیست زدن به دمل های چرکی جامعه است. خودزنی های حافظ در غزل هایش که بسیار به چشم می آید، از همین مسأله سرچشمه می گیرد. حافظ منتقد زور، زورمندان و تزویرمداران است.

نیما تجبر: حافظ منشوری است که از هر سو با تابش نور و فروغی می تواند چشم نوازی های ویژه ای برای ما داشته باشد. برای بررسی طنز در شعر حافظ باید از معانی متعدد و کاربرد های این آژه در زبان آگاه باشیم. در گذشته طنز با معانی بسیاری در ادب فارسی از جمله طنز و طعنه، طنز با خنده، طنز با خراش، طنز با خنده و نیشخند، طنز و گزافه، طنز و دروغ و طنز و وارونه نمایی همراه بوده است.

آنچه از طنز در معنای عامش می دانیم آن چیزی است که با خندیدن در ارتباط است. امروز هر آنچه ما را می خنداند، طنز می گویم اما هدف ما بررسی طنز در شعر حافظ است، پس باید به گذشته زبان و ادب



فارسی نگاهی داشته باشیم و ویژگی طنز و طنز گونگی را در آنجا ببینیم.

هیچ یک از شخصیت های شعر حافظ در جایگاه واقعی خود نیستند. ما انتظار داریم عارف و صوفی در صومعه و خانقاه باشند. اما در غزل های حافظ جایگاه آن میخانه است. اینچنین شخصیت هایی در شعر حافظ بسیار است. از جمله می توان فقیه، محتسب، صوفی، واعظ، شیخ، زاهد، عابد، مفتی و امام جماعت را نام برد. یعنی تمام افرادی که در جامعه روزگار حافظ نقش مهم و برجسته ای داشته اند.

پای ورزش هم به سرا باز شد

همایش جامعه شناسی ورزشی با بررسی حوزه های مدیریتی ورزش و ارتباط میان مسؤولان ورزش کشور با نشر دانشگاهی ورزشی، در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار شد. در این همایش جمعی از استادان برجسته تربیت بدنی و علوم ورزشی نظیر سیدمهدی آقاپور، محمداحسانی، منوچهر بهمنی، محمدرضا اسماعیلی و جمعی از کارشناسان و دانشجویان تربیت بدنی و علوم ورزشی حضور داشتند.

در ابتدای این نشست دکتر محمد احسانی، مدرس رسمی فیفا، درباره موضوعات مختلف از جمله مشکلات موجود در راه مدیریت ورزش و همچنین همکاری و حضور کارشناسان و استادان تربیت بدنی و علوم ورزشی در عرصه مدیریت سازمان ها و نهادهای ورزشی کشورمان سخن گفت.

دکتر سیدمهدی آقاپور، استادیار دانشگاه تهران:

با توجه به نظریه های استادان برجسته دنیا نظیر؛ ایوان ایلیچ، میشل کالر، رابرت بویل، راسل و همچنین امام خمینی (ره) در حوزه جامعه شناسی و ورزش، درباره حضور دانشگاه و همکاری آن در کشورهای پیشرفته با نهادهای مرتبط در امور تربیت بدنی و علوم ورزشی باید گفت که دانشگاه ها همانند چراغ راهند که اگر کم نور شوند، حرکت مشکل در مسیر پیشرفت خواهد بود و حتی اگر پر نور شوند، باز هم حرکت را با مشکل روبه رو می کنند. دانشگاه ها نباید تنها به مکانی برای دریافت محصول که همان مدرک تحصیلی است، تبدیل شوند، بلکه باید اثر بخشی بر زندگی دانشجویان داشته باشند.

امروزه سر نوشت جامعه با سر نوشت دانشگاه گره خورده است. در برنامه پنج ساله دولت نیز نخستین رکن توسعه، دانش محوری است. این امر نشان دهنده ویژگی علم نزد مسؤولان است.

متأسفانه امروزه ارتباط میان مسؤولان اجرایی ورزش و مسؤولان و استادان دانشگاهی کم است و این تفکر که دانشگاه ها به فضایی برای دریافت مدرک تحصیلی تبدیل شده اند، وجود دارد. نباید از ارائه نظر ها، پیشنهاد های انتقادی و سازنده تسریع، بلکه باید با

حضور در عرصه های مختلف اجرایی، علمی و فرهنگی ورزش کشورمان به این امر کمک کنیم. امروزه وظیفه ماندگاریان ایجاد ارتباط با مسؤولان ورزش است. همچنین باید با ارائه اطلاعات خود به همه اهالی ورزش، به افزایش سطح ورزش کشورمان یاری رسانیم.

تحلیل رفتار متقابل با ترجمه ای توانا

نشست نقد و بررسی کتاب «تحلیل رفتار متقابل» با حضور دکتر محمد قربانی، سیدمجید میر ابوالقاسمی، کارشناس حوزه روان شناسی و محمود میر سلیمی کارشناس روان شناسی و دبیر جلسه برگزار شد.

سیدمجید میر ابوالقاسمی: کتاب «تحلیل رفتار متقابل» اثر یان استوارت و ون جونز با ترجمه دکتر بهمن دادگستر سال ۸۲ برای اولین بار منتشر شد و آخرین چاپ آن نیز سال ۸۸ به بازار آمد. این کتاب از لحاظ ویرایش و چاپ دارای کیفیت مناسبی است و مترجم آن نیز یکی از استادان روان شناسی بالینی است. تجدید چاپ های متمادی، تغییری در متن کتاب تدریس نکرده است. این کتاب در سطح بین المللی تدریس شده و انجمن تحلیل رفتار نیز آن را تایید کرده است. یکی از نقاط ضعف نوشتار حاضر که دارای هفت فصل است، فهرست مطالب آن به حساب می آید که خلاصه زیر گروه های آن را صفحه گذاری نکرده است.

ترجمه این اثر روان است و بر اساس تخصص مترجم نگاشته شده است. روال کتاب قابل قبول و به هم پیوسته است. اما در مقدمه دارای مشکلاتی است. برای نمونه این که مترجم در کدام مرکز تحلیل رفتار فعالیت کرده را مشخص نکرده است.

دکتر دادگستر در بخش هایی از این کتاب ادعای بزرگی مبنی بر پایه گذاری سیستم روانکاوی در ایران توسط مولوی، شاعر و عارف ایرانی می کند. متأسفانه این ادعا توسط وی ثابت نشده است. همچنین درباره تاکید اریک برن درباره کودک درون انسان نیز مطالب زیادی در کتاب بیان نشده است.

دکتر محمد قربانی: نظریه برن به روابط متقابل انسان ها در بافت جامعه می پردازد که البته کارآمدی و مفید بودن آن تجربه شده اما در هر حال هیچ نظریه ای نیست که همه موارد را کنار یکدیگر بررسی و مطرح کند. اولین گروه از افرادی که به دنبال پاسخ به سوالاتی درباره انسان بودند، فلاسفه اند که ابزار فعالیتشان تفکر، استدلال و عقل است و شخصیت انسان را بر اساس رفتار وی تبیین می کنند. فلاسفه هر یک به بضاعت زمانی و تجربیات خود باید و نباید هایی را مشخص و دیگران را موظف به پیروی از آن می کنند.

گروه دیگر نیز روحانیان و پیامبران اند که باورها و کتاب های آسمانی را مبنای پاسخگویی به سوالات دیگران قرار می دهند. همچنین دسته سوم دانشمندانند که بر اساس حدسیات خودشان، آزمون هایی را به عمل می آورند و روش علمی را ایجاد می کنند. این دسته از افراد به دنبال باید و نبایدها نیستند و از تجربه خود استفاده می کنند. به صورت کلی این سه گروه تلاش می کنند موجود پیچیده ای به نام انسان را تبیین کنند و وی را به مکان صلح، نیک و موفقیت برسانند.

دسته دیگری از نظریات، نظریات یادگیری اند که رفتار را تحت تاثیر یادگیری در تمام مدت عمر می دانند. از نظریه پردازان این حوزه می توان به «اسکینر» اشاره کرد که خود را یک رفتار گرای محض می داند و معتقد است رفتارها تحت تاثیر یادگیری اند. همچنین نظریه پردازان دیگر نیز در گروه آمادگی های ذهنی قرار دارند، به این معنا که معتقدند انسان با آمادگی های از پیش تعیین شده به دنیا می آید.

نگاهی به کتاب «هنر نسانس»

عصر طلایی هنرمندان رنسانس

دیدگاه‌های تازه‌ای در دسترس خواننده قرار می‌دهد و پرسش‌های جدید و متفاوتی در مقابل او می‌نشانند. بررسی هنر رنسانس در زندگی روزمره مردمان این عصر بسیار مهم است. در واقع بخش زیادی از آثار تولید شده در این دوره، اشیای خرده‌ریز و کوچک و بزرگی بود که هنرمندان و صنعتگران کمتر شناخته شده‌ی بی‌نام و نشان آنها را برای استفاده در منازل یا در مراسم عبادی خلق می‌کردند. با بررسی دقیق این آثار و شرایط فیزیکی و تاریخی دائمی‌تغییر در عرصه‌های خصوصی و عمومی مرتبط با آنهاست که می‌توان به نحو کامل‌تری پیوندهایی را درک کرد که بین مفاهیم این آثار و فضای پیرامون آنها وجود داشته است. بنابراین اگر بکشیم و چشم تاریخی خود را بر تمامی آثار این دوره بدوزیم، می‌توانیم از چارچوب بررسی این که «چه کسی» این یا آن کار هنری خاص را خلق کرد فراتر برویم و به تدریج درک کنیم که این آثار «چرا» و «چگونه» پدید آمده و بینندگان اصلی آنها در دوران رنسانس احتمالاً چه برداشتی از آنها داشته‌اند.

چاپ اول کتاب «هنر رنسانس» نوشته جeraldین ا. جانسون با ترجمه «رحیم قاسمیان» در سال ۱۳۸۸ با شمارگان هزار نسخه و قیمت ۳۵۰۰ تومان از سوی انتشارات بصیرت روانه بازار کتاب شده است. کتابی که انتشارات آکسفورد آن را در مجموعه‌ای با عنوان A very short introduction to every thing منتشر کرده است. کتابی خواندنی که متأسفانه ترجمه آن نیازمند ویرایشی دوباره است. به عنوان مثال ضبط واژگان در همه جا یکسان نیست. در کتاب ما با نام‌هایی مواجهیم که به دو صورت آمده‌اند مثل «وازاری» و «واساری» یا «ماتم بر جنازه عیسی مسیح» و «زاری بر مسیح». غلط‌های حروفچینی هم آنقدر زیادند که به چشم می‌آیند. از سوی دیگر، برخی جملات طولانی و گاه گنگ و دشوار خوان شده‌اند که نیازمند بازنویسی و شکسته شدن آنها به جملاتی کوتاه‌ترند تا راحت‌تر خواننده و فهمیده شوند.



به لحاظ بصری قانع‌کننده برای مضامین دینی و دنیوی نیز دست‌یابند و در این مسیر بود که پرسپکتیو در آثار هنری آنان راه یافت. از دیگر ویژگی‌های این دوره توجه و تمرکز بر فردیت و عرضه چهره خود هنرمند به جهانی پهناتر از محدوده‌های بسته جغرافیایی بود که می‌تواند تصویری از «انسان رنسانسی» را در مقابل چشمان ما ترسیم کند. احتمالاً یکی از خواندنی‌ترین فصل‌های این کتاب، فصل ششم آن است که به این پرسش می‌پردازد: «آیا زنان نیز رنسانسی داشته‌اند؟» به بیان دیگر، جانسون در زمانه‌ای که هنر را می‌توان عرصه‌ای مردانه محسوب کرد به زنان رنسانسی توجه دارد و آنها را از سه منظر مورد بحث قرار می‌دهد: زنان در مقام موضوع هنر، زنانی که آثار هنری سفارش می‌دادند و زنان هنرمند. این فصل از آن جهت مهم است که بررسی هنر رنسانس با نگاهی به جنسیت،

نکته‌ای که باید در نظر داشت این است که واژه «هنر» برای اولین بار در دوره رنسانس، به ویژه در اواخر سده پانزدهم به این سو بود که به شیوه‌ای که امروزه آن را به کار می‌بریم مورد استفاده قرار گرفت. این امر درباره واژه «هنرمند» هم مصداق دارد. در واقع طی دوره رنسانس است که مفهوم امروزی از هنر همراه با مسائلی چون جایگاه هنرمند به عنوان نابغه خلاق، اهمیت اصالت‌کاری (به جای صنعت محض) در ارزیابی ارزش‌های هنری و اهمیت بهره‌گیری از معیارهای زیبایی‌شناسانه در داوری آثار هنری پا به عرصه وجود نهاد. از سوی دیگر، همان‌گونه که جانسون متذکر می‌شود نباید به سادگی فرض را بر این بگذاریم که ما نیز می‌توانیم با همان چشمی به آثار به جای مانده از عصر رنسانس نگاه کنیم که بینندگان آن دوران به آنها نگاه می‌کردند. به همین دلیل است که مولف کتاب می‌کوشد مفهوم «هنر» را از منظر بینندگان آن عصر مورد بررسی قرار دهد. کتاب با پیشگفتاری آغاز می‌شود که چشم‌اندازی کلی از مفهوم و عصر رنسانس را تصویر می‌کند. در هشت فصل بعدی، و جوه گوناگون هنر رنسانس بررسی و همراه با ارائه مثال‌هایی ارزیابی می‌شوند. نقاشی‌های محراب و سنت خلق آثار محرابی در کلیساها و نیز روایتگری در هنر رنسانس از مباحث مهم کتاب است. در واقع یکی از کارکردهای اصلی هنر در این دوره، انتقال داستان و فکر به مدد تصاویر و به روش‌هایی بود که معمولاً جذاب‌تر، سرزنده‌تر و به‌یادماندنی‌تر از هر متن، خطابه یا سخنرانی از کار درمی‌آمد. به گونه‌ای که هر ناظر باسواد یا بی‌سواد را به خود جلب می‌کرد و روح و روان او را تکان می‌داد.

هنرمندان عصر رنسانس عموماً نگاهشان به یونان و رم باستان بود و حس دلنگی آنان برای گذشته گمشده و آرزوی احیای این «عصر طلایی» در آثارشان بارز است. این هنرمندان نه فقط به گذشته می‌نگریستند، بلکه می‌کوشیدند به خلق فضاهایی

عصر رنسانس را فصل نوزایی فرهنگی و تاریخی اروپاییان قلمداد می‌کنند. در این دوران است که مقدمات ورود به دوران مدرن فراهم می‌شود، اما نه با گسست کامل از آنچه پیش از این وجود داشته است. هر چند هر چه می‌گذرد تغییراتی بنیادین‌تر در وجوه گوناگون زندگی مردمان این عصر حاصل و بروز و ظهور این تغییرات پیش از هر چیز در هنر و ادبیات آشکار می‌شود. کتاب «هنر رنسانس» به چنین زمانه‌ای نظر دارد و نویسنده آن «جرالدین ا. جانسون» تمرکزش را تنها بر هنر این دوران و به ویژه هنرهای تجسمی گذاشته است.

جانسون بر این باور است که مطالعه هنر رنسانس نباید به نگرستن به مجموعه‌ای از آثار مستقل و منفرد جدا مانده بر دیوار موزه‌ها یا صفحات کتاب‌ها مقید و محدود شود، بلکه برعکس، باید حاوی کشف ارتباط و تاثیر متقابل و پیچیده‌ای باشد که بین اشیاء و مکان‌ها، حامیان و سفارش‌دهندگان، ناظران و شرایط تاریخی خاص آن زمان وجود داشته و موجبات پیدایش این آثار را فراهم آورده باشد. این رویکردی است که مولف «هنر رنسانس» بر آن بوده در تمامی کتابش به آن پایبند بماند. از همین روی، وی در جای‌جای کتابش به مقتضای بحث به تصاویری از آثار هنری عصر رنسانس ارجاع می‌دهد و تصویر آن‌را می‌آورد و درباره آنها نه فقط همچون یک اثر هنری، بلکه پیش و بیش از هر چیز به مثابه اثری بر جای مانده از عصری سخن می‌گوید که در دل خود آگاهی گسترده‌ای از وجوه گوناگون مردمان این عصر ارائه می‌کند. به ویژه که جانسون به درستی بر این نکته مهم انگشت می‌گذارد که این آثار بیش از آن که به عنوان آثاری هنری به معنای امروزی در نظر گرفته شوند کارکردی دینی و عبادی داشته‌اند. البته جانسون از آثاری که وجهه دنیوی نیز دارند غافل نمی‌شود و در سراسر کتاب به درهم‌تنیدگی امور دنیوی و دینی موجود در آثار هنری عصر رنسانس توجه دارد.

درباره کتاب «پرسش از هنر»

تلاشی برای تعریف هنر



بلیت کنسرتی را در دست دارید که قرار است در آن یکی از بزرگ‌ترین نوازندگان پیانو به اجرای قطعاتی برگزیده بپردازد. افتتاح‌حضور در چنین برنامه‌ای، تجربه‌ای بی‌نظیر برایتان به حساب می‌آید. روز موعود فرا می‌رسد و شما خودتان را به محل برگزاری کنسرت می‌رسانید. کاملاً خود را آماده کرده‌اید تا اجرای بی‌نظیر را بشنوید. حالا دیگر صندلی‌تان را پیدا کرده‌اید و

در جای‌تان نشسته‌اید. همه حاضران چون شما مشتاقانه منتظرند. عاقبت پیانیست محترم می‌آید و با وقار همیشگی اش پشت پیانو می‌نشیند. سکوت حکمفرماست. حاضران همگی سکوت کرده‌اند، سکوت محض. ۴ دقیقه و ۳۳ ثانیه می‌گذرد. پیانیست محترم بلند می‌شود، راهش را می‌کشد و می‌رود بی آن‌که به انتظار شما پاسخی درخور داده باشد، بی آن‌که چیزی نواخته باشد.

این واقعه خیالی نیست. این پیانیست محترم «جان کیچ»، موسیقیدان انقلابی آمریکایی است که این قطعه‌اش به قطعه ۴ دقیقه و ۳۳ ثانیه معروف شده است. پرسش در اینجا کمابیش چنین است: کیچ چه کرده است؟ در هنرمندی او شکی نیست، اما او که چیزی نواخته است! چه می‌توان گفت درباره این قطعه نواخته نشده؟ آیا این کاری که او کرده عملی هنرمندانه محسوب می‌شود؟ چنین واقعه‌ای احتمالاً پرسشی را به میان می‌کشد که از دیرباز

همواره در میان بوده و هر کسی از منظری کوشیده پاسخی برای آن دست و پا کند: «هنر چیست؟». پرسشی که در پی «چیستی هنر» است و نایجل و اربرتون، کوشیده است در کتابش، «پرسش از هنر»، به آن بپردازد. آن هم از نگاه اندیشمندانی که در فلسفه به عنوان فیلسوفان تحلیلی شناخته می‌شوند و بیشتر به هنرهای تجسمی نظر داشته‌اند. به زعم مولف این کتاب «فلسفه، فعالیت انتقادی است با استفاده از مفاهیمی در قالب واژگان و فیلسوفان صرفاً عقایدشان را بیان نمی‌کنند، بلکه از آنها با دلیل و برهان دفاع می‌کنند. آنها دلیل اقامه می‌کنند. تعریف می‌آورند و وضوح می‌بخشند».

در چنین چارچوبی است که اربرتون می‌کوشد به پرسش از هنر، پاسخی فلسفی بدهد، پاسخی که چندان هم ساده نیست. وی در کتاب خود طیفی از کوشش‌های فلسفی برای تعریف هنر را بررسی می‌کند، گستره‌ای شامل صورت‌گرایی کلاسیک، بنیان‌گرایی آر.جی. کالینگوود، رویکرد ویتگنشتاینی، مبتنی بر نفی امکان تعریف، نظریه نهادی «جرج دیکی» و تعریف قصدی - تاریخی «جرولد لوینسون».

نقطه قوت کتاب اربرتون هم در همین جاست. او هرگز تلاش نمی‌کند پای همه چیز را در پاسخ به پرسش «هنر چیست؟» به میان بکشد و تمامی پاسخ‌های موجود در تاریخ فلسفه را بازگو کند. او کاری فلسفی کرده است و چند فیلسوف و اندیشمند معاصر را هم برگزیده است. وی در ابتدا می‌کوشد تبیین ساده - و نه سطحی - از آرای اندیشمند مورد نظرش ارائه کند و با مثال‌هایی به بحث خود وضوح ببخشد و در نهایت انتقاداتی را که به هر یک وارد است برمی‌شمارد. توجه به اولویتی که اربرتون به هر یک از نظریات طرح شده در کتابش داده است نیز مهم است. بحث‌های طرح شده در این کتاب به نحوی پیش‌رفته‌اند که خواندن هر فصل نیازمند مطالعه فصل

پیشین است و در نهایت فصل پنجم کتاب با عنوان «خب، نتیجه؟» بدون مطالعه فصل‌های قبل گیج‌کننده خواهد بود.

این کتاب، نتیجه‌ای بدبینانه را مطرح می‌کند: همه کوشش‌های فلسفی عمده اخیر برای تعریف هنر تا اندازه‌ای ناکافی بوده‌اند و هنوز هیچ‌یک شرح قانع‌کننده‌ای از چیستی هنر به دست ندادند.

فرضیه نهایی اربرتون چنین است: هنر تعریف‌ناپذیر است، زیرا با توجه به ادله موجود، پذیرفتنی‌ترین دیدگاه همین است. آثار هنری گوناگون آن گونه که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته‌اند در قالب الگویی از شباهت‌های هم‌پوشان و به لحاظ فرهنگی معنادار به هم مربوطند. ما می‌توانیم واژه «هنر» را به نحو کارآمدی به کار بگیریم و هنگام صحبت کردن درباره هنر، متوجه منظور یکدیگر شویم، اما نه بدان جهت که همه آثار هنری عنصری ذاتی دارند که هنر را به آن صورتی که هست درمی‌آورد. اربرتون در پایان کتاب خود و پس از بیان این نتیجه بدبینانه باز به عقب بازمی‌گردد و این پرسش را بررسی می‌کند که فایده تعریف چیست؟ وی سه فایده برای تعریف هنر برمی‌شمارد: اول کمک به ما تا درباره نمونه‌های دشوار تصمیم بگیریم. دوم می‌تواند با التفات به گذشته این مفهوم را روشن کند که چرا آنچه هنر نامیده شده هنر است و در نهایت می‌تواند به ما بگوید که کدام اشیاء در جهان احتمالاً ارزش توجه خاص و دقیق دارند. واپسین سخن اربرتون توجه به ناپایداری زندگی و تمرکز بر آثار هنری جزئی در پاسخ به این پرسش است که چرا آنها هنرند و احتمالاً برای ما ممکن است واجد اهمیت باشند. به گفته او ما نهایتاً باید به خود آثار هنری بازگردیم.

چاپ نخست کتاب «پرسش از هنر» نوشته نایجل و اربرتون با ترجمه مرتضی عابدینی فرد در شمارگان ۱۶۵۰ نسخه و قیمت ۲۴۰۰ تومان، سال ۱۳۸۸ از سوی انتشارات ققنوس منتشر شده است.



«یک ققمه از کوثر» با عنوان فرعی «داستان‌های دراماتیک برای تئاتر رضوی» به سرپرستی نصرالله قادری و نویسندگی او همراه سعید تشکری، حسین زاهدی نامقی، مهدی نصیری و رویا پارکی، همزمان با برگزاری جشنواره تئاتر رضوی در تهران و بندرعباس منتشر شد. انتشارات نمایش این کتاب پژوهشی در عرصه نمایشنامه‌نویسی را با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و قیمت ۱۰ هزار تومان منتشر کرده است. در این کتاب ۱۸۴ داستان دراماتیک و خلاصه داستان از منابع شیعی و سنی گردآوری شده است. نصرالله قادری از چهره‌های نقد، نمایشنامه‌نویسی و کارگردانی کشورمان است که در پرونده کاری خود چند کتاب پژوهشی و ترجمه از جمله «آنا تومی ساختار درام» را ثبت کرده است. سعید تشکری و مهدی نصیری نیز در عرصه نقد و نمایشنامه‌نویسی فعال بوده‌اند. حسین زاهدی نامقی در عرصه روزنامه‌نگاری فعالیت دارد و رویا پارکی نیز مترجم زبان فرانسه و عکاس است. این گروه با پیشینه قابل استناد گردهم آمده‌اند تا پژوهشی درخور را در معرض دید عموم قرار دهند. با نصرالله قادری گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌آید.

گفت‌وگو با نصرالله قادری، نویسنده «یک ققمه از کوثر»

کتابی برای نمایشنامه‌نویسان



در این دو سه روزه هنوز بازتابی نداشته است، اما امیدوارم درباره آن نقد بنویسند و ما را در نخستین قدم متوجه اشتباهاتمان کنند تا گروه‌های بعدی، با دست باز سراغ این گونه پژوهش‌ها بروند.

آیا پژوهش‌هایی از این دست را ادامه می‌دهید؟ دوست دارم بر اساس این داستان‌ها طرح دراماتیک بنویسم.

آیا اقدامی هم در این زمینه انجام داده‌اید؟

نه! هنوز وضعیت فعلی برای جشنواره بعدی نامشخص است تا این که معاونت هنری مشخص شود.

خودتان از انجام این پژوهش راضی هستید؟

به لحاظ حسی راضی هستیم. در ابتدای کار همه چیز را با ترس و وحشت آغاز کردم و هدفمان ارائه یک کتاب در ۲۵۰ صفحه بود، اما الان می‌بینید که کتاب ۷۵۰ صفحه شده است. بنابراین همین مرا به لحاظ حسی راضی می‌کند، اما این کتاب در برابر کرامات خیلی زیاد امام رضا(ع) بسیار ناچیز است و فکر نمی‌کنم کار زیادی کرده باشیم. اما برای تمام افرادی که در این پروژه سهیم بوده‌اند، از قبیل حروف نگار، ویراستار، صفحه‌آرا، طراح و نویسندگان این اتفاق جالب بوده است که برای امام کاری کوچک انجام داده‌اند.

چرا این طرح جلد را انتخاب کرده‌اید؟

ما ۱۵ طرح جلد داشتیم که چهار طرح را به دبیرخانه پیشنهاد دادیم. متأسفانه آنها طرح فعلی را که جزو گزینه‌های ما هم نبود برای کتاب انتخاب کردند. در این مجموعه از سنتی تا مدرن و پسامدرن، خانم مهری برابری طراحی جلد کرده بود و به نظر ضعیف‌ترین طرح را برایش گزینش کرده‌اند. علتش را نمی‌دانم!

دراماتیک می‌شود. بخش سوم هم یک الگوی نمایشی است که بر اساس یکی از این داستان‌ها نوشته شده است و آنجا نیز نحوه برداشت را کاملاً توضیح داده‌ام. با توجه به گفته‌های شما، بنابراین نمایشنامه‌نویسان خیلی راحت می‌توانند این داستان‌ها را تبدیل به نمایشنامه کنند.

بله. این پژوهش الگو دارد و تمام مراحل نیز به روشنی توضیح داده شده است. البته این پژوهش تا پیش از ارائه طرح دراماتیک است. مافعلا به داستان‌های دراماتیک و خصایص آنها پرداخته‌ایم. من در حد حوصله توضیح داده‌ام که اساساً داستان دراماتیک چیست و در ادامه نمونه‌هایی از شهریار ارائه کرده‌ام. این نمایشنامه موجود و در دسترس همگان است و من هم داستان دراماتیکش را آورده‌ام تا راهگشای همه باشد. مراد ما این بوده که در نهایت همه بتوانند بر اساس این داستان‌ها و چکیده داستان‌ها طرح و طرح دراماتیک بنویسند، سپس نوبت به خود درام می‌رسد.

الگوی درام هم به خودتان تعلق دارد؟

بله! در بخش سوم نمونه‌ای از ترجمه داستان دراماتیک به دنیای نمایشنامه‌رامی آوریم. اولین داستان دراماتیک ارائه شده در کتاب «یک ققمه از کوثر» حکایت آن زمانی است که گنبد رضا(ع) را به توپ بستند. من بر اساس این داستان نمایشنامه «ما سه تن بودیم» و «چنان که...» را نوشته‌ام که امیدوارم برای نمایشنامه‌نویسان مفید واقع شود.

چگونه سعی کرده‌اید بر اساس منابع معتبر کار خود را شکل بدهید؟

ما در مجموع تابع چهار نکته بودیم؛ اول این که داستانی را بیاوریم که به اهل سنت هیچ توهینی نشود، چون آنها هم مثل شیعیان برای امام(ع) جشن و عزاداری برگزار می‌کنند. دوم این که آنچه درباره کرامات امام در مجله زائر و حرم آمده است، از نگاه خرافی مبرا باشد. سوم این که منابع و داستان‌هایی را انتخاب کرده‌ایم که بر سندیت آنها تأکید شده است و این مهم از سوی علمای شیعه نیز تأیید شده باشد. چهارم هم این که زندگی، دانش، کرامات، وضعیت سیاسی و تمام ابعاد زندگی امام به امروز و انسان هزاره سوم مرتبط باشد.

کتاب تاکنون بازتابی هم داشته است؟

چنین امکانی را فراهم کرده است. ما حتی در ابتدای هر داستان دراماتیک عنوان اصلی منابع را آورده‌ایم تا همچنان این جست‌وجو برای همه قابل پیگیری باشد. چگونه نویسندگان این مجموعه را انتخاب کرده‌اید؟ از دو نسل متفاوت استفاده کرده‌ام. ابتدا نسلی که هم سن و سال هستند، مثل سعید تشکری و حسین زاهدی. دوم نسل جدیدتر مثل مهدی نصیری و رویا پارکی. البته تعدادمان بیشتر از اینها بود و برخی در ادامه راه نتوانستند با ما باشند. نکته دیگر این که خواستیم از نویسندگانی دعوت کنیم که اهل مشهد بوده و از نزدیک با حال و هوای حرم و زائرانش آشنا باشند.

چقدر باور برایتان اهمیت داشت؟

ما قصدمان باور داشتن امام(ع) بود که برخی صادقانه به این واسطه خود را کنار کشیدند؛ چون هدف ما این نبود که کار صرفاً تکنیکی باشد. ما نمی‌خواستیم کارمان تکنیکال شود اما برایمان اهمیت داشت که همه با روح و احساسشان این داستان‌ها را باور داشته باشند. این که تا چقدر ما این کار را باور داشته‌ایم، قضاوتش می‌ماند با خدا.

درباره چگونگی انجام این پروژه هم توضیح می‌دهید؟

من سرگروه کار بودم. پس خودم همه کارها را انجام می‌دادم. حتی نمونه، الگو و خلاصه دراماتیک هم برای گروه تهیه کردم تا بر اساس آنها کار پیش برود. سفری به مشهد رفتم و با دوستان مشاهدی مفضلاً درباره چند و چون پژوهش صحبت کردم. انتخاب و معرفی کتاب‌ها هم با خودم بود. دوستان داستان‌ها را می‌نوشتند، من می‌خواندم و نکاتی را برای بهبود کار یادآور می‌شدم که آنها نیز اعمال می‌کردند.

این مرحله سه ماه پیوسته کار داشت. البته خودم از یک سال و نیم پیش از این مقدمات آن را انجام داده بودم. شاید به این دلیل بود که می‌خواستیم فیلمنامه‌ای درباره زندگی امام رضا(ع) بنویسیم و من از آن پژوهش‌ها برای این کار سوءاستفاده کردم.

کتاب چگونه تدوین شد؟

یک مقدمه نوشته‌ام تا مراحل برداشت از این تحقیقات را برای نمایشنامه‌نویسان روشن کنم. بخش اول اختصاص به داستان‌های دراماتیک دارد که از منابع موجود استخراج کرده و همراه آنالیز موجز آنها را آورده‌ایم. بخش دوم شامل خلاصه داستان‌های

چرا نام کتاب را «یک ققمه از کوثر» گذاشته‌اید؟ امام رضا(ع) فرزند حضرت زهرا(س)، صاحب کوثر است. احساس می‌کنم که ما در این کتاب از کرامات، دانش و توانش بسیار بالای این امام به اندازه یک ققمه آب برداشته‌ایم، بنابراین بهتر دیدیم که نام کتاب «یک ققمه از کوثر» باشد.

این پژوهش از طرف شما به دبیرخانه جشنواره تئاتر رضوی پیشنهاد شد یا بالعکس؟

از سه سال پیش طرحی را به دفتر جشنواره پیشنهاد دادم که این موضوع پیش از بین‌المللی شدن آن بود. قرار شد طرح و داستان‌های مرتبط با جشنواره رضوی را گردآوری کنیم و بنویسم تا دیگر نمایشنامه‌نویسان، این کتاب قرار بود به دو زبان فارسی و انگلیسی منتشر شود تا از خارجی‌ها هم برای حضور در این جشنواره دعوت شود. الان هم صرفاً به خاطر شخص محمد خزاعی، دبیر جشنواره رضوی این پژوهش را انجام داده‌ام.

چرا این کتاب بنا بر خواست اولیه شما به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر نشده است؟

هدف من این بود که کتاب در دسترس نمایشنامه‌نویسان خارجی قرار بگیرد تا آنها از این امکان برای نوشتن متون نمایشی مرتبط با امام رضا(ع) استفاده کنند اما متأسفانه امسال این امکان فراهم نشد.

منابع را خودتان تهیه کردید؟

این منابع را از زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی تهیه کرده‌ام. من تمام منابع را خریداری و از میان آنها تمام داستان‌هایی را که قابلیت دراماتیک شدن داشته‌اند کپی کرده‌ام و در اختیار همکارانم قرار داده‌ام. اغلب ترجمه‌های انگلیسی هم بر اساس پنج یا شش کتاب اصلی صورت گرفته است.

اسم این کتاب‌های معتبر را می‌گویید؟

عیون اخبار الرضا، کرامات رضویه، زندگی سیاسی امام هشتم، زندگی امام هشتم (این کتاب نوشته اهل سنت است که به زبان انگلیسی هم ترجمه شده است) و بحار الانوار که من از بخش‌هایی که هنوز به فارسی ترجمه نشده است بهره گرفته‌ام. از این منابع طوری استفاده کرده‌ام تا کار برای منتقد و نمایشنامه‌نویس سهل باشد. برخی از منتقدان می‌خواهند درباره منابع نمایشنامه‌های رضوی تحقیق کنند که این کتاب برایشان

قصد داشته باشیم که شناخت کل تاریخ موسیقی را فقط با موسیقی غرب و شناخت سونات‌ها و سیمفونی‌ها [= سمفونی‌ها] آغاز کنیم، عملاً راه بیهوده‌ای رفته‌ایم، چون این روش کار شناخت موسیقی را غیر ممکن می‌سازد؛ تنها مطالعه در تاریخ است که کمک می‌کند تا قضاوت ما، از هر گونه اشتباه و خطا دور بماند.»

از همین روست که او بخش‌هایی از کتاب را به تاریخ، فرهنگ و موسیقی سایر ملل جهان اختصاص داده، هر چند که این فصول بیشتر به ابتدای کتاب مربوط می‌شود و در بخش‌های بعدی کمتر به این مسائل توجه شده است. در بخش اول کتاب به فرهنگ مصر، چین، هندوستان، آفریقا، سرخ پوستان، کره، ژاپن خاورمیانه و فرهنگ قدیم آسیا پرداخته شده است. در بخش دوم نیز همین روند ادامه دارد و به همین دلیل است که در این بخش مسائلی از جمله «شخصیت‌های تاریخی»، «تحلیل موسیقی ایرانی»، «اشاره‌ای به تاریخ معاصر موسیقی در ایران»، «سنت و فرهنگ» و «سنت از دیدگاه غرب» بررسی شده است. اما از بخش سوم کتاب به تدریج بررسی

معرفی کتاب

مینا زندگی



تاریخ و فرهنگ موسیقی جهان

یکی از مشکلاتی که همواره کتاب‌های تاریخ موسیقی با آن مواجه بوده‌اند، نگاه محدود آنها به این هنر بوده است. یعنی این کتاب‌ها به جای آنکه به تاریخ موسیقی در کل جهان بپردازند، تنها به بررسی آن در اروپا اکتفا کرده‌اند و همین نکته سبب شده تا ما با کتابی جامع در عرصه موسیقی رویه رو نباشیم. کتاب «تاریخ و فرهنگ موسیقی جهان» که به تازگی از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده، در گام نخست در تلاش است تا این مشکل را مرتفع کند.

حسن زندیاب، مولف این کتاب، در مقدمه خود آورده است: «اگر

موسیقی غربی، حجم بیشتری از کتاب را به خود اختصاص داده است. بخش سوم کتاب به «اساس موسیقی غرب»، «تئوری موسیقی یونان» و مسائلی از این دست می‌پردازد تا مخاطب را برای بخش پنجم کتاب آماده کند که به دو بخش موسیقی مذهبی و غیر مذهبی اروپا می‌پردازد. در قسمت‌هایی از این فصل به موسیقی کلیسایی و در قسمتی دیگر به تعریف اصطلاحات پایه‌ای موسیقی پرداخته شده است. از همین روست که بررسی اصطلاحاتی همچون تریوس، تنوس، مدوس، لایش، موت، آرس آنتیک، آرس نوا، گیوم دماشو و چند صدایی در ارگانه را سرلوحه کار خود قرار داده است. کتاب به طور کلی چهارده بخش دارد که در بخش‌های بعدی آن سیر تحول موسیقی در دنیا پیگیری شده است تا در فصل چهاردهم به موسیقی روز جهان پرداخته شود. در این بخش به موسیقی در قرن بیست و یکم و مواردی همچون رپ، هیپ-هاپ و برک دانس پرداخته شده است. وی در این فصل به دلایل شکل‌گیری این سبک‌های موسیقی در غرب پرداخته و ریشه‌های پیدایی آن را هر چند به شکل مختصر بررسی کرده است.

جهان مسطح است

تاریخ فشرده قرن بیستم و یکم
توماس ان. فریدمن / ترجمه: احمد عزیزی
انتشارات هرمس / چاپ اول ۱۳۸۸
۶۱۳ صفحه / ۱۰۰۰۰ تومان



«جهان مسطح است» کتابی است دربردارنده نظرات فریدمن درباره روند جهانی شدن و تحولات عصر ماکه در آن پیشرفت‌های رعد آسای فناوری و ارتباطات مردم

جهان را بیش از هر زمان دیگری به هم پیوند داده و در عین حال که موجب انباشت ثروت در کشورهای چون چین و هند شده بقیه جهان را نیز ناگزیر به سریع‌تر دیدن به خاطر بقا یا حفظ جایگاه موجود خود، ساخته است.

این کتاب درباره جهانی شدن است و مولف فرصت‌های موجود در آن، در حوزه توانمندسازی فردی و نیز رهاورد های آن در خارج ساختن میلیون‌ها انسان از فقر و در عین حال ضعف آن در حوزه‌های سیاست، اجتماع و محیط زیست را به تصویر کشیده است.

فریدمن در این کتاب از جهان مسطح راز گشایی می‌کند و امکان درک صحنه‌های حیرت‌آفرینی را که در جهان امروز هر لحظه در برابر خوانندگان رژه می‌روند، برای آنان فراهم می‌سازد. او ضمن تشریح رویداد مسطح شدن جهان در اوایل قرن بیست و یکم مفهوم آن را برای کشورها، شرکت‌ها و جوامع و افراد و نیز چگونگی سازگار شدن دولت‌ها و جوامع با این پدیده را توضیح می‌دهد. مقصود فریدمن از «سطح» متصل بودن - به مفهوم کاهش موانع تجاری و سیاسی - در پرتو پیشرفت‌های تصاعدی فناوریانه در حوزه دیجیتال است که تجارت یا تقریباً انجام همه چیز را به صورت آبی برای میلیاردها نفر در سراسر کره زمین ممکن ساخته است.

جهانی شدن، به تعبیر او بیش از آن که نتیجه عملکرد شرکت‌های بزرگ یا سازمان‌های عظیم جهانی، نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول باشد، رهاورد عملکرد افراد است؛ افرادی که در جایگاهی مستقل و آزاد، به عنوان آفرینندگان و ابداع‌گران نوپدید - به خصوص در هند و چین - از طریق رایانه خود در عرصه جهانی به رقابت پرداخته‌اند.

عام و خاص در اخلاق

سروش دباج
انتشارات هرمس / چاپ اول ۱۳۸۸
۱۷۱ صفحه / ۲۸۰۰ تومان



چند صباحی است که بحث درباره فلسفه اخلاق و شاخه‌های مختلف آن در فضای فلسفی - فرهنگی این دیار رونق گرفته است. بنابر یک تقسیم‌بندی، فلسفه اخلاق مشتمل بر سه شاخه

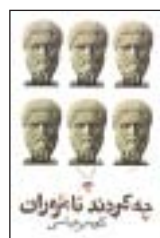
فرااخلاق، اخلاق هنجاری و اخلاق کاربردی است. به ویژه در دو حوزه فرااخلاق و اخلاق هنجاری کارهای درخور توجهی در قالب تالیف و ترجمه به زبان فارسی منتشر شده است. شاید یکی از دلایل اقبال به فلسفه اخلاق در قیاس با سایر شاخه‌های فلسفه، ربط و نسبت وثیق مسائل

آن با زندگی روزمره باشد.

کتاب «عام و خاص در اخلاق» می‌کوشد تا پیشینه بحث درباره خاص‌گرایی و عام‌گرایی در سنت اخلاق تحلیلی را مورد بررسی قرار دهد. کتاب از دو فصل عمده تشکیل شده است. فصل اول رأی خاص‌گرایان را درباره نحوه رفتار دلایل اخلاقی در سیاق‌های مختلف و میزان الگوپذیری بودن آنها مورد بحث قرار می‌دهد. برای فهم بهتر رأی خاص‌گرایان در این باب، ابتدا اقسام پنج‌گانه خاص‌گرایی با توجه به ادبیات مربوط، از یکدیگر تفکیک شده‌اند. در ادامه، بحث بر خاص‌گرایی معرفت‌شناختی و خاص‌گرایی وجودشناختی متمرکز شده، ادله خاص‌گرایانه در مدعیان‌شان به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. سپس، چهار استدلال در نقد مواضع خاص‌گرایان اقامه شده است.

چه کردند ناموران

کاوه میرعباسی
نشر افق / چاپ اول ۱۳۸۸
۱۷۶ صفحه / ۳۵۰۰ تومان



«چه کردند ناموران»، بیست و نهمین روایت طنز آمیز از سرگذشت انسان‌هایی است که به برکت نبوغ یا خجالت خود به شهرت رسیده‌اند و

از آنجا که نصف بیشتر مطالب این کتاب خالی بندی است، مطالعه آن حتی به کسانی که حوصله ندارند زندگی نامه بخوانند توصیه می‌شود.

در بخشی از این کتاب آمده است: «سرباز از شدت غضب، کبود شد و چون خیال می‌کرد ارشمیدس هم مثل فیل، زنده و مرده‌اش صد تومن است و فرق فیل و فیلسوف را فقط در جثه‌شان می‌دانست، بی‌مطلی شمشیرش را بیرون کشید و سر از تن آن جلیل مبارک نفس جدا کرد و جنازه‌اش را (البته در دو قسمت) نزد مارسلوس برد. سردار فتح همین که چشمش به جسد خونین ارشمیدس افتاد، بر سر سرباز خطا کار نعره زد: «آخر فیلسوف مرده به چه دردی می‌خورد؟ سرباز ساده دلانه جواد داد: اصلاً فیلسوف به چه دردی می‌خورد قربان؟»

زن دیوانه روی پل

سوتونگ / ترجمه: کیهان بهمن
انتشارات افراز / چاپ اول ۱۳۸۸
۲۹۶ صفحه / ۵۵۰۰ تومان



سرتونگ متولد سال ۱۹۶۳ در سوژ و چین، اکنون با خانواده خود در نانچینگ زندگی می‌کند. سوتونگ یکی از مشهورترین نویسندگان چین است و آثار او در زمره پرفروش‌ترین

کتاب‌های ادبیات چین قرار دارد. سال ۱۹۹۳ از مانی که ژانک یمو اقتباس سینمایی از اثر او به نام «افراشتن فانوس قرمز» را خلق کرد و این فیلم کاندیدای جایزه اسکار شد، تونگ به شهرت جهانی دست یافت.

«زن دیوانه روی پل» نخستین مجموعه داستان کوتاهی است که از این نویسنده به زبان انگلیسی ترجمه شده و همچنین اولین کتاب از این نویسنده است که به فارسی برگردانده می‌شود.

داستان «زن دیوانه روی پل» چنین شروع می‌شود: «زن دیوانه‌ای روی پل لباس سنتی‌ای بر تن دارد و مایل نیست لباس را از خود دور کند. در اوج گرمای تابستان و به رغم تمسخر مردم شهر، او باحالتی مجنون وار روی پل می‌ایستد. تا این که خانم دکتر جوانی که مسحور زیبایی لباس زن دیوانه شده است، نقشه می‌کشد که این لباس را از

زن بگیرد و ... پس از آن در این داستان اتفاقات تراژیک بعدی روی می‌دهد.

این داستان‌های عجیب و پیرا حساس که به شکلی زیبا به فروپاشی شکوه چین باستان و سلسله‌های پادشاهی نابود شده می‌پردازند دوران پس از انقلاب چین و بحبوحه سقوط اخلاقیات را که در نتیجه کمونیسم و اقتصاد آن به وجود آمده ترسیم می‌کند. از مردم شناسی که خود قربانی تحقیقات روستایی‌اش می‌شود تا دکتری که روش درمان نازایی او منجر به تولد نوزادی غول‌پیکر می‌شود و دزد نوجوانی که قطار قرمز رنگی را می‌زدزد تا بعد آن را از او بدزدند، داستان‌هایی از سوتونگ هستند که نگاهی عمیق به نهاد بشریت دارند.

روزهای بی فردا

سروش محبوب یگانه
انتشارات حرف نو / چاپ اول ۱۳۸۸
۵۱ صفحه / ۱۲۰۰ تومان



«روزهای بی فردا»، مجموعه‌ای از شعرهای کوتاه سروش محبوب یگانه است که آنها را از سال ۸۳ تا ۸۶ سروده است. پیش‌تر از این شاعر، مجموعه‌ای با عنوان «مدار اکنون» را در

اردیبهشت سال ۸۶ منتشر کرده بود. در شعر کوتاه شماره ۵ این کتاب آمده است: من باشم / کلاغ باشد / درخت تبریزی باشد / وز بی حوصله! / تو، هم باشی / برف باشد / رد پا باشد / خدا باشد / ترانه‌های سرزمین مادری ام باشد / تاریخ باشد / تا در سکوت جاده / تو! / فردا را منتظر نباشی / من! / دنبال ردپای بروم / و خدا! / نظاره کند.

جمعه - خیابان ولیعصر

آرش شفاعی
دفتر شعر جوان / چاپ اول ۱۳۸۸
۷۶ صفحه / ۱۷۰۰ تومان



«جمعه - خیابان ولیعصر»، مجموعه شعرهای از سروده‌های کوتاه آرش شفاعی است که باران، تشییع جنازه رسمی، قرار تلفنی، اتوبوس، یاغی عاشق‌پیشه، شاهین مغرور و

... عناوین برخی از این اشعار هستند. شعر یاغی عاشق‌پیشه که به حسین تقدیسی تقدیم شده چنین است: از کوچی می‌گذری / بی‌اعتنا به باد مخالف / شاخه گلی در دست / شعری ناتمام / آنقدر واضحی که بی‌پرده به ملاقات آفتاب می‌روی / گنجشک‌های شلوغ / در حنجره مشجرت لانه می‌کنند / به خانه می‌رسی / زخم‌آزشانه‌می‌تکنی / شعرت کامل می‌شود.

آتش به اختیار

حجت ایروانی
انتشارات سوره مهر / چاپ دوم ۱۳۸۸
۱۱۲ صفحه / ۱۹۰۰ تومان



حجت ایروانی یکی از دیده‌بان‌های خوش چشم روزهای جنگ بوده است. او توانسته با چشم چرانی‌های نظامی خود زاغ‌سیاه دشمن را چوب‌بزند. و این خاطرات - که پیش از این دو خاطره آن

در کتاب‌های «آلواتان» و «تپه‌های لاله سرخ» چاپ شده بودند - حرف‌های به یاد مانده او از پشت همان دوربین‌های خرگوشی و پریسکوپ است. این کتاب، خاطراتی است از برادران دیده‌بان که در طول ایام پرفراز و نشیب جنگ با گمنامی به

وظیفه حساس و خطیر خود عمل کرده‌اند. دیده‌بان وظایف گوناگونی دارند که بر اساس همین وظیفه‌ها می‌توان آنها را به گروه‌های زیر تقسیم کرد:

۱- دیده‌بان اطلاعات، وظیفه این دیده‌بان ثبت و ارسال تردد‌ها، جابه‌جایی‌ها و تحرکات دشمن است.

۲- دیده‌بان ادوات، مأموریت این دیده‌بان استقرار در خط و زیر آتش گرفتن خط اول و دوم دشمن در مواقع مورد لزوم و انهدام سنگرهای جمعیتی و ... است و ...

خاطرات این کتاب درباره دیده‌بانان بسیار و نفوذی است.

می‌خواهم بچه‌هایم را قورت بدهم

رویا زرین

نشر هزار / چاپ اول ۱۳۸۸
۹۶ صفحه / ۲۰۰۰ تومان



می‌خواهم بچه‌هایم را قورت بدهم، دفتر شعری است از رویا زرین که بر اساس نوشته‌های صفحه‌عنوان آن، برنده نخستین دوره جایزه شعر زنان ایران (خورشید) ۱۳۸۷ شده است. این دفتر شعر، سه فصل با عناوین «کاملاً محرمانه»، «آبستن کلمات نیمه روشنم» و «می‌خواهم بچه‌هایم را قورت بدهم» دارد.

زرین در شعری که بر عنوان کتاب هم آمده است می‌نویسد: «سرزمین بی‌حاصلی می‌بینم / تابوت‌های زیادی که بدرقه می‌کنی / و آرزوهای زیادی که به گور نمی‌بری / در فنجانت آب بزرگی می‌بینم / که می‌تواند از اشک و فاصله باشد / و آب، روشن اگر بود روشنی ست / و آب مکرر اندوه است / و ریشه‌های کنده می‌بینم / یعنی سفر می‌کنی که مردمان زلالی ببینی / نمی‌بینی / می‌بینم که محبوبی داری / با سری سبز و قدی متوسط و قلبی بزرگ / و چه پیشانی فراخی دارد این مرد!

پسامدرن

سایمون مالپاس / ترجمه: بهرام بهین
انتشارات قفتوس / چاپ اول ۱۳۸۸
۲۰۰ صفحه / ۳۸۰۰ تومان



پسامدرن بودن در چیست؟ فرهنگ معاصر با سرعتی تقریباً پیش‌بینی‌ناپذیر در حال تحول است. آن فرصت‌ها و سبک‌های زندگی که پیش‌روی مردم اروپا و آمریکای شمالی قرار دارد به شکلی صعودی در حال افزایش به نظر می‌رسد، زیرا ایده‌ها، فناوری‌ها و مدهای جدید با سرعت فزاینده‌ای در حال پیدایش‌اند. فواصل زمانی و مکانی به حداقل می‌رسند، زیرا با سرعت سرسام‌آوری به اطراف و اکناف جهان سفر می‌کنیم.

در این کتاب سایمون مالپاس نظریه‌ها و تعاریف پسامدرنیسم و پسامدرنیته را بررسی می‌کند و به کنکاش در تاثیر آنها در حوزه‌هایی چون هویت، تاریخ، هنر، ادبیات و فرهنگ می‌پردازد. وی در تلاش برای مشخص کردن اشکال مختلف امر پسامدرن و تجارب متضاد پسامدرنیته در کشورهای غربی و کشورهای در حال توسعه به مدرنیسم و پسامدرنیسم، مدرنیته و پسامدرنیته، ذهنیت، تاریخ و سیاست‌نگاهی دقیق می‌اندازد. این کتاب راهنمای خوبی برای معرفی طیفی از اندیشمندان برجسته‌ای است که وضع حال حاضر را زیر سوال برده‌اند. با خواندن این کتاب، خوانندگان خواهند توانست با اعتماد به نفس بیشتر به مطالعه متون شاخص درباره نظریه و فرهنگ پسامدرن بپردازند.



نگاهی به کتاب «مکتب خانه ها و مدارس قدیم آستان قدس رضوی»

از صفویه تا قاجاریه همراه با مکتب خانه ها

چاپ اول کتاب «مکتب خانه ها و مدارس قدیم آستان قدس رضوی» به کوشش فاطمه جهانپور زیر نظر شورای پژوهش و انتشارات از سوی سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی منتشر و روانه بازار نشر شد.

در این پژوهش، مخاطب به مدد متون و منابع تحقیقی، با فرهنگ و سنت ها و خاطرات و زندگی نامه های افراد تا حد ممکن آشنا می شود و نویسنده به معرفی اسناد مکتب خانه های آستان قدس از زمان صفویه تا قاجاریه می پردازد.

توجه به آموزش و تاکید بر تعلیم و تربیت افراد، از جمله عوامل اصلی پیشرفت و ترقی جوامع بشری است. از روزی که انسان توانست اندیشه و تفکراتش را از طریق خواندن و نوشتن به دیگران عرضه کند، افق وسیعی را در حیات و زندگی خویش گشود.

البته روند پیدایش و شکل گیری نظام آموزشی بسیار کند و تدریجی صورت گرفت و در این نظام، آموزش در تمام سطوح سنی مورد تاکید بود. پایه و زیربنای آموزش، تعلیم و تربیت کودکان است که از دیرباز، در فرهنگ ملی و اسلامی ما به این نکته توجه ویژه شده است. به نظر «ابن سینا» پدر و مادر موظفان کودک را برای هر گونه تربیتی آماده کنند و به تربیت او همت گمارند.

«عنصر المعالی کیکاوس بن وشمگیر» مؤلف کتاب «قابو سننامه» نیز تاکید می کند: «پس باید که هر چه آموختنی باشد از فضل و هنر، فرزند را بیاموزی تا حق بجای آورده باشی که از حوادث عالم ایمن توان بود و نتوان دانست که بر سر مردمان چه گذرد. پس در فضل و هنر آموختن، تقصیری نباید کردن... و حق فرزند؛ آموختن دان، از فرهنگ و دانش... و اندر آموختن ادب وی تقصیر مکن هر چند اگر هیچ مایه خرد نماند.» بر اساس مطالب کتاب، از نخستین آیاتی که بر پیامبر اسلام (ص) نازل شد، می توان تاکید کلام و حی بر لزوم

علم اندوزی و کسب دانش را دریافت. آیات بسیار قرآن مجید که در آن برتری علم و اصحاب آن را بر نادانی و ناآگاهان تایید می کند و احادیث فراوان به جای مانده از پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع)، همه نشان از آن دارد که در اسلام مساله تعلیم و تربیت بر سایر امور مقدم است و فضای جامعه اسلامی را برای کسب دانش و علوم مختلف آماده و مستعد می کند.

در این میان محور آموزش، فهم و یادگیری قرآن بود و مکان آن نخست از مساجد آغاز شد. در ابتدا معلم، قرآن را برای مردم می خواندند و مردم نیز آیات را حفظ می کردند. از آنجا که قرآن به زبان عربی بود و درک و فهم آن برای بسیاری از مسلمانان غیر عرب دشوار می نمود، ضرورت آموزش زبان عربی پیش آمد و زمینه برای آموزش شاخه های صرف و نحو این زبان فراهم شد. آموزش احکام دینی و بحث در فرامین الهی، علوم نظیر فقه، تفسیر، نقل حدیث و... را به دنبال خود ایجاد کرد و به تدریج، دو پایه آموزشی ایجاد شد. مرحله مقدماتی و ابتدایی که شامل مرحله سوادآموزی و توانایی خواندن قرآن و کتاب های مختلف بود و مرحله عالی که آموزش های تخصصی در آن انجام می شد.

در چنین محیطی، تاکید بر آموزش کودکان به عنوان اصلی اساسی مورد توجه جامعه قرار داشت. کودکان همپای بزرگسالان برای آموختن در مساجد جمع می شدند و توسط معلم، تعلیم می دیدند. به تدریج که مراکز آموزشی از مساجد جدا شد و به مدارس انتقال یافت، محل آموزش کودکانی که در مرحله مقدماتی بودند نیز از مساجد به مکتب خانه ها انتقال یافت.

مکتب خانه ها از دیرباز پایگاهی اساسی در نظام آموزشی محسوب می شدند و در واقع، می توان آنها را پایه مدارس ابتدایی امروزی دانست که تا نیم قرن پیش، تنها کانون آموزش برای کودکان در جامعه ما بود. پیامد تشکیل مکتب خانه ها، فرهنگی بود که به



شکلی دیرپا، حتی پس از نابودی آن کانون های آموزشی، هنوز در ذهن جامعه کم و بیش بر جای مانده است. شناخت سیر پیدایش، شکل گیری، تغییر و تحول مکتب خانه ها، می تواند گوشه ای از فرهنگ، آداب و رسوم و سنت های آن روزگار جامعه را روشن سازد. سوادداری همچون نحوه اداره مکتب خانه ها، تامین هزینه های آن، چگونگی انتصاب معلم، ثبت نام دانش آموزان، پرداخت شهریه، آداب شروع و پایان دوران تحصیل، نوع کتاب ها و حتی نوع لباسی که می پوشیدند و... نکاتی است که آگاهی از آنها می تواند گوشه هایی از تاریخ اجتماعی کشورمان را اندکی روشن کند.

این کتاب شامل یک مقدمه و دو فصل است. فصل اول کتاب در دو بخش سامان یافته است که بخش

اول آن در حد امکان، به مطالعه مفصل و جامع درباره تاریخچه مکتب خانه ها در جوامع اسلامی، با تاکید بر حوزه ایران زمین، چگونگی تشکیل مکتب خانه ها، مکان برپایی مکتب خانه، مراحل آموزشی، نحوه تعلیم و آموختن، کتاب های مورد مطالعه، ساعات شروع و پایان کلاس، تعطیلات، آیین و رسوم جاری در مکتب خانه ها، تنبیه و تشویق کودکان، تفریحات، مراحل فارغ شدن از تحصیل، چگونگی تامین هزینه ها و... پرداخته شده است. سپس درباره مکتب خانه های آستان قدس، بر مبنای اسناد موجود، مطالعه و بررسی صورت گرفته و نکات لازم توضیح داده شده است. بخش دوم شامل بازنویسی اسناد است که در بخش اول به آنها اشاره شده است. در این بخش، روش کار مطابق شیوه رایج در مدیریت امور اسناد و مطبوعات سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، استنساخ تمام متن سند بدون هیچ تغییری در آن بوده است.

فصل دوم نیز دارای دو بخش است. در بخش نخست بحثی مختصر درباره مدارس علمیه با تکیه بر مدرسه «فاضل خان» صورت گرفته است. در این بخش، از آنجا که هدف کار مطالعه سیستم آموزش پایه اول تحصیل و اصولاً مکتب خانه هاست، به اجمال درباره تحصیل در دوره های عالی، سطوح تحصیل در مدارس علمیه، کتاب های رایج مورد مطالعه، زمان شروع به تحصیل در این مدارس و... آمده، آن گاه درباره مدرسه فاضل خان، سازندگان، محل و نوع معماری و موقوفات آن با تکیه بر اسناد مربوطه اشاره شده است.

بخش دوم این فصل هم به بازنویسی اسناد بخش اول اختصاص داده شده و شیوه کار نیز همان روش ارائه شده در بخش دوم از فصل اول است.

چاپ اول کتاب «مکتب خانه ها و مدارس قدیم آستان قدس رضوی» در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه، ۲۱۶ صفحه و بهای ۲۷۰۰۰ ریال راهی بازار نشر شده است.

گزارشی از کتابخانه آستان قدس رضوی

ادامه از صفحه ۸

۵۷ ورق از قرآن به ابعاد ۱۷۷×۱۰۱ به خط بایسنقرین شاهرخ گورکانی نوه گوهرشاد خاتون روی کاغذ خانبانگ (نقیس ترین کاغذ آن روزگار) قرآن به قطع خیلی کوچک، تفسیر کامل و بی نقطه قرآن مجید، معروف به «سواطع الالهام»، تالیف ابوالفیض بن مبارک فیضی، کتاب لاتین چاپ قدیم، شرحی بر یکی از انجیل که در زمان گوتنبرگ مخترع چاپ، به طبع رسیده (این کتاب در سال ۱۹۵۶ میلادی به مبلغ پنج هزار و چهارصد فرانک توسط سید جلال تهرانی در بلژیک خریداری و در سال ۱۳۶۱ به این کتابخانه اهدا شده است.)، قرآن خطی ۱۱ سطر، این اثر به گونه ای تحریر شده که در تمام صفحات حرف اول از سطر اول با حرف اول از سطر آخر مطابقت دارد و به همین ترتیب از سطرهای دوم تا پنجم با حرف اول از سطرهای هفتم تا دهم مطابقت دارد و سطر ششم در تمام صفحات منفرد است.

گنجینه قرآن های رضوی

در بخش نقیص ترین نسخه های خطی، مجموعه ای شامل هشت رساله، تمهید فی الأصول، اصول کافی، تفسیر ابوالفتوح رازی، صحیفه سجادیه، اخوان الصفا و خلان الوفا، دیوان حافظ، مجموعه زیارات و ادعیه، نهج البلاغه، زاد المعاد، روح الارواح، شرح التلویحات، ریاض العارفین، نفس ناطقه انسان، شرح الاعمال الهندسیه، تحریر اقلیدس، کلیات سعدی، دره التاج، مفید الخاص فی علم الخواص و تهذیب اللغه گرد آمده است.

یکی از نوادر و گنجینه های ارزشمند اداره مخطوطات، قرآن های خطی است که با داشتن آثار نقیص و ارزنده به ویژه قرآن های منسوب به ائمه معصوم (ع)، اعتبار ممتازی در بین کتابخانه های معتبر جهان کسب کرده است. قرآن به خط کوفی، از ابتدای سوره هود تا پایان سوره کهف که بر پوست آهو نوشته شده، قرآن به خط کوفی - منسوب به امام حسن

مجتبی (ع) - نوشته شده بر پوست آهو که از ابتدای آیه ۲۹ سوره نساء، تا آیه ۱۴۶ این سوره را دربرمی گیرد، قرآن به خط خوش ملاعلی بروجردی که از نظر هنر تذهیب، دقت، ظرافت و پرکاری یکی از نفیس ترین و بهترین نسخه های قرآن های از جمله این نقیص است.

دست نوشته های ائمه معصوم (ع)

در بخش دست نوشته های ائمه معصوم (ع) می توان خط منسوب به حضرت علی بن ابی طالب (ع) را مشاهده کرد. همچنین خط منسوب به حضرت حسن بن علی (ع)، خط منسوب به حضرت علی بن الحسین (ع) و خط منسوب به امام موسی کاظم (ع) برکت این بخش را افزون کرده است.

تجلی گاه آثار هنری

این مجموعه شامل آثار نقیص و ارزشمند هنری همچون نقاشی، مینیاتور، تذهیب، آثار خوشنویسان بزرگ و کتاب های مصور درباره شهرها، آثار باستانی و آثار هنری ایرانی و اسلامی به زبان فارسی و انگلیسی است که علاقه مندان به این مجموعه ها و آثار هنری می توانند از این کتاب هادیدن کنند. وژه نامه ها، دانشنامه ها، راهنماها، فرهنگ های جغرافیایی، کتاب شناسی ها، فهرست ها، سرگذشت نامه ها و... مجموعه کتاب های مرجع کتابخانه را تشکیل داده اند. عمده این آثار به زبان فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه هستند که به صورت جداگانه در تالار مرجع نگهداری می شوند.

پایان نامه ها و رساله ها

پایان نامه ها و رساله ها از منابع مهم اطلاعاتی و پژوهشی به شمار می روند که با تلاش و کوشش دانشجویان و طلاب در پایان تحصیلات با ضوابط علمی و استاندارد زیر نظر اساتید راهنما و مشاور پدید می آیند. از آنجا که این منابع مانند کتاب با شمارگان بالا چاپ و منتشر نمی شوند، کمیاب و منحصر به فردند، لذا به دلیل اهمیت و برای اشاعه اطلاعات پایان نامه ها و دسترسی هرچه سریع تر و آسان تر محققان و پژوهشگران به آنها، مکانی ویژه در تالار محققان به این منابع اختصاص

یافته که عنوان پایان نامه در موضوعات مختلف بر اساس رده بندی ده دهی (دیویی) منظم شده است.

نمایه مطبوعات

آیینیه غیب نما، اختر، ادب، اطلاع، ایران، تمدن، جارچی ملت، جبل المتین، خراسان، دولت علیه ایران، شرف، صور اسرافیل، قانون، مرآت السفر، مفتاح الظفر، نامه فرهنگ، نوبهار، نیر اعظم و وقایع اتفاقیه از جمله روزنامه هایی است که در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی نگهداری می شود.

بخش تاریخ شفاهی

با توجه به اهمیت روزافزون نقش تاریخ شفاهی در تحقیقات تاریخی با هدف جمع آوری، نگهداری و طبقه بندی خاطرات شفاهی مربوط به آستان قدس، آرشیو تاریخ شفاهی به سال ۱۳۷۶ در اداره اسناد تاسیس شد. رسالت آرشیو تاریخ شفاهی ساماندهی اطلاعات جمع آوری شده در چارچوب آیین نامه و در راستای اطلاع رسانی، خدمات دهی و انتقال آن به نسل های آینده است.

پایگاه منابع الکترونیکی

امروزه با گرایش کتابخانه ها و مراکز فرهنگی و اطلاع رسانی به سوی منابع الکترونیکی، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی نیز انواع لوح فشرده شامل پایگاه اطلاعات، منابع مرجع و دایره المعارف های چندرسانه ای، منابع ایران شناسی، منابع علوم اسلامی و قرآنی و منابع آموزشی به زبان های فارسی، عربی و انگلیسی را در کتابخانه مرکزی نگهداری کرده است که مخاطبان می توانند برای دسترسی به اطلاعات بیشتر به فهرستگان پیوسته کتابخانه پایگاه منابع الکترونیکی مراجعه کنند. همچنین اطلاعات کتاب شناختی تمامی منابع خطی و چاپی موجود در این کتابخانه در زمینه های قرآنی در کتابخانه تخصصی الکترونیکی قرآن کریم مهیاست و علاقه مندان می توانند اطلاعات مورد نیاز خود را از طریق نرم افزار جامع کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی دریافت کنند.

پرده پوشی های تاریخی آمریکا در ایران

این بود تا مجموعه اسناد لانه جاسوسی را که قبلاً توسط دانشجویان پیرو خط امام در ۷۴ جلد منتشر شده بود در ۸ جلد، همراه یک جلد کتاب منتشر نشده به بازار نشر عرضه کند.

در مجموعه ای که حاصل چند سال تلاش است و در سال ۱۳۸۶ روانه بازار نشر شد برای کاهش حجم صفحات و سهولت استفاده محققان، متن اسناد حروفچینی با قابلیت جست و جو در متن، همراه کتابی که ارائه می شود، به لوح فشرده تبدیل شده و تصاویر اسناد هر جلد در یک قطعه در هر جلد از مجموعه، علاوه بر فهرست مطالب در ابتدا فهرست اعلام نیز در پایان کتاب آمده است.

برای حفظ اصالت متن اولیه که اینک یک سند تاریخی شمرده می شود، متن پیشین عیناً در حروفچینی چاپ جدید نیز آمده و ضمن رعایت امانت داری، هیچ گونه دخل و تصرفی در محتوا و متن اسناد انجام نشده است.

۳۰۱ سند جدید

پس از انتشار این دو مجموعه که هر یک مشتمل بر مجموعه های دیگری بودند و به دنبال استقبال کتابخوان ها از این مجموعه ها در اردیبهشت ماه سال جاری کتاب تازه ای تحت عنوان اسناد لانه جاسوسی آمریکا در مورد خلیج فارس منتشر شد.

این کتاب در واقع جلد یازدهم از مجموعه جدید اسناد لانه جاسوسی است که دوره ۱۰ جلدی آن دو سال پیش منتشر شده بود. در این کتاب مسائل مربوط به خلیج فارس، روابط نظامی ایران و آمریکا و سفارت شوری در ایران در آینه خدشه ناپذیر اسناد تاریخی منعکس شده است.

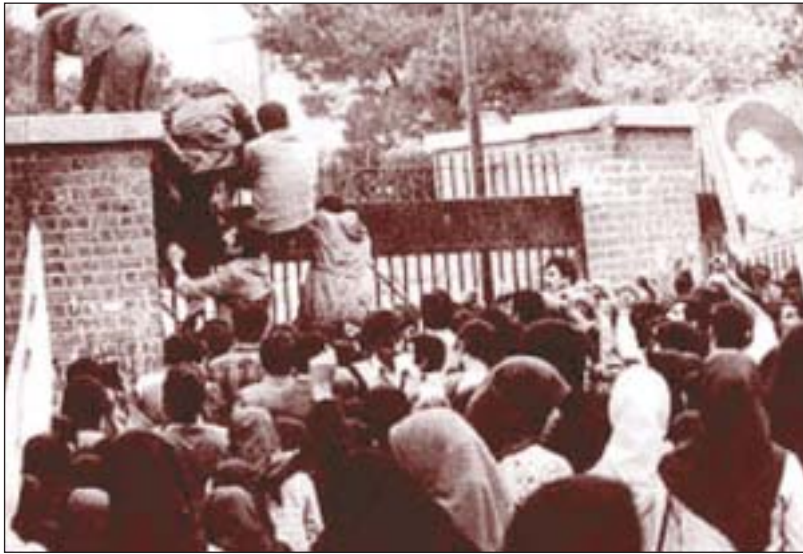
در این کتاب ۳۰۱ سند نو یافته در باره مسائل فوق الذکر آورده شده که از این تعداد ۱۱۵ سند فصل اول، در پنج بخش «انقلاب اسلامی و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس»، «نفث در خلیج فارس»، «نقش نظامی غرب، به ویژه آمریکا، در خلیج فارس»، «تنگه هرمز» و «زندگی نامه هایی از شیوخ خلیج فارس» سامان یافته است.

همچنین ۱۱۷ سند در فصل دوم، به «روابط نظامی ایران و آمریکا» و ۶۹ سند پایانی به «سفارت شوری در ایران» اختصاص دارد.

اسناد فصل اول، نگاه مردم و حاکمان کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را نسبت به انقلاب اسلامی و ارزش هایی که این حرکت منادی آن است نشان می دهد. در این فصل، اهمیت نفت و بر هم خوردن معادلات آمریکا و غرب در پی فروپاشی حکومت پهلوی و سقوط ژاندارم منطقه به خوبی نمایان است. همچنین اهمیت تنگه استراتژیک هرمز و ویژگی هایی از حاکمان شیخ نشین های حاشیه جنوبی خلیج فارس در این اسناد آمده است.

اسناد فصل دوم، حاوی نکات جالبی از روابط نظامی ایران و آمریکا است. این اسناد به خوبی روشنگر نحوه روابط ایران و آمریکا در زمان حاکمیت پهلوی دوم است؛ و از این نظر حائز اهمیت است که پرده از اسرار تاریخی دوره ای مهم از زندگانی سیاسی کشور ما برمی دارد. اسناد فصل سوم نیز نشان دهنده رقابت دو ابر قدرت وقت و در عین حال حفظ حریم یکدیگر برای کسب منافع بیشتر است.

در این کتاب نیز مانند گذشته، برای کاهش حجم صفحات و سهولت استفاده محققان، متن اسناد حروفچینی شده و تصاویر اسناد هر جلد در یک قطعه cd با قابلیت جست و جو در متن همراه کتاب ارائه می شود. همچنین موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی دسترسی به اسناد مزبور را برای محققان و علاقه مندان از طریق پایگاه اینترنتی به نشانی www.us-embassydoco.ir یا www.psi.ir میسر کرده است.



کتاب ها چه می گویند؟

از بزرگ ترین دستاوردهای این حرکت، افشای اسنادی است که در این رویداد به دست آمد. با آن که در بیش از دو دهه ای که از تصرف لانه جاسوسی آمریکا گذشته، این اسناد می توانست به موضوع پژوهش های دانشگاهی در پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری رشته های تاریخ، علوم سیاسی و روابط بین الملل قرار گیرد، اما متأسفانه نه در ایران و نه در سایر کشورهای جهان آن طور که شایسته است کار درخور توجهی در این زمینه انجام نشده است. البته با توجه به نفوذ ایالات متحده در اکثر مراکز دانشگاهی جهان و اعلام ممنوعیت ورود کتاب های منتشره لانه جاسوسی به آمریکا این بی توجهی عمدی در غرب دور از انتظار نبود. اسناد منتشر شده، ده ها موضوع کوچک و بزرگ را در شیوه های اعمال سلطه و نحوه مداخله در امور ایران و سایر کشورها توسط آمریکا نشان می دهد.

این اسناد می گوید که بین جناح های امنیتی (سازمان سیا)، نظامی (پنتاگون) و سیاسی (وزارت امور خارجه) اختلاف نظر ها و تحلیل های متفاوتی وجود داشته است. خاطرات منتشر شده دست اندرکاران آمریکایی نشان می دهد که آنچه در مورد غربی ها و به ویژه آمریکایی ها درباره برنامه ریزی های دقیق و بلندمدت تبلیغ می شود، عمدتاً اغراق آمیز و به دور از واقعیت است. اسناد و خاطرات نشان می دهد که در آمریکا اختلاف نظرات عمیقی وجود دارد و گاهی این اختلافات به حذف طرف مقابل به هر وسیله و شیوه ای می انجامد. به علاوه این تفکر که ابر قدرت ها برای ده ها سال آینده برنامه ریزی کرده و دیگران تنها مجری سیاست های از پیش تعیین شده آنها هستند با تردید جدی روبه رو می شود.

اسناد نشان می دهد که ابر قدرت ها چقدر در برابر اقدام های غافلگیرانه ضعیف هستند. این مسئله به ویژه در بررسی مدیریت بحران توسط دستگاه حاکمیت وقت آمریکا بسیار قابل توجه است. به عنوان نمونه اختلاف نظر سائروس ونس، وزیر خارجه و سولیوان سفیر سابق آمریکا در تهران از یکسو با برژینسکی مشاور امنیت ملی کارتر و ماندیل، معاون رئیس جمهور از سوی دیگر تا آنچاپیش می رود که کارتر به اجبار هائیر را برای اخذ تصمیم دقیق درباره نحوه مواجهه با انقلاب اسلامی به تهران پیش از انقلاب اسلامی اعزام می کند. در نمونه دیگر مخالفت سائروس ونس با تجاوز نظامی آمریکا به طیس تا آنچاپیش می رود که وی استعفا داده و ادموند ماسکی جای او را می گیرد.

در این دوره از انتشار اسناد لانه جاسوسی تلاش واحد اسناد موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی بر

که بیشترین سهم را در انتشار اسناد لانه جاسوسی برعهده دارد در کنار تولید کتاب به شیوه متداول آن طرح انتشار الکترونیکی اسناد را نیز پیش برده است. این پروژه که در کنار مطالعه و انتشار اسناد لانه جاسوسی سال ها پیش کلید خورده بود در سال ۱۳۸۶ به نتیجه رسید و اسناد لانه جاسوسی آمریکا به صورت الکترونیکی توسط موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی منتشر شد.

این اسناد مشتمل بر ۱۲ هزار سند با امکان جست و جوی کلیدواژه ای و موضوعی به دو زبان فارسی و انگلیسی است که به همت موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی به صورت سی دی منتشر شد.

این مجموعه به لحاظ تعریف دقیق شرایط روز و تبیین ریشه ها و پیامدهای حرکت انقلابی دانشجویان پیرو خط امام از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. دانشجویان می دانستند به دلیل مغایرت این حرکت با کنوانسیون وین، اقدام آنها نزد دولت ها و مجامع بین المللی پذیرفته نیست اما قصد داشتند تنها با تصرف ۴۸ ساعته یا حداکثر ۷۲ ساعته سفارت آمریکا اعتراض خود را به پذیرفتن شاه توسط آمریکا و اقداماتی نظیر آنچه در قبال دولت مصدق رخ داد به جهان نشان دهند. هنگامی که اسناد موجود در سفارت به دست آمد و گزارش های مستند دخالت آمریکا در امور داخلی ایران و طراحی توطئه های مختلف قبل و بعد از پیروزی انقلاب آشکار شد؛ همچنین به دلیل حمایت امام خمینی (ره) از این اقدام، افشاکاری درباره سیاست ها و روش های آمریکا در برخورد با تحولات ایران و سایر کشورها آغاز شد. امام (ره) رهبری حرکت دانشجویان را شخصاً برعهده گرفت و مبارزه علیه ریشه های نفوذ آمریکا در ایران به اوج رسید.

امام خمینی (ره) از این حرکت دانشجویان که می توانست به تهدیدی علیه منافع ملی ایران تبدیل شود، فرصتی ایجاد کرد که در مدیریت بحران ها کم نظیر است.



اسناد منتشر شده، ده ها موضوع کوچک و بزرگ را در شیوه های اعمال سلطه و نحوه مداخله در امور ایران و سایر کشورها توسط آمریکا نشان می دهد

حزکتی که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در تهران آغاز کردند، بی تردید در تاریخ مبارزات ملت های تحت سلطه نقطه عطف به شمار می رود.

تسخیر لانه جاسوسی که امام خمینی (ره) آن را انقلاب دوم نام نهادند، گام بزرگی در تثبیت دستاوردهای انقلاب اسلامی بود. این اقدام که توانست سند دیگری از اقدامات مداخله جویانه قدرت های بزرگ را در پوشش فعالیت های دیپلماتیک در کشور ایران منتشر کند، همواره نیازمند رسانه ای بود که ابعاد این واقعه تاریخی را برای مردمان هم عصر و نسل های آینده تبیین کند. هر چند در طول ۳۰ سال گذشته رسانه های دیداری، شنیداری و مطبوعات از وجوه مختلف به این موضوع پرداخته اند، اما ذات تاریخی و تاریخ ساز این واقعه بزرگ ایجاب می کرد تا نتایج تحقیقات و کدو کاو در اسناد لانه جاسوسی در قالب کتاب که ماندگارترین رسانه است منتشر شود. به همین دلیل در سال های اخیر کتاب های سریالی با شیوه تاریخ نگاری مستند در این حوزه تولید شده است. در ادامه این گزارش به روند تولید کتاب بر اساس اسناد و یافته های مستند از لانه جاسوسی می پردازد. در نوشتن این گزارش از گزارش های موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی استفاده شده است.

انتشار کتاب از روزهای نخست انقلاب

در هنگام تسخیر سفارت، آمریکایی ها به سرعت مشغول نابود کردن بسیاری از اسناد دخالت ها، تجاوزات و غارت های خود شدند، ولی پس از تسخیر سفارت به سرعت از نابودی باقیمانده اسناد جلوگیری شد و بعدها اسنادی که از لانه جاسوسی آمریکا به دست آمده بود چاپ شد و در اختیار همگان قرار گرفت.

هر چند تاریخچه انتشار مجموعه اسناد لانه جاسوسی به همت دانشجویان پیرو خط امام که اسناد مخدوش شده را باز یافت و مدون کردند به سال ۱۳۵۸ برمی گردد و در همین سال ها ۷۲ عنوان کتاب از این اسناد منتشر شد، اما انتشار تحلیلی این اسناد مربوط به سال های اخیر است.

موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، سال ۱۳۶۷ پژوهشی درباره مهم ترین وقایع تاریخ معاصر ایران از دوران مشروطیت تا انقلاب سال ۱۳۵۷ را به صورت تحلیلی آغاز کرد.

کتاب ها و مجموعه های «چریک های فدایی خلق»، «سازمان مجاهدین خلق ایران، از شکل گیری تا فروپاشی»، «حزب توده»، «ساواک» و «فحطی بزرگ» از پر فروش ترین عناوین این موسسه هستند که چندین بار تجدید چاپ شده اند. این موسسه در ۲۰ سال پس از تاسیس بخش بزرگی از توان خود را وقف مطالعه در اسناد لانه جاسوسی کرده است. پس از ۲۰ سال تلاش بی وقفه سرانجام در سال ۱۳۸۶ تلاش پژوهشگران این مرکز به بار نشست و یک دوره ۱۰ جلدی تحت عنوان اسناد لانه جاسوسی آمریکا با موضوع اسناد دخالت های آمریکا در ایران از سوی موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی منتشر شد.

جلد اول از این مجموعه در ۸۹۹ صفحه، جلد دوم در ۸۷۷، جلد سوم در ۸۶۱، جلد چهارم در ۸۰۷، جلد پنجم در ۸۰۹، جلد ششم در ۸۲۳، جلد هفتم در ۸۶۶ و جلد های دیگر در حدود ۸۷۰ صفحه با بهای ۷۰۰۰۰۰ ریال منتشر شد و مورد استقبال دانشجویان، اساتید دانشگاه، پژوهشگران و علاقه مندان به تاریخ معاصر قرار گرفت.

تولید کتاب الکترونیکی از اسناد لانه جاسوسی

یکی از ایده های نوین در تولید کتاب، تولید کتاب های دیجیتال است. موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی



اروپاییان و نگاهی یکسویه به ایران

اگر چه جنگ، یکی از خشونت آمیزترین بخش های زندگی انسان بر کره خاکی را تشکیل می دهد و حتی فکر کردن به آن نیز آزاردهنده است، اما از آنجا که رویداد عظیمی مانند جنگ، می تواند درس ها و عبرت های زیادی برای انسان خاکی به همراه داشته باشد، بررسی علل وقوع و چگونگی رخ دادن و وقایع مربوط به یک جنگ و ارائه آن در قالب یک اثر مکتوب، از ارزشی بالا برخوردار است.

در نشست «بررسی تاریخ جنگ های ایران» که در موسسه فرهنگی هنری جمشید جاماسیان برگزار شد، زوایای مختلف کتاب های این حوزه توسط علی غفوری، نویسنده و پژوهشگر، نویسنده کتاب های «تاریخ جنگ های ایران» و «۱۰۰ جنگ بزرگ تاریخ» نقد و بررسی شد.

کتاب «تاریخ جنگ های ایران» (انتشارات اطلاعات) دربرگیرنده تاریخچه مهم ترین نبردهای تاریخی مردم سرزمین ایران از مادها تا به امروز است و کتاب «۱۰۰ جنگ بزرگ تاریخ» (انتشارات هیرمند) به شرح مختصری از صد جنگ برجسته تاریخ جهان می پردازد. این جنگ ها از دوران های مختلف تاریخ بشر انتخاب و به قلم علی غفوری در این آثار ارائه شده اند.

کتاب «تاریخ جنگ های ایران» در سیزده فصل و با استفاده از ۶۰ منبع نوشته و تدوین شده است. نویسنده در بخش های نخست تا یازدهم این کتاب به جنگ ها و نبردهای ایرانیان در دوره های تاریخی پیش از مادها، هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان، غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، حمله اعراب و مغول به ایران، سه قرن زمامداری مغولان، ظهور و سقوط صفویه و به قدرت رسیدن نادرشاه و سلسله قاجار پرداخته است.

کتاب «۱۰۰ جنگ بزرگ تاریخ» به شرح مختصری از صد جنگ برجسته تاریخ جهان می پردازد. این جنگ ها از دوران های مختلف تاریخ بشر انتخاب شده اند. جنگ های گردآوری شده در این مجموعه همگی بر تاریخ سیاسی کشورها، ملت ها و حتی جغرافیای سیاسی دنیا تاثیر گذار بوده اند. نخستین نبرد ذکر شده مربوط به عصر باستان و میان دو دولت آشور و ماد و آخرین آنها مربوط به جنگ دوم خلیج فارس (۲۰۰۱ میلادی) است. نویسنده، عنصر اول برای انتخاب جنگ ها را تاثیر گذاری آنها بر جریان تاریخ ذکر می کند.

از برجسته ترین نبردهایی که در کتاب به آنها اشاره می شود می توان نبرد بابل میان کوروش هخامنشی و پادشاه بابل، جنگ مارتن بین هخامنشیان و یونانیان، جنگ های پولوپونز بین دولت - شهرهای یونانی، حمله اسکندر به آسیا، نبرد کاره (حران) میان پارتیان و رومیان، جنگ های ایران و روم در عصر ساسانی، حمله اعراب به ایران، نبرد ملازگرد، جنگ های صلیبی، حمله چنگیز، هلاکو و تیمور به ایران، جنگ های صدساله در اروپا، فتح قسطنطنیه، نبرد چالدران، واترلو، جنگ های انقلاب فرانسه، فتح مسکو، جنگ های اول و دوم جهانی، جنگ ویتنام، نبرد صحرا، جنگ خلیج خوک ها و جنگ افغانستان را برشمرد.

ضرورت انتشار کتاب های تاریخ جنگ نظامی
علی غفوری، نویسنده و پژوهشگر در نشست بررسی «تاریخ جنگ های ایران» در موسسه فرهنگی هنری جمشید جاماسیان با اشاره به تاریخ جنگ های فرانسه و انگلیس گفت: «در باره تاریخ جنگ های فرانسه، انگلیس و دیگر کشورهای اروپایی، کتاب های فراوانی نوشته می شود و بر اساس آن کتاب ها فیلم هایی مانند «۳۰۰» می سازند، اما ما آن گونه که باید، به تاریخ نظامی خود اهمیت نمی دهیم و در زمینه نوشتاری کاری منتشر نمی کنیم که درخور عرضه به مجامع علمی باشد. انگیزه من از نوشتن کتاب «تاریخ جنگ های ایران» و «۱۰۰»



جنگ بزرگ تاریخ» بررسی جنگ هایی است که بارها در تاریخ ایران پیش آمده اند اما تاکنون تحقیق و پژوهشی درباره آنها صورت نگرفته است.»

وی افزود: «با وجودی که در دنیای امروز از علم و اقتصاد بسیار سخن می گویند، اما به قدرت نظامی و تاریخ جنگ ها هم اهمیت می دهند. برای مثال درباره تاریخ جنگ های فرانسه، انگلیس و دیگر کشورهای اروپایی، کتاب های فراوانی نوشته می شود، اما ما آن گونه که باید به تاریخ نظامی خود اهمیت نمی دهیم و در زمینه نوشتاری کاری انجام نمی دهیم که درخور عرضه به مجامع علمی باشد. اگر از ۲۶۰۰ سال پیش تا امروز تاریخ نظامی ایران را بررسی کنید به نکته های جالب توجهی دست پیدا می کنید که در نوع خود بی نظیر است. برای مثال ایران تنها کشوری است که توانست با یک حکومت متشکل، ۷۰۰ سال در برابر روم مقاومت کند، یا ۳۰۰ سال در برابر ارتش عثمانی پایداری از خود نشان دهد. از طرف دیگر ایران از معدود کشورهایی است که توانسته در ۲۶ قرن تاریخ خود، خاکی به این وسعت را که امروز مرزهای ایران را شکل می دهد حفظ کند.»

یونانیان و بزرگ نمایی تاریخ جنگ ها

این نویسنده و پژوهشگر خاطر نشان کرد: «یونانیان با آن همه ادعایی که در تاریخ دارند، کشوری کوچک باقی مانده اند و بیشتر خاک مصر هم صحرا و بیابان است و مردم مصر محدوده کوچکی را در اختیار دارند. اما ما به کمک شیوه های رزمی و نظامی مناسب و پایبندی به اخلاق و فرهنگ، توانسته ایم کم و بیش مرزهای سیاسی ایران را نگهداری کنیم. پایه گذار ارتش ایران «هوخستره» مادی بود. مادها توانستند به کمک ارتش خود، آشوری ها را از پای در آورند. اما فرماندهی که به ارتش ایران توان و روح نظامی داد و آن را به یک قدرت جهانی تبدیل کرد، کوروش هخامنشی بود. در زمان هخامنشیان ایرانیان برای نخستین بار توانستند قدرت های بین النهرین را عقب برانند. این قدرت های جهانی بین النهرین، هرگز به ایرانیان اجازه نمی دادند که سربر آورند.»

نویسنده کتاب «تاریخ جنگ های ایران» یادآور شد که کوروش با استراتژی نظامی کارآمد و صحیح، آنها را مطیع کرد و لیدیایی ها و بابلی ها را که قدرت های ضد ایران بودند، تحت سلطه خود در آورد. کوروش بدون آن که فرصت سازماندهی دوباره به دشمنان خود بدهد، به گونه ای عمل کرد که آنها توان رویارویی با او را نیافتند. تساهل کوروش در برخورد با مردم کشورهای دیگر که تسخیر می کرد نیز به گونه ای بود که سبب می شد

شکست خورده ها علیه او شورش نکنند و دست به نافرمانی نزنند. پس از کوروش، داریوش هخامنشی را باید فرمانده نظامی برجسته ای در نظر گرفت که برای نخستین بار ارتش ایران را به خاک اروپا برد. او ارتش ایران را تا نقطه ای از اروپا پیش برد که امروزه کشور رومانی قرار دارد. این کار کوچک و کم اهمیتی نبود. تامین لجستیک ارتش، آن هم در حالی که از خاک ایران بسیار دور شده بود، نشان از توان فرماندهی و قدرت نظامی او می دهد. داریوش ارتش خود را به جنوب اروپا فرستاد و از طرف دیگر تمام منطقه ای را که امروزه خاورمیانه نامیده می شود، گرفت. اما یونانی ها این پیروزی ها را نادیده می گیرند و به اتفاق های کوچکی همانند نبردهای «مارتن» و «سالامین» چنان شاخ و برگ می دهند و سعی در بزرگ نمایی آن دارند که حیرت آور است. البته مورخان امروز اروپایی می دانند که حرف یونانیان باستان درباره جنگ هایشان با ایران چندان قابل اعتماد نیست و نباید به آن بهای بیش از حد داد.»

نادرستی حقیقت تاریخی یونانی ها

وی افزود: «اوج توان نظامی ایران در زمان خشایارشا بود. اگر به رویدادهای آن روزگار به دیده علمی و تحقیقی نگاه کنیم درخواستیم یافت که آنچه یونانیان درباره تعداد ارتش خشایارشا گفته اند، از حقیقت تاریخی دور است. آنها شمار ارتش ایران را تا سه میلیون نفر گفته اند، در حالی که تحقیقات درست تاریخی نشان می دهد سربازان خشایارشا در نبرد با یونانیان، تنها نزدیک به ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر بوده اند. همان ارتش هم مجبور بود با ده شهر دولت بچنگد. آنچه یونانیان هم درباره ارتش اسپارت گفته اند حقیقت ندارد. درباره نبرد «ترموپیل» هم بیش از اندازه زیاده گویی کرده اند. درست است که اسپارت ها شیوه های جنگی پیشرفته ای داشته اند اما این گونه نبود که در همه جنگ هایشان با خشایارشا پیروز شده باشند. اتفاقا این ارتش ایران بود که همه جای پیروز بود اما در ترموپیل به مشکل خورد و همین بهانه ای به دست یونانیان داد تا در آن باره قلم فرسایند و این اتفاق کوچک را بزرگ جلوه دهند.»

نویسنده «تاریخ جنگ های ایران» از دوره ماد تا امروز گفت: «متأسفانه در ایران هم کتابی نداریم که به شیوه علمی به آن ادعاها پاسخ دهد و به اروپاییانی که این حرف ها را تکرار می کنند یادآوری کند که ارتش خشایار آن قدر قدرتمند بود که حتی آتن را هم گرفت.»

اروپاییان که نگاه یکسویه به تاریخ دارند، این موفقیت ارتش ایران را نادیده می گیرند. بعد از خشایارشا آرام آرام توان ارتش ایران رو به تنزل گذاشت. به دلیل وسعت کشور و اختلالی که در ساختار اداری هخامنشیان پدید آمده بود، ارتش رو به ضعف رفت. این هم زمان با قدرت گرفتن «کارتاها» و «مقدونی ها» به فرماندهی اسکندر بود. آن بخشی را که مربوط به فتوحات اسکندر است، باید به دیده تردید نگریست. شرح حالی که یونانیان درباره اسکندر نوشته اند، به صورتی است که با منطق نمی خواند. مثلاً گفته اند که ارتش ایران هنگامی که رودر روی مقدونی ها قرار گرفت ۳۰۰ هزار کشته داد، در حالی که از ارتش اسکندر تنها ۱۰۰ نفر کشته شدند. پیداست که این سخن تقریباً غیرممکن است که حقیقت داشته باشد.»

بررسی منابع تاریخی جنگ های ایران و جهان: نیاز پژوهشگران

غفوری افزود: «هنگامی هم که اسکندر وارد آسیای صغیر شد، قاعدتاً برخورد شدیدی با ارتش ایران داشته است. چون اسکندر به ناحیه لبنان و فلسطین امروز می رود و تنها پس از سازماندهی دوباره است که به ایران بازمی گردد. سپس پیروزی های او بی دری

پیش می آید. در تاریخ نوشته اند که اسکندر آن پیروزی ها را تنها با ۳۵ هزار سرباز به دست آورد. اما چگونه ممکن است که او در همه جنگ ها و با این تعداد اندک سرباز پیروز شده باشد و از لحاظ لجستیکی به مشکل برنخورده باشد؟ به هر حال آن روایت ها جای پرسش دارد. اشکانیان هنگامی به قدرت رسیدند که ایران رویاروی روم قرار گرفته بود. رومی ها اروپا را می گیرند و سپس آسیای صغیر را تسخیر می کنند. در این زمان ایران یک قدرت تازه پا بود که از سوی روم تهدید می شد. رومی ها سرداران بزرگی همانند (پمپی)، «سزار» و «کراسوس» داشتند. کراسوس کسی بود که جنبش اسپارتاکوس را سرکوب کرده بود. اکنون او قصد ایران و نبرد با ارتش اشکانی را داشت. اما همین سردار بزرگ در جنگ با «سورنا» و در دشت کارن از ایرانیان به سختی شکست خورد. این برای نخستین بار بود که لژیونرهای رومی در جنگ ناموفق می شدند. باید این نکته را در نظر گرفت که ارتش روم از ۳۰ کشوری که امروزه مرزهای سیاسی مشخص دارند، تشکیل شده بود و از سوی آنها پشتیبانی می شد.»

نویسنده کتاب «۱۰۰ جنگ بزرگ تاریخ» خاطر نشان کرد: «قدرت نظامی ایران در زمان ساسانیان به اوج دیگری می رسد. ایران قدرت پیاده نظامش را تقویت می کند و ساسانیان روش قلعه گیری تازه ای را ابداع می کنند و با تکنولوژی های نوین نظامی، رومی ها را از بین النهرین و قفقاز بیرون می کنند اما ساسانیان در اواخر کارشان دچار اشتباه شدند و به جنگ های طولانی مدت با روم پرداختند. این جنگ ها که در زمان خسرو پرویز روی داد، هم ایران را ضعیف کرد و هم رومی ها را. در نتیجه نیروی تازه نفسی که از شبه جزیره عربستان آمده بود، توانست ارتش ایران را شکست بدهد. این شکست تنها مخصوص ایران نبود و رومی ها و قدرت های دیگر هم از اعراب مسلمان شکست خوردند. اعراب سواره نظام قوی داشتند و از ده ها قبیله متفرق تشکیل شده بودند. آنها شمال آفریقا را گرفتند و تا اسپانیا پیش رفتند. این رویداد سبب شد که تا ۳۰۰ سال، حکومت مرکزی ایران از دست برود. تا آن که سامانیان و صفاریان قدرت را به دست گرفتند و دولت هایی ایرانی تاسیس کردند. پس از آنان نوبت به غزنویان و سلجوقیان رسید که هر چند ایرانی نبودند، اما از میان ایرانیان سربازگیری می کردند و برای یکپارچگی ایران می کوشیدند.»

وی افزود: «خوارزمشاهیان نیز دولت بزرگی را در ایران بنیاد گذاشتند، اما در برابر مغولان سیاست غلطی در پیش گرفتند و در نتیجه آن سیاست نادرست، مهاجمان مغول توانستند با دستیابی به منطقه وسیعی که هم مرز با قلمرو خوارزمشاهیان بود، برای تسخیر ایران آماده شوند. ایرانیان در جنگ با مغولان دچار ضعف نظامی نبودند و بهتر از ملل دیگر در برابر آنها ایستادگی کردند اما مغول ها از تجهیزات استفاده می کردند و ابزار نظامی پیشرفته ای داشتند که پایداری در مقابل آنها را دشوار می کرد. مغول ها آن تجهیزات نظامی را از چینی ها گرفته بودند. به هر حال مغول ها و تیموریان موفق شدند بیش از ۲۰۰ سال بر ایران مسلط شوند. در زمانی که در دنیا اتفاقات مهمی روی می داد، صفویان در ایران قدرت را به دست گرفتند. آنها توانستند ایران را احیا کنند. ویژگی نمایان صفویان را باید در ارتش آنان دانست. ارتش قزلباش صفوی از قدرت های بزرگ آسیا بود. آنها به جنگ های طولانی مدت با عثمانی دست زدند و عثمانی ها که تا وین پیش رفته بودند، در رویارویی با صفویه بارها شکست خوردند.»



آزاده سیدین

بسیاری افراد تصور می کنند با افزایش پایگاه های اطلاعاتی سنتی و الکترونیکی در کتابخانه ها، نقش کتابداران در عرصه اطلاع رسانی کاهش یافته است اما بسیاری از کارشناسان این عرصه معتقدند ورود فناوری های جدید اطلاعاتی و ارتباطی، به ویژه اینترنت و گسترش پایگاه های اطلاع رسانی نه تنها نقش کتابدار را کاهش نداده، بلکه سبب شده تا این شغل نسبت به گذشته جایگاه بهتری داشته باشد. آنها می گویند: «کتابداران به عنوان واسط میان اطلاعات و کاربران هستند که مهارت آنها در یافتن اطلاعات، این نقش را پررنگ می کند.» کتابداران تخصصی با گرایش های مختلف از جمله پزشکی نیز از این قاعده مستثنی نیستند که دانشجویان رشته پزشکی، پزشکان و دیگر مراجع کنندگان به این کتابخانه ها را در یافتن اطلاعات کمک می کنند. برای آشنایی بیشتر با وظیفه این کتابداران در کتابخانه های تخصصی پزشکی، با دکتر سیدجواد قاضی میرسعید، رئیس هیأت مدیره انجمن کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی و استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران گفت و گو کرده ایم.

در گفت و گو با رئیس هیأت مدیره انجمن کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی ایران مطرح شد

ضرورت تجدید نظر در سرفصل دروس کتابداری پزشکی

صورت تمام متن، حضور کتابدار متخصصی که از مهارت تامین اطلاعات در شرایط خاص بالینی برخوردار است، دسترسی به منبع مورد نظر برای اخذ تصمیم در شرایط ویژه را برای کادر پزشکی اتاق عمل امکان پذیر تر خواهد کرد. با توجه به مشکلاتی که در زیرساخت های مخابراتی کشور وجود دارد، آیا می توان به چنین روشی امیدوار بود؟ شرایط امروز دانشگاه ها، دانشکده ها و مراکز تحقیقاتی به لحاظ ترمیم زیرساخت های ارتباطی برای دستیابی به اینترنت به طور عام و به متن کامل انواع منابع الکترونیک به طور خاص، متفاوت از شرایطی است که در ابتدای دهه هشتاد وجود داشت. خوشبختانه در این زمینه بسیاری از دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، سرمایه گذاری های خوبی داشته اند که البته کافی نیست؛ چون به موازات افزایش منابع و تغییر رفتار اطلاع یابی کاربران و مهم تر از آن تعداد آنها و البته دیگر عوامل مشابه به نظر می رسد که شرایط فعلی و سرمایه گذاری های انجام شده کافی نیست و باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. این امر ممکن نخواهد بود مگر آن که جایگاه پژوهش در ساختار نظام آموزش عالی کشور به لحاظ مادی و معنوی دچار تحولی بنیادی شود تا به تبع آن همه واحدهای تحت پوشش این حوزه از جمله کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی در فرآیند تکامل لازم قرار گیرند. آن وقت می توان انتظار داشت که در کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی انواع منابع حداقل در حد استاندارد های داخلی موجود است یا سرعت اینترنت در محیط های آموزشی، پژوهشی یا درمانی در حد مطلوب است و نگرانی از قطع بی موقع آن وجود ندارد.

تا چه اندازه کتابداران حوزه پزشکی در پیشرفت این علم



چگونه کتابخانه های عمومی و تخصصی از یکدیگر متمایز می شوند؟

مهم ترین وجه تمایز کتابخانه ها از یکدیگر، مخاطبان آن هستند. یعنی افرادی که در مقام مراجعه کننده یا کاربر متقاضی، منابع و امکانات موجود از آن کتابخانه خاص استفاده می کنند، ممکن است تفاوت هایی با هم داشته باشند. با این حساب می توان گفت که رسالت اصلی هر نوع کتابخانه ای پاسخ به نیازهای اطلاعاتی جمعیتی است که با هدف تامین آن به کتابخانه مورد نظر مراجعه می کنند.

به عنوان مثال در یک کتابخانه عمومی، همه آحاد افراد جامعه به طور بالقوه می توانند عضو باشند و متناسب با ذوق و سلیقه و نیاز اطلاعاتی خویش، از مجموعه موجود استفاده کنند اما عکس این مورد ممکن نیست، چون مجموعه ای که با هدف پاسخ به نیازهای تخصصی جمعیتی خاص طراحی، تجهیز و ساماندهی شده است تنها برای صاحبان آن تخصص یا گرایش های موضوعی خاص، آن هم به شرط داشتن زمینه های علمی لازم قابل استفاده اند نه برای همه آحاد افراد جامعه یا دیگر تخصص های غیر مرتبط. البته موارد خاص از این قاعده مستثنی هستند. پس مهم ترین وجه تمایز این دو نوع کتابخانه از یکدیگر را می توان در نوع مخاطبان و به تبع آن مجموعه منابع و امکاناتی دانست که با هدف تامین نیازهای اطلاعاتی کاربران تهیه و ارائه شده است.

کتابداران کتابخانه های تخصصی با گرایش پزشکی باید از چه سطح سوادی برخوردار باشند؟

مقطعی را که در نظام آموزش عالی برای تربیت کارشناس پیش بینی کرده اند مقطع لیسانس یا به تعبیر دیگر کارشناسی است. پس حداقل سوادی را که لازمه کار فنی و تخصصی

در کتابخانه های پزشکی است همان مقطع کارشناسی کتابداری اطلاع رسانی با گرایش پزشکی است که بسیاری از مراکز آموزش در سطح کشور و در حوزه پزشکی، سالانه دانشجویانی را در این مقطع از طریق کنکور سراسری جذب و تربیت می کنند. در مقاطع تحصیلات تکمیلی این امکان برای کتابداران لیسانس وجود دارد که تا پایان دوره کارشناسی ارشد، با گرایش پزشکی در برخی از دانشگاه های وابسته به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تحصیل کنند. البته دو دانشگاه علوم پزشکی تهران و ایران مدتی است که در انتظار راه اندازی مقطع دکتری تخصصی در این رشته اند که خوشبختانه بسیاری از مراحل اداری آن در وزارت بهداشت انجام شده و امیدوارم قبل از پایان سال جاری شاهد تصویب نهایی آن باشیم.

آیا این کتابداران باید با علوم پزشکی آشنا باشند؟

به هر حال دانشجویی که قرار است در آینده به عنوان کارشناس یا کارشناس ارشد در یک کتابخانه یا مرکز اطلاع رسانی پزشکی مشغول به کار شود باید با اصطلاحات و ادبیات این حرفه آشنا باشد تا بتواند در یک تعامل منطقی با کاربران خویش که در مقاطع مختلف تحصیلی قرار دارند ارتباط حرفه ای برقرار کند به این منظور طی دوران تحصیل واحدهای درسی مختلفی را در نظر گرفته اند تا کتابدار فارغ التحصیل این رشته، با مفاهیم مورد نظر آشنا شود. به عنوان مثال می توان به واحد درسی «ترمینولوژی پزشکی» - زبان تخصصی با گرایش به سمت ادبیات پزشکی - کار با انواع منابع مختلف پزشکی؛ نظیر نمایه نامه های مختلف که نوعاً در زمره منابع مرجع پزشکی هستند، کتاب ها، مجلات و دیگر منابع و واحدهای درسی اشاره کرد. البته چنانچه چنین مجموعه ای مورد علاقه دانشجویان این رشته باشد و به فراگیری بیشتر آنها بینجامد قطعاً در آینده زمینه ارتباط حرفه ای مطلوب تر با کاربران را فراهم می کند.

چگونه کتابداران می توانند به افرادی که به مراکز اطلاع رسانی تخصصی از جمله کتابخانه های علوم پزشکی مراجعه می کنند و نمی دانند چه می خواهند، کمک کنند؟

در هر کتابخانه ای توان مراجعه کنندگان در نحوه بازیابی و استفاده از منابع موجود با یکدیگر متفاوت است. برخی از مراجعه کنندگان، با

کتابخانه، منابع موجود در آن، نحوه جست و جوی منابع مورد نظر، کار با ابزارهای مختلف دسترسی به اصل مدرک یا محتوای آن و ... در فرمت های دستی یا الکترونیکی آشنا هستند. طبعاً چنین فرد یا افرادی کمتر به کتابداران برای دستیابی به منابع مورد نظر مراجعه می کنند و اگر سوالی باشد، بیشتر درباره منابع جدیدی است که احتمال خرید یا آبوبمان را می دهند. در مقابل کسانی هستند که در مرتبه پایین تری از شناخت کتابخانه قرار دارند. آنها نیز متناسب با پاسخی که نیاز دارند سوال می کنند و راهنمایی می خواهند. البته افراد دیگری هستند که هیچ نمی دانند یعنی نه کتابخانه را می شناسند، نه اطلاعی نسبت به منابع موجود دارند. نه توان جست و جو در بر گه دان های سیستم های رایانه ای را دارند، ولی می دانند که این کتابخانه و منابع موجود در آن می تواند به آنها کمک کند. در اینجاست که کتابدار موظف است راهنمایی های لازم را تا نیل به پاسخ های مورد نظر ارائه کند. به هر حال تحت هر شرایطی کتابدار حوزه پزشکی باید این آمادگی را داشته باشد که به مراجعه کنندگان کتابخانه خدمات لازم را ارائه کند. حتی اگر نیاز به آموزش داشته باشد و انجام این آموزش طولانی باشد.

پزشکان بسیاری هنگام معالجه بیماران یا هنگام عمل جراحی بیمار در اتاق عمل، سوالاتی علمی برایشان مطرح می شود. آیا کتابداران می توانند در چنین مواقع حساسی به آنها کمک کنند؟

بحث حضور کتابداران در شرایط حساس و در کنار تیم درمانی از مدت ها قبل در حوزه کتابداری پزشکی مطرح بوده است؛ به این معنی که کتابدارانی در تیم مورد نظر باشند تا در شرایط حساس اتاق عمل حاضر و در مواقع لزوم ایفای نقش کنند. در همین ارتباط مدت ها بحث کتابدار بالینی مطرح بود. بسیاری از گروه ها و اساتید در این مورد پیشنهادهایی ارائه کردند اما با ظهور پدیده منابع الکترونیک و گسترش آن در سطح دانشگاه ها و مراکز درمانی و دستیابی به متن کامل این منابع در هر زمان و مکان از طریق اینترنت تا حد بسیاری این بحث کم رنگ شد. به گونه ای که امروزه کمتر در این مورد صحبتی مطرح است. چرا که کافی است در اتاق عمل امکان دسترسی به منابع مورد نظر با سرعت بالا فراهم باشد، طبعاً مشکل حل خواهد شد. البته معتقدم در کنار دسترسی به اینترنت پرسرعت و انواع منابع تخصصی الکترونیکی به

می توانند موثر باشند؟

بسیار مایلم این سوال را در فرصتی مناسب از جامعه پزشکی، به ویژه پزشکان محترمی که در ارتباط تنگاتنگ با کتابخانه های پزشکی هستند مطرح کنید. البته وقتی می گویم جامعه پزشکی، منظور تمامی کسانی هستند که در عرصه پزشکی و حرفه های وابسته به آن در هر مقام و مرتبه ای به کار اشتغال دارند. قطعاً پاسخ آنها که در یک ارتباط حرفه ای با کتابداران و اطلاع رسانی قرار دارند می تواند جایگاه این افراد را در پیشبرد دانش پزشکی بهتر ترسیم کند اما توصیه می کنم وقتی راه مطالعه صفحات ابتدایی پایان نامه های دانش آموختگان دانشگاهی اختصاص دهید، ملاحظه خواهید کرد که درصد بسیار بالایی از فارغ التحصیلان رشته پزشکی از این که کتابدار شرایط را برای ارتقای علمی وی فراهم کرده است صمیمانه تشکر و قدر دانی کرده اند.

مجموعه این تلاش ها نه تنها شرایط را برای ارتقای پزشکان و جامعه پزشکی کشور فراهم می کند، بلکه کتابداران به سهم خویش زمینه ساز اعتلای دانش پزشکی می شوند. البته قضاوت نهایی با صاحبان حرفه های پزشکی است.

به روز بودن مباحث درسی حوزه کتابداری پزشکی تا چه اندازه در ایجاد چنین تخصصی موثر است؟

همگامی با جهش های علمی در هر حوزه ای یعنی طراوت، نشاط، شادابی، خیز برداشتن به سمت تکامل، تکامل اندیشه، اندیشه علمی که ابتدایی ترین شرط آن در محیط های آموزشی بازنگری است. بازنگری در حیطه مباحث درسی، نیازی که از مدت ها قبل به ضرورت آنان اشاره شده لیکن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. متأسفانه در دوره مدیریت قبلی حوزه آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بدون هیچ گونه کار کارشناسی با تصمیم درباره حذف مقطع کارشناسی رشته کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی در سال جاری به برخی از دانشگاه ها اجازه جذب دانشجو در این مقطع داده نشد. ما امیدوار و مطمئن هستیم که در این دوره از مدیریت حوزه آموزشی وزارت متبوع که به یاری خدا جدیداً آغاز شده است به کمک کارشناسان خبره و پیشکسوتان این حرفه زمینه لغو مصوبه قبلی و اصلاح سرفصل دروس این رشته فراهم شود.



داستان «بیژن و منیژه» یکی از دل‌انگیزترین و زیباترین داستان‌های عاشقانه پارسی است. اما آیا در پیشگفتار این داستان که نزد استادان به «براعت استهلال» نامبردار است و شاعر در آغاز هر ماجرا ابیاتی به عنوان مقدمه بر اثر افزوده است، رمز و راز خاصی وجود دارد؟ آیا فردوسی داستان دلبستگی به همسر و فرزندخواهی اش را در این اثر به نظم درآورده است؟ اینها و پاسخ سوالات دیگری از این دست را در کتاب «رازگفته‌های داستانی بیژن و منیژه در شاهنامه فردوسی» اثر «فرهاد وداد» که اخیراً به چاپ رسیده، می‌توان یافت. گفتنی است که مولف بیشتر در حوزه فیزیک و پیش‌تر در طراحی اتومبیل شناخته شده است. «فرهاد وداد» ۱۰ بهمن ماه سال ۱۳۴۱ در مشهد متولد شد. پس از دریافت دیپلم ریاضی - فیزیک در دانشگاه پلی‌تکنیک فیزیک کاربردی اتمی خواند. سپس در رشته مهندسی محیط زیست با گرایش آلودگی هوا در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی ادامه تحصیل داد. چندی نیز در وزارت صنایع سنگین روی خودروهای سنگینی مثل واگن دریل، کانال کن و بتن پمپ کار کرد. سال ۱۳۷۸ به سوئد رفت. پس از آن به کارهای مختلفی در این عرصه مشغول شد.

داستان عاشقانه «بیژن و منیژه» از زبان یک فیزیکدان

فردوسی، ماه گرفتگی، بیژن و منیژه و دانش فیزیک

چه شد سراخ شاهنامه فردوسی رفتید؟

درباره شاهنامه ایده اصلی این بود که چرا در علوم انسانی هیچ قطعیتی در گفتمان‌ها وجود ندارد و هر کس می‌تواند نظری ارائه دهد و دیگران برحسب دیدگاهشان می‌توانند این عقاید را بپذیرند یا رد کنند، درحالی‌که در فیزیک این گرفتاری را نداریم و هر مساله‌ای با آزمایش‌ها و محاسبات تایید می‌شود. بنابراین، شاهنامه را به عنوان آزمون‌های این دیدگاه بررسی کردم و از آنجا که اثر مذکور سند هویت ماست، به نظر رسید که موضوع را از این زاویه بنگرم. در بررسی شاهنامه مکانیک آماری را مورد توجه قرار دادم. یک گزاره اساسی در دانش یادشده می‌گوید: داده‌ها، دانستی‌ها و یا حتی اجسام می‌توانند به دو گونه در پس یکدیگر چیده شوند. یکی از این گونه‌ها، چیدمان کتابخانه‌ای است که اطلاعات یا چیزها در کنار یکدیگر جای می‌گیرند و هر کس به فراخور خواسته‌هایش یک یا چند دسته از آنها را می‌تواند بیرون بکشد. گونه دیگر ریختی است که در جستارهای فیزیک ذرات بنیادین به ساختار پوست پیازی شناخته می‌شود. برای درک بهتر این امر، یک پیاز را به دیده بیاورید. می‌دانید که گیاه مذکور از لایه‌های گوناگونی شکل گرفته است، اما تا لایه‌ای از آن برداشته نشود، دسترسی به لایه‌های زیرین ناشدنی است. از سوی دیگر، هر لایه، خود دستگاه و شبکه‌ای از پاره‌ها و اجزاست و از این رو، همانند چیدمان کتابخانه‌ای کسی نمی‌تواند به هر دانسته‌ای از لایه‌های زیرین دست یابد، مگر آن‌که لایه بالایی شکافته شده باشد. هسته اتم هم از لایه‌های گوناگون پروتون و نوترون شکل گرفته و هر یک از این لایه‌ها با ابرنوترونی یا پروتونی بالای خود پوشیده شده است و مثل پیاز تا لایه‌ای از آن شکافته نشود، دسترسی به لایه‌های زیرین شدنی نیست. هر قدر انرژی مصرف شده برای شکافت هسته بیشتر باشد، دسترسی به لایه‌های زیرین شدنی تر است و همراه با آن، انرژی آزادی یافته و بیشتر و بیشتر می‌شود. ساختار شاهنامه نیز چون هسته اتم، ریخت پوست پیازی دارد. به بیان دیگر، اگر به پیاز از هر سوی بنگریم، تنها پوسته بیرونی‌اش به چشم می‌آید و درست به همین گونه اگر از هر جهت به شاهنامه نگاه کنیم، فقط بیرونی‌ترین لایه آن، یعنی «حماسه» دیده می‌شود. اما این سخن بدان معنا نیست که با ارزش‌ترین لایه شاهنامه حماسه است، بلکه درونی‌ترین آن، یعنی لایه مرکزی که محور بنیادین سخن و اندیشه حکیم توس است، مهم‌ترین لایه به حساب می‌آید. در این زمینه یک مثال ساده بزنم. فرض کنید شخصی به شما بگوید در داخل ظرفی مقداری انگور و سیب و گلابی و آناناس هست، بلافاصله ظرفی میوه‌رادر نظر می‌آورد. و این امر با بررسی قوانین میان آن اجزا صورت می‌گیرد. اما اگر همین فرد بگوید ظرفی دارد که داخل آن سیب و کنتور و پیچ و پلاستیک و کاغذ پاره است، فوراً به یاد ظرف آشغال می‌افتد. چون بر این ظرف قانون مشخصی حاکم نیست. شاهنامه فردوسی یک دستگاه بسامان است که میان اجزایش قوانینی به چشم می‌خورد و با بررسی آن قانون‌ها می‌توانیم بگوییم «شاهنامه» چیست و این مساله در دو بعد زمان و مکان جلب توجه می‌کند. با مکان آغاز کردم و کوشیدم جای‌ها را در مسیر حرکت و جایه‌هایی شخصیت‌ها در این کتاب به دست آورم، چون مکان‌ها اگر تک افتاده و منزوی باشند، متمرکز نیستند. به عنوان مثال، در شاهنامه از طالقان سخن به میان می‌آید. طبیعتاً این شهر نباید در نزدیکی تهران

باشد، زیرا سیاهوش از بلخ به طالقان و مرورود و فاریاب می‌رود. پس در این مسیر باید دنبال طالقان می‌گشتم. جالب آن‌که کیخسرو هم از سغد به بلخ و طالقان می‌رود. از روی مسیرها و جاه‌ها، طالقان را شهری در غرب افغانستان یافتم. بنابراین، تک تک مکان‌ها را مطالعه کرده و محل‌شان را به دست آوردم که از آن جمله به گنگ دژ، هاموران، شاهه، کناب، مایمرغ و... می‌توان اشاره کرد. بعد به پدیده زمان پرداختم. در این مورد ناگزیر بودم از روش‌های ریاضی پیشرفته بهره بگیرم. بنابراین، بیت‌های شاهنامه را به آرایه‌های ریاضی بدل کردم و از روش‌های حل معادلات دیفرانسیل مرتبه دوم سود جستیم و به نتایجی رسیدم. حاصل دو مقوله مکان و زمان را با یکدیگر سنجیدم و به دست آوردم که چه تعدادی بیت از کجای شاهنامه حذف شده و اصولاً این اثر بر جسته می‌توانسته چه تعداد بیت داشته باشد و فردوسی در چه تاریخی سرایش خود را آغاز کرده و دگرگونی‌های داستانی از پیشدادیان به کیانیان چگونه بوده و دوره پهلوانی و تاریخی به چه شکل شروع می‌شود. همین‌طور به دست آوردم که فردوسی با چه رویدادهای اجتماعی هم‌زمانی داشته‌است. حاصل این پژوهش کتابی شد با عنوان «دیدگاه‌های انگارشی بر شاهنامه فردوسی» که کار آن طی هفت سال در سوئد به انجام رسید. سپس کارم ادامه یافت تا این که داستان «بیژن و منیژه» را به همین روش با دقتی تر بگویم بر اساس دانش فیزیک ستاره‌شناسی بررسی کردم.

حالا کمی درباره این کتاب بگویید.

ماجرا از آنجا آغاز شد که پس از مطالعه ابیات نخست یا مقدمه داستان بیژن و منیژه به این نتیجه رسیدم که اشعار بر ماه گرفتگی دلالت می‌کنند، زیرا ماه با چهره دگرگونی‌پذیری می‌آید و سه چهارم آن گرفته شده و به رنگ نارنجی مایل به سرخ (زنگ آهن) جلوه می‌کند و آن‌طور که از اشعار فردوسی برمی‌آید این امر باید در فصل پاییز رخ داده باشد. از این رو با «ناسا» مکاتبه کردم و آمار ماه گرفتگی‌ها در فاصله سال‌های ۹۵۹ تا ۱۰۰۰ میلادی را از آنها گرفتم و تنها مواردی را استخراج کردم که این شرایط را داشته و بین ماه‌های سپتامبر تا دسامبر در فضای آسمان توس به نحوی دیده شده‌اند که بیش از نیمی از ماه گرفته شده باشد. حاصل کار ۱۰ مورد ماه گرفتگی بود. بعد به دانشکده فیزیک بخش ستاره‌شناسی دانشگاه یوتوری سوئد رفتم و در آنجا از دکتر تورکسون اطلاعات لازم درباره نرم افزار سلسلتیارا گرفتم و با بررسی ده شب ماه گرفتگی، که بر اساس شعر فردوسی باید سه سیاره بهرام، تیر و کیوان (مریخ، عطارد و زحل عربی) به نظر نیانند، در نتیجه از بین آنها تنها دو ماه گرفتگی بیرون کشیده شد. از آنجا که شاهنامه پژوهان بر این باورند که داستان بیژن و منیژه در دوران جوانی فردوسی سروده شده، من زمان نخست را به عنوان بهترین گزینه برگزیدم. بر اساس محاسبات صورت گرفته در کتاب اول چنین به دست می‌آید که این تاریخ برابر با ۳۳ سالگی فردوسی است. دکتر کزازی در ادامه این داستان می‌گوید به نظر می‌رسد سراینده به امید فرزنددار شدن از همسرش بوده و میوه‌های ترنج نماد و سمبل زادن فرزند است. از این رو ۹ ماه بعد، یعنی در ۳۴ سالگی شاعر فرزندش پای به جهان هستی نهاده است و فردوسی در پایان شاهنامه در سوگ فرزندش می‌سراید:

مرا شصت و پنج و وار سی و هفت

نپرسید از این پیر و تنها برفت



منظور شاعر در اینجا اشاره به سن و سال است که احتمالاً در آن زمان ۳۱ سال قمری داشته که گرچه نمی‌تواند با ۳۷ هجری گونه همبستگی یابد، اما در رونوشتی از شاهنامه که در موزه لندن نگهداری می‌شود، به جای مصرع نخست بیت بالا آمده است «و ارسالی سی بد مرا شصت و پنج» که شاید در رونوشت بنیادین سخن از سی سال و هفت ماه (یا به گفته دیگر سی و یک سال) باشد نه سی و هفت سال، از این رو، اگر روزگار فرزند فردوسی به هنگام مرگ را سی سال و هفت ماه یا برای سادگی محاسبه سی و یک سال بکنیم و آن را به سال ۳۶۳ هجری قمری بیفزاییم، برابر ۳۹۴ هجری قمری می‌شود و آن سالی است که فردوسی شصت و چهار سال و اندی و به زبان دیگر ۶۵ ساله بوده است. یعنی آغاز داستان بیژن و منیژه توضیحی درباره زادن فرزند در گفتار «زاری فردوسی از مرگ فرزند خویش» از «داستان پادشاهی خسرو پرویز» از درد جانکاه جدایی فرزند می‌گوید. از سوی دیگر، در کتاب نخستم - دیدگاه انگارشی بر شاهنامه فردوسی، میانگین سرایش شاعر در سال‌های پیش از ۵۸ سالگی را بررسی کردم که برابر با ۱۸۸۷۹۲ بیت در سال قمری (۵۳۳ بیت در روز) بوده است. از این رو، با رویکرد به شماره ابیات داستان بیژن و منیژه در رونوشت زول مول که برابر با ۱۳۸۷ بیت است، می‌توان گفت که سرودن داستان مذکور نزدیک به ۹ ماه به درازا انجامیده است. این مساله را از روی کسر زیر می‌توان محاسبه کرد: ۱۲ × ۱۳۸۷ = ۱۶۶۴۴ تقسیم بر ۱۸۸۷۹۲ مساوی می‌شود با ۸/۸۱ ماه قمری.

بر پایه این اندازه‌گیری به خوبی می‌توان دریافت که داستان عاشقانه بیژن و منیژه زمزمه از مهر استاد فرزانه توس برای همسرش در ۹ ماه دوران بارداری‌اش بوده که خود عشقی بزرگ‌تر از این داستان را می‌نمایاند که در لایه زیرین اثر پنهان مانده است. واژه‌هایی چون مهربان، بت مهربان، مهربان یار، ماه خورشید چهر، سروین، ماه‌روی، بت مهر چهر، مهربان سرو و مهربان یار نیکی شناس که شاعر برای نام بردن از همسرش به کار می‌برد، گویای این عشق، مهر و بزرگداشت است. این برخلاف نظر برخی افراد فمینیست است که شاهنامه را اثری زن‌ستیز برمی‌شمارند، حال آن‌که فردوسی با چنین لحن زیبایی از همسرش سخن می‌گوید.

اینها همه نظر شماست، اگر کسی با عقایدتان مخالفت کند، آماده شنیدن نظرش هستید؟

مطالب را باید سنجید و بررسی کرد. به گمانم اتفاقاً در این برخورد آراست که انسان رشد می‌کند و به کمال می‌رسد. می‌دانید که در نظریه عمومی سیستم‌ها داشتن نظریه غلط بهتر از نداشتن آن است، چون به رشد افکار می‌انجامد. ما با گفتمان است که می‌بایم و باید هر کس نظرش را عرضه بدارد و بگوید و آن را بشنویم و بررسی کنیم.

مثل این که در میان افراد خانواده شما هم افراد اهل علم وجود داشته‌اند؟

پدر بزرگم نماینده مجلس اول مشروطه حاج محمد حسین وکیل بجنورد بود که بعدها به وداد شهرت یافت. او شعر می‌سرود، پدرم هم لیسانس تاریخ بود و ۳۲ سال به عنوان دبیر در دبیرستان‌های شهرستان‌های مختلف خراسان خدمت کرد. او به از برکردن شعر توسط فرزندانش سخت بهای می‌داد و در نتیجه ادبیات در خانه ما غذای روح جلوه می‌کرد و من گرچه فیزیک خواندم، اما کوشیدم این دورا با یکدیگر در آمیزم.

چرا کتاب اولتان را در ۲۰ نسخه منتشر کردید، حال آن‌که در صفحه شناسنامه هزار نسخه آمده است؟

به چند دلیل، اول این که نخستین کارم بود می‌توانستم حدس بزنم پخته نیست و در عین حال مایل بودم نظر بسیاری از استادان را بشنوم و در اثرم اعمال کنم. بنابراین، می‌خواستم کتاب را به دست ۲۰ متخصص برسانم تا آن را بررسی کنند و بگویند چقدر درست است و باید چه تغییراتی در آن صورت بگیرد. اما «بیژن و منیژه» در ۲۰۰۰ نسخه چاپ شده، زیرا افراد فاضلی همچون دکتر کزازی و دکتر محمدرضا راشد محصل آن را خوانده و تایید کرده بودند. البته وزارت ارشاد در جریان شمارگان واقعی کتاب بود و حال پس از گذشت یک سال به اطلاعات جدیدی دست یافته‌ام و مایلم آن کتاب را با اظهار نظرهای استادان و دوستان در چهار جلد مجزاً به شکل مفصل تری انتشار دهم.

این فصول چه مطالبی را در برمی‌گیرند؟

داستان ۱۲ رخ و جنگ بزرگ کیخسرو یک کتاب و سرگذشت اسکندر در شاهنامه کتاب دوم، فرهنگ جایها و اطلس شاهنامه کتاب سوم و روش‌های فیزیک در بررسی شاهنامه هم جلد چهارم خواهد بود که جلد آخر در آبان ماه امسال در دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد به صورت سخنرانی و پرسش و پاسخ عرضه خواهد شد.

گفتید جدول‌های کتاب «بیژن و منیژه» را از سازمان ناسا گرفته‌اید؟

بله، با آنها مکاتبه کردم و این سازمان جدول‌های مورد نیاز را برام فرستاد. نکته‌ای که در اینجا باید به آن اشاره کنم این است که سرآغاز داستان مرا به اینجا کشاند و اصولاً داشتن نظر ایرادی ندارد، اما دیدگاهی ارزشمند است که توانایی پیشگویی داشته و گونه‌های دیگری از آن پدیدار آمده باشند. به عنوان مثال، وقتی فردوسی در مقدمه می‌گوید: «به بهرام پیدا، نه کیوان و تیر» بهرام نماد جنگ، کیوان، نحس اکبر و تیر دبیر و نگارنده فلک است. اما چه استفاده‌ای از این مطالب توانیم کرد و جز این که بگوییم ماه پشت ابرهاست، یا ماه هلالی است، چه چیز دیگری را می‌توانیم توضیح بدیم. دیدگاه زمانی وقتی ارزشمند است که سایر ویژگی‌های این منظومه و دستگاه بسامان را توضیح دهند و در هر حال نظر باید گره‌ای از کار ما باز کند.



سجاد صاحبان زند

یکی از معضلات کتاب‌های فلسفه سیاسی در ایران آن است که بسیاری از این کتاب‌ها، به طور مستقیم از زبان‌های دیگر به فارسی ترجمه می‌شوند. این نکته چند مساله بعدی را در پی دارد. در نخستین حالت، ترجمه صرف این آثار، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی میان ما و کشورهای مبدا ممکن است که فهم آنها را برایمان دشوار کند. از سویی دیگر، ترجمه بد برخی مترجمان سبب می‌شود تا ما شناخت درستی از این اندیشه‌ها نداشته باشیم. اما در دسته‌ای از آثار برخی از پژوهشگران ابتدا به خواندن اندیشه‌های فلسفی دیگر کشورها دست می‌زنند و سپس آنها را به خواننده فارسی زبان انتقال می‌دهند. در این نوشته‌ها گاه نگاهی انتقادی نیز به آن آرا وجود دارد و این سبب می‌شود تا مخاطب در مقابل این تئوری‌ها دست و پا بسته نباشد. مسعود سپهر نیز در کتاب «سپهر عمومی» کوشیده است تا چنین رویکردی داشته باشد. او در این کتاب که به تازگی منتشر شده، به اندیشه‌های سیاسی هابرماس و آرنست، همراه نقد و تحلیل آنها پرداخته است. گفت‌وگویی که در پی می‌آید، در این مورد با این نویسنده انجام شده است.

«سپهر عمومی» در گفت‌وگو با مسعود پدram

اندیشه‌ها را باید با نقد و تحلیل شان خواند

پشتیبانی از تاسیس موسسه مطالعات بنیادین پویه و مدیریت آن مرا تشویق کرد که این مطالب را بنویسم و بنده هم مانند نابینایی که از خداوند دو چشم بینا می‌خواست این کار را به انجام رساندم.

یکی از نکات جالب کتاب آن است که شما به روایت صرف آرای این دو اندیشمند نپرداخته و آنها را به نوعی نقد نیز کرده‌اید. به نظر می‌رسد که این نکته به فهم بیشتر افکار آنها کمک می‌کند. با این نکته موافقت می‌کنید؟

باید موافق باشم که این کار را کرده‌ام. بی‌شک اندیشه‌ها همراه با نقدهایشان بهتر فهمیده می‌شوند و نقاط قوت و ضعفشان برجسته‌تر می‌شود. البته به همان دلیلی که در مورد مشکلات یک پژوهشگر آزاد و مستقل گفتم، نتوانستم تمامی نقدهایی که به نظریات این دو اندیشمند در زمینه سپهر عمومی و قلمرو عمومی شده است بپردازم، اما سعی کردم نقدهای پر اهمیت را تا آنجا که می‌توانم طرح کنم. کتاب بسیار کوتاه و مجمل است. مخاطب این کتاب چه کسانی می‌تواند باشند و چرا آن را کوتاه نوشته‌اید؟

فکر می‌کنم کوتاه نویسی و مجمل‌گویی بیشتر از وضع روحی من سرچشمه می‌گیرد. از پرگویی بیزارم، چه از جانب خودم باشد و چه از طرف دیگری. به همین دلیل هم گاهی به من می‌گویند که در مجمل‌گویی افراط می‌کنم، آنچنان که مطالب نامفهوم می‌شود. اما در این کتاب سعی کردم با نشان دادن آن به افرادی که در این زمینه در ایران صاحب نظر هستند، از کوتاه‌نویسی‌هایی که مطلب را نامفهوم می‌کند بپرهیزم.

تصور می‌کنم مخاطب این کتاب عمدتاً دانشجویان رشته علوم انسانی، روشنفکران و به ویژه فعالان سیاسی اهل مطالعه باشند. البته در زمان نوشتن این کتاب به مخاطب نمی‌اندیشیدم و شاید این یک ایراد باشد.

شما به تحلیل اندیشه‌های این دو فیلسوف فارغ از فضای ایران پرداخته‌اید. آیا نمی‌شد فصلی به کتاب افزود و این مساله را مورد توجه قرار داد؟

در مقدمه درجه‌ای از باز کرده‌ام برای نمایاندن این اندیشه‌ها در فضای سیاسی ایران، اما قرار نیست در یک کتاب به همه چیز پرداخته شود. فکر می‌کنم در پروژه دیگری می‌توان به تطبیق این نظریات با وضعیت سیاسی ایران و بومی کردن این نظریات پرداخت که به نظر من این کار بسیار ضروری و حیاتی است. البته ممکن است لزوماً من این کار را انجام ندهم. استفاده از آرای هابرماس و آرنست در توضیح عمل سیاسی در ایران و یافتن چه باید کرد را افراد دیگری هم می‌توانند انجام دهند.

اهمیت انتشار کتاب «سپهر عمومی» در جامعه فرهنگی ما را چگونه ارزیابی می‌کنید و چگونه باید که این عنوان را برای کتاب خود انتخاب کردید؟ فکر می‌کنم در میان پرسش‌های پیشین به این پرسش هم پاسخ دادم، اما به طور مشخص‌تر می‌گویم که اهمیت آن توجه به نگاهی بدیل در جامعه سیاسی ایران به امر سیاسی و برجسته شدن فرهنگ گفت‌وگو و فهم و درک قدرتی است که از طریق گفت‌وگو و وجدان عمومی ایجاد می‌شود.



سرفصل‌ها را در باره این دو نفر رعایت کرده‌است. کمی درباره شکل‌گیری کتاب بگویید.

البته خودم از کیفیت و ماهیت آکادمیک این کتاب راضی نیستم. به عنوان یک پژوهشگر آزاد و مستقل در درجه اول باید با غول بی‌شاخ و دم زیستن و بقا دست و پنجه نرم کنم و پس از آن با بسیاری مسائل بازدارنده دیگر که گریبان اغلب نویسنده‌های مستقل را می‌گیرد. با این حال تلاش خود را کردم تا آن‌جا که ممکن است سویه آکادمیک این کتاب حفظ شود.

به هر یک از این دو اندیشمند بخش کوچکی را برای توضیح زندگی فکری آنان اختصاص دادم و پس از آن به محتوای اندیشه آنان، تا آنجا که به مفهوم سپهر عمومی و سیاست مربوط می‌شود پرداختم. از نیمه دوم سال‌های ۱۳۷۴، با دوستان و همفکران و بسیاری دیگر از افراد اهل اندیشه و سیاست ورزی درباره مفهوم سپهر عمومی و جایگاه آن در ایران صحبت کردم، اما به نظرم می‌رسید که سنگینی نگاه‌های سنتی، مبنی بر این که سیاست یعنی تشکیل گروه و حزب، و تلاش برای تسخیر دولت، مانع بزرگی بود برای آن که حرف‌هایم شنیده شود. خلاصه کسی زیر بار این حرف‌ها نمی‌رفت و در بهترین حالت گفته می‌شد که این حرف‌ها به درد جوامع غربی می‌خورد، و البته اکنون هم آن گونه که باید به این مفهوم از سیاست توجه نمی‌شود. سرانجام دوست ژرف‌اندیش و فرهیخته‌ام، آقای حمید حراری، با

اولویت قائل شدن برای گفت‌وگو انگیزه‌ای قوی ایجاد می‌کرد که نظریات این دو اندیشمند را بر جسته کنم. به علاوه، مهمترین کتاب آرنست که فلسفه سیاسی اوست، یعنی وضعیت انسانی، در سال‌های گذشته چندان مورد توجه قرار نگرفته بود.

ما در نگاه هر دوی این فیلسوف‌ها، شاهد نگاهی انتقادی به فضای مدرنیته هستیم. این مساله تا چه اندازه در انتخاب این دو موثر بود؟

من در زمره نسل تربیت یافته در مکتب شریعتی هستم و با وجود نقدهایی که برای بازسازی شریعتی به اندیشه‌های او دارم، همچنان خودآگاهم که تحت تاثیر او قرار داشته‌ام. یکی از ویژگی‌های دیدگاه شریعتی که به نسل ما منتقل شد، نگاه انتقادی به مدرنیته، در عین درآمیختن و همسو شدن با مدرنیته است. نظریه انتقادی هابرماس و نگاه انتقادی آرنست نیز بسیاری از مبانی مدرنیته را مورد چالش قرار می‌دهد، اما هر دو، در آخرین تحلیل نظریه‌ای پیش می‌گذارند که نه در نفی مدرنیته، بلکه به صورتی اثباتی در جهت اصلاح و تصحیح مسیر آن است. آرنست از افول سیاست اصیل و امکان بازیابی آن می‌گوید و هابرماس در نظریه‌ای کلان، از انحراف، یا ناتمامی مدرنیته می‌گوید که باید تصحیح شود یا به انجام برسد، و نیز از افول سپهر عمومی بورژوازی و مدرن می‌گوید که می‌توان احیای آن را در جنبش‌های اجتماعی جدید دید.

آیا نمی‌شد از نظرات چهره‌هایی از سایر علوم، مثل باختین که در عرصه نقد ادبی، کارهایی را در عرصه گفت‌وگو انجام داده‌اند بهره گرفت؟

البته که می‌شد. اما به دو دلیل این کار انجام نگرفت. شاید اگر دلیل اول را بگویم نیازی به گفتن دومی نباشد. اول آن که در مورد باختین مطالعه زیادی ندارم. دوم آن که همان طور که گفتید مباحث باختین بیشتر در قلمرو نقد ادبی و زبان مطرح می‌شود و تصور نمی‌کنم با طرح نظریات باختین یا گادامر می‌توانستم چیزی را به آنچه از سیاست و نقش گفت‌وگو در ایجاد قدرت در سر داشتم اضافه کنم. کتاب شکل و شمایلی آکادمیک دارد و برخی

چطور شد که هابرماس و آرنست را به عنوان موضوع کتابتان انتخاب کردید؟

پیام اصلی این کتاب نشان دادن سیاست اصیل از طریق تحلیل مفهوم گفت‌وگو است. همواره در دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰ به این می‌اندیشیدم که فعالیت سیاسی امثال من و کسانی که نمی‌خواهند از طریق دستیابی به مدیریت دولتی، تغییر ایجاد کنند به چه معناست. من با بضاعت خودم، درباره مسائل مربوط به عموم مردم و نحوه عمل حکومت بحث و نقادی عقلانی می‌کردم و راه حل را در تغییر حکومت‌ها نمی‌دیدم، و در ازای فعالیت‌هایم هم متقبل هزینه‌های زیادی می‌شدم و همچنان هم هستم. در عین حال به عنوان کسی که رشته‌اش علوم سیاسی است می‌دانستم که گوهر سیاست قدرت است و از خود می‌پرسیدم آیا عمل من سیاست ورزی است؟ سرانجام هنگامی که در دانشگاه جواهر لعل نهرو در هند، در سال ۱۳۷۴، رساله پیش‌دکتری خود را درباره نظریه دموکراسی در اندیشه‌های هابرماس به پایان می‌بردم، این پاسخ را یافتم. آنچه من می‌کردم چیزی نبود جز فعالیت در سپهر عمومی که از نظر هابرماس فعالیت سیاسی اصیل محسوب می‌شود. از نظر او در سپهر عمومی - که می‌شود گفت مفهومی شبیه به آن چیزی است که جامعه مدنی می‌گویی - قدرتی ایجاد می‌شود که می‌تواند در سامانه سیاسی، از جمله دولت تاثیر بگذارد. بعدها فهمیدم که هانا آرنست پیش از هابرماس این معنای اصیل سیاست و قدرت را در یونان باستان می‌یابد و به لحاظ نظری هم نشان می‌دهد که با حضور در قلمرو عمومی و گفت‌وگو در مورد امر عمومی این معنا از سیاست که معنایی ارسطویی است تحقق می‌یابد.

در ضمن باید یادآوری کنم که سپهر عمومی را من در مقالات پیشینم عرصه عمومی می‌خواندم که ترجمه (public sphere) است. در کتاب نوشته‌ام که چگونه نام سپهر عمومی را برگزیدم، اما در آن زمان اطلاع نداشتم که این نام را پیش‌تر، استاد بزرگوار، جناب فولادوند مطرح کرده بود.

به هر حال فیلسوفانی دیگر همچون گادامر نیز به این مساله، یعنی گفت‌وگو، پرداخته‌اند؟

بله گادامر هم در مورد مکالمه صحبت‌هایی عمیق دارد که گفته می‌شود برای هابرماس الهام بخش بوده است، اما او مباحث خود را که در ساحت فلسفی طرح می‌کند، در سطح یک نظریه در دستگاه فکری خود مطرح نمی‌کند. در حالی که هابرماس تمامی بنای نظریه اجتماعی خود را بر پایه‌های گفت‌وگو و آن چه کنش تفاهمی می‌نامد استوار می‌کند، و تبعات این نظریه‌پردازی در قلمرو نظریه سیاسی، در مباحثی ثمربخش درباره دموکراسی شورایی - گفت‌وگویی خود را نشان می‌دهد. پیش از هابرماس و گادامر، این آرنست است که بحثی بر اصالت را در فلسفه سیاسی از طریق مفهوم سازی اصطلاح گفت‌وگو در قلمرو عمومی باز می‌کند.

آیا شناخت نادرست، کم و غیر ریشه‌ای در این انتخاب دخالت داشته است، چرا که شما در مقدمه به شناخت کم ما از هانا آرنست اشاره کرده‌اید، هر چند که سه کتاب وی سال‌ها قبل منتشر شده است. همان طور که گفتیم افکندن نگاهی دیگر به سیاست

درباره کتاب «فلسفه بوناونتورا»، اثر برگزیده جایزه کتاب فصل

اندیشه در بستر تاریخ شکل می‌گیرد

تحلیل رساله بوناونتورا، «سیر نفس به سوی خدا» اختصاص دارد. در این فصل مباحثی چون رابطه عقل و ایمان، زبان حاکم بر کتاب، نقش الهام و مکاشفه، مسیح‌شناسی، عارف یا سالک باطنی و انواع تاملات روحانی در باب خدا، نفس و طبیعت مطرح می‌شوند. با توجه به نکته‌ای که در آغاز سخن درباره رویکرد تاریخی در آموزش فلسفه در دانشگاه‌های ایران ذکر شد می‌توان گفت انتشار کتابی چون «فلسفه بوناونتورا» اهمیتی ویژه دارد. این اهمیت به چند دلیل است؛ نخست همان همبستگی و درهم تنیدگی فلسفه و تاریخ فلسفه است. با رجوع به تاریخ فلسفه و فیلسوفان گذشته است که می‌توان به غنای فلسفه و اندیشه امروز امید داشت. این کتاب می‌کوشد درباره بخشی از این تاریخ سخن بگوید. دومین دلیل مربوط به ضعف منابع در حوزه فلسفه قرون وسطی به زبان فارسی است. کمابیش هر دانشجوی فلسفه‌ای با «تاریخ فلسفه» فردریک کاپلستون آشناست. این مجموعه چند جلدی که از منابع اصلی برای دانشجویان و علاقه‌مندان ایرانی در مطالعه تاریخ فلسفه غرب محسوب می‌شود تا مدت‌ها نقصانی جدی داشت و آن ترجمه‌نشده‌ترین و مهم‌ترین جلد‌های آن بود که مربوط به تاریخ فلسفه در قرون وسطی می‌شد. تاکنون اصلی‌ترین منبع در این حوزه، کتاب «تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس» نوشته محمد ایلخانی بوده است، اما حالا کتابی دیگر نیز درباره یکی از مهم‌ترین فیلسوفان این دوره در دسترس است. سومین دلیل هم این است که این کتاب حاصل پژوهش اکبر حبیب‌اللهی است درباره یکی از مهم‌ترین فیلسوفان قرون وسطی و نه ترجمه‌ای از آثار دیگران. این مساله از آن رو می‌تواند مهم باشد که حبیب‌اللهی کوشیده است خود مستقیماً با یکی از مهم‌ترین فیلسوفان قرون وسطی مواجه شود.

از دیگر نکات مثبت درباره این کتاب متن روان آن، پانوشت‌ها و ارجاعات خوب، واژه‌نامه لاتین-فارسی، کتاب‌شناسی آثار بوناونتورا به زبان‌های انگلیسی، آلمانی و ایتالیایی و نیز آثار دیگری است که موضوع آنها فلسفه قرون وسطی و به ویژه فلسفه اسکولاستیک و مطالعات راجع به بوناونتورا است.

کتاب «فلسفه بوناونتورا» نوشته اکبر حبیب‌اللهی با شمارگان هزار نسخه و قیمت ۴۴۰۰ تومان در سال ۱۳۸۸ از سوی انتشارات حکمت روانه بازار نشر شده است.



فلسفی خواند. فلسفه به مثابه معرفتی جدای از دین، در قرون نخست میلادی رواج خاصی داشت و در قرون وسطی نیز طرفدارانی برای خود یافت و جریان اصلی در پروتستانسیسم شد. آنچه از میان این چهار دیدگاه می‌تواند در بررسی و تحلیل دیدگاه بوناونتورا به کار آید سومین رویکرد یعنی فلسفه به مثابه خادم دین است. در این رویکرد از فلسفه برای شکل دادن به مفاهیم ایمانی، دفاع از ایمان خود و توضیح آن برای مومنانی که هم‌کیش هستند استفاده می‌شود. با این اوصاف است که مولف کتاب به بررسی فلسفه بوناونتورا می‌پردازد. وی در فصل اول مروری گذرا بر زندگی و آثار بوناونتورا دارد و در فصل دوم آرا و افکار وی را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این فصل نخست به نظرات و تفاسیر مختلفی که مورخان فلسفه درباره مکتب بوناونتورا ارائه داده‌اند پرداخته می‌شود. این تفاسیر نشانگر این نکته‌اند که نظام فلسفی بوناونتورا نظامی التقاطی و مملو از آموزه‌های مختلف است که همین امر سبب می‌شود امکان تفسیرهای متفاوت درباره آرای وی وجود داشته باشد. پس از آن، نظر بوناونتورا در مورد سه بحث خداشناسی، جهان‌شناسی و انسان‌شناسی بررسی می‌شود. سومین و آخرین فصل این کتاب به بررسی و

بررسی کرد؛ توجهی که مولف کتاب «فلسفه بوناونتورا» از آن غافل نبوده است.

نظام فلسفی بوناونتورا در بستر مسیحیت شکل می‌گیرد و نمی‌توان آن را بدون توجه به ویژگی‌های مسیحی بودنش بررسی کرد. وی فلسفه مسیحی را به عنوان حد وسط بین ایمان و فلسفه انتخاب می‌کند. بوناونتورا در پی فلسفه مسیحی‌ای است که به وسیله آن بر اشتباهات ارسطو و افلاطون پیروز شود و بتواند فلسفه‌ای ایجاد کند که خدا هدف آن است و شناخت صحیح و یقینی نیز در آن تنها با تکیه بر «اشراق ایمان مسیحی» حاصل شود. یعنی می‌توان گفت فلسفه‌های ترکیبی نظیر فلسفه بوناونتورا و توماس آکوئیناس هرچند که عناصر مختص و منحصر به فرد خود را دارند، اما در خصیصه مسیحیت اشتراک دارند. مولف کتاب به درستی بر این نکته تأکید می‌کند که باید توجه داشت که متفکران مسیحی و فیلسوف مورد نظر وی، بوناونتورا، علاوه بر عقل، دارای منشأ دیگری به نام وحی یا دین هستند. لذا نوع بررسی و پاسخ‌دهی آنها به مسائل گوناگون در چنین چارچوبی شکل می‌گیرد.

حبیب‌اللهی نظام فکری بوناونتورا را نظامی تلفیقی می‌داند که شامل مجموعه نظراتی است که به هیچ وجه نمی‌توان آنها را به شکل مستقل مورد بررسی قرار داد. به بیان دیگر نظام فلسفی بوناونتورا نظامی منسجم است و مباحثی که در درون این نظام مطرح می‌شوند با یکدیگر پیوندی عمیق دارند. نکته دیگری که باید در نظر داشت این است که دنیای مسیحی بوناونتورا متمایز از جهان ارسطویی است. در این نوع بینش تمام تحولات و رویدادها در درام بزرگی بین خلقت دنیا و رستاخیز - که هر یک از رویدادها مکان و جایشان مشخص و معین است - رخ می‌دهند.

متکلمان مسیحی رابطه فلسفه یا عقل با دین و ایمان را تا عصر اصلاح دینی به چهار طریق می‌فهمیدند؛ فلسفه به مثابه دین، فلسفه به مثابه معیار فهم دین، فلسفه به مثابه خادم دین و فلسفه به مثابه معرفتی جدای از دین. فلسفه به مثابه دین، نظر به فهم دین در چارچوب فلسفه و عقلانیت یونانی دارد. فلسفه به مثابه معیار فهم دین، دین را به گزاره‌های عقلانی تقلیل می‌دهد. فلسفه به مثابه خادم دین، کلام مسیحی را ایجاد کرد که معروف‌ترین شکل آن در غرب، «کلام طبیعی» توماس آکوئیناس است و می‌توان آن را «دین

هر دانشجوی فلسفه‌ای که در دانشگاه‌های ایران درس خوانده باشد برای آن که دوره کارشناسی را به پایان برساند دست کم باید واحدهای درسی‌ای را بگذراند که به تاریخ فلسفه اختصاص دارد. این رویکرد تاریخ فلسفه‌ای در گروه‌های فلسفه ایران اهمیت بسیاری دارد؛ هرچند نقدی که گاه بر این رویکرد وارد می‌شود کم توجهی به موضوعات فلسفی و صرفاً مروری تاریخی بر آرای فیلسوفان است. از این نقد که بگذریم این رویکرد از آن رو مهم است که اندیشیدن و مطالعه تاریخ اندیشه، دو امر در هم تنیده‌اند که هر یک بی دیگری چیزی کم خواهد داشت.

کتاب «فلسفه بوناونتورا» که به عنوان اثر برگزیده در جایزه کتاب فصل اخیر نیز انتخاب شده است بر این رویکرد تأکید دارد. مولف کتاب بر این باور است که اندیشه در غرب در بستر تاریخ شکل می‌گیرد و شناخت نظام‌های فکری کنونی، مرهون شناخت اندیشمندان و فیلسوفان پیشین است. در همین راستا است که اکبر حبیب‌اللهی در کتابش می‌کوشد نظام فلسفی یکی از فیلسوفان مسیحی غرب، بوناونتورا، اندیشمند ایتالیایی قرن سیزدهم میلادی را معرفی کند. آشنایی با نظام فکری بوناونتورا در واقع می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای ورود به جهان اندیشه مسیحی قرون وسطی که یکی از مبانی شکل دهنده تفکر غرب است.

این نگاه شاید کمی متفاوت از آن چیزی باشد که در میان عامه مطرح می‌شود، به این معنا که قرون وسطی را عصری سیاه و تاریک می‌دانند که جز تبری جستن از آن کاری نباید کرد. اما با بررسی عمیق‌تر این دوران به خوبی آشکار می‌شود که در این عصر اتفاقات مهمی رخ داده است که گاهی از پایه‌های اصلی تاریخ تفکر در مغرب زمین محسوب می‌شود.

بنابراین، اگر به این نکته آگاه باشیم که بدون شناخت سنت‌های پیشین، فهمی که از شرایط کنونی می‌تواند حاصل شود فهمی ناقص خواهد بود. بر همین سیاق آنچه می‌توان درباره اندیشه در جهان معاصر گفت بی توجه به قرون وسطی چندان به کار نخواهد آمد. فلسفه نیز بدون تاریخ فلسفه، مشمول همین حکم می‌شود. فیلسوف همواره نیم‌نگاهی به گذشته دارد، بی آن که در این گذشته جا خوش کند. اما از دیگر سو فیلسوف و جهان‌اندیشه‌اش را نمی‌توان از جهانی که در آن زندگی می‌کند منفک دانست. در همین راستا است که باید فلسفه بوناونتورا را با توجه به زمانه‌اش

یادداشت

اکبر حبیب‌اللهی

نویسنده کتاب «فلسفه بوناونتورا»

بوناونتورا و فلسفه اسلامی



ورود آموزه‌های فلسفه اسلامی در غرب امری پذیرفته شده است. در اواخر قرن دهم ترجمه آثار فیلسوفان مسلمان شروع می‌شود و در اواسط قرن دوازدهم به اوج خود می‌رسد. آشنایی متفکران یا اندیشمندان در قرون وسطی حتی با ارسطو خودشان هم از طریق آموزه‌های فلسفه اسلامی اتفاق می‌افتد. یعنی ارسطو تا قرن پنجم میلادی برخی از نوشته‌هایش آن هم در بحث منطق توسط بوئتیوس از یونانی به لاتین برگردانده می‌شود و در واقع جهان اندیشه لاتینی با ارسطو از طریق بوئتیوس آشنا می‌شود.

از نتایج این آشنایی این است که اندیشمندان قرون وسطی رویکرد اساسی‌شان رویکردی منطقی است که این امر را به خوبی می‌توان در آنسلم دید. این تمام آشنایی آنها با ارسطوست اما از قرن ۱۰ تا ۱۲ این

فرانچسکو آسیری است که هیچ اعتقادی به استدلال و نظر ندارد. از نظر آنها سعادت و رستگاری، عشق است و عشق به عیسای مصلوب، نتیجه‌اش سعادت، رستگاری و کشف حقیقت است.

پیروان فرانچسکو از او خواستند که دستورالعملی بنویسد برای این که آنها با عمل به آن به کشف حقایق نائل شوند. فرانچسکو به آنها گفت تمام حقیقت در کتاب مقدس وجود دارد و شما نیز به هیچ کتاب دیگری نیاز ندارید. آنها آنقدر اصرار کردند که او این دستورالعمل را نوشت، اما آنقدر مشکل بود که پیروانش از آن پیروی نکردند.

استادیدی چون الکساندر هانسلیس و جان پکام آرام آرام نظر و استدلال را وارد فرقه رهبانی فرانسیسی کردند. بوناونتورا شاگرد الکساندر هانسلیس است. وی با توجه به سیری که در فرقه رهبانی فرانسیسی طی می‌شود برای اولین بار صاحب کرسی استادی در دانشگاه پاریس می‌شود که این همزمان با آکوئیناس است. اما باید توجه داشت که بوناونتورا به نظر و استدلال باور دارد، چون اگر چنین نبود نمی‌توانست استاد دانشگاه پاریس شود.

بنابراین به وضوح می‌توان گفت که توماس آکوئیناس تحت تأثیر آموزه‌های فلسفه اسلامی است. اما در مورد بوناونتورا با توجه به تحقیقاتی که من داشته‌ام تا الان هیچ سند متقنی که بتوان گفت بوناونتورا تحت تأثیر مستقیم آموزه‌های فلسفه اسلامی بوده است وجود ندارد.

اندیشمندان با ارسطو سینیوی شده و ابن رشدی شده مواجه می‌شوند. این آموزه‌ها پس از ورودشان پذیرفته می‌شوند، هرچند نحوه مواجهه با آنها متفاوت است. در مرحله اول دستگاه کلیسا در مقابل آنها مقاومت می‌کند، چون این آموزه‌ها با اعتقادات کلیسا همخوانی ندارد، اما به مرور در دانشکده فنون دانشگاه پاریس ارسطو به صورت پنهانی و با صبغه و رنگ اسلامی تعلیم داده می‌شود. در اوایل پاپ وقت آنها را تکفیر می‌کند. اما این جریان آنقدر ادامه پیدا می‌کند که این مواجهه ردی به اینجا ختم می‌شود که شاید بتوان از این آموزه‌ها هم در جهت اعتقادات کلیسا کمک گرفت. فرقه دومینیکنی که سرمدمدار و ماحصل آن توماس آکوئیناس است در این مواجهه بسیار مثبت عمل می‌کند. این فرقه با وجود این که رهبانی است اما به نظر و استدلال هم توجه دارد. به همین دلیل است که این آموزه‌ها از همان اوایل ورود در این فرقه رهبانی مورد توجه قرار می‌گیرد به طوری که ما با سنت توماس آکوئیناس کاملاً تأثیر آموزه‌های فلسفه اسلامی، به ویژه ابن سینا را می‌بینیم و با صراحت می‌توانیم بگوییم که توماس آکوئیناس تحت تأثیر ابن سینا قرار گرفته است. نمونه بارزش هم کتاب «در باب وجود و ماهیت (de ente et essentiali)» است که آکوئیناس در آن به طور مستقیم به «شفا»ی بوعلی سینا ارجاع می‌دهد و آنجایی هم که چنین نمی‌کند باز تأثیر بوعلی مشهود است. اما فرقه رهبانی دیگری به نام فرانسیسی وجود دارد که مؤسس آن



کاوه رحمانی

کازوئو ایشی گورو، یکی از نویسندگان نامدار معاصر است که در ایران او را با رمان «بازمانده روز» می‌شناسیم، هر چند که تقریباً همه آثار این نویسنده انگلیسی ژاپنی الاصل به فارسی ترجمه شده است. ایشی گورو در آخرین کتابش که یک مجموعه داستان به هم پیوسته است، به یکی از دلچسپی‌هایش که همیشه با او بوده پرداخته است. او در این کتاب به موسیقی در قالب پنج داستان پرداخته است؛ مساله‌ای که همواره به عنوان یک دغدغه جدی برای نویسنده اش مطرح بوده است. او با همین کتاب، نامزد دریافت جایزه فرانک اوکانر شد. ایشی گورو سال ۱۹۵۴ در شهر ناکازاکی ژاپن متولد شد اما در سال ۱۹۶۰ همراه خانواده اش به گلفورد انگلستان مهاجرت کرد. او در سال ۱۹۸۳ به عنوان یک استعداد جوان در کنار چهره‌هایی همچون مارتین امیس و ایان مک‌ایوان مطرح شد؛ زمانی که دومین کتاب خود را با عنوان «بازمانده روز» منتشر کرد. پس از آن، ایشی گورو چهار رمان دیگر منتشر کرد و کتابی که به تازگی منتشر کرده و «آوازهای شبانه» نام دارد، یک مجموعه داستان است. در ادامه گفت‌وگوی روزنامه گاردین با این نویسنده را خواهید خواند.

گفت‌وگو با کازوئو ایشی گورو، نویسنده کتاب «آوازهای شبانه»

رمان نویسنده باقی خواهد ماند

«مهاجران» او منتشر شد، متوجه آثار این نویسنده شدیم. بعد هم همه به آثارش علاقه مند شدند و بعد از آن هم در سال ۲۰۰۱ در آن حادثه تصادف با اتومبیل به طرز فجیعی مرد. من به دانشگاه «ایست انگلیا» که او در آن تدریس می‌کرد رفته بودم؛ آن موقع هیچ کس او را نمی‌شناخت. مسوولان این دانشگاه خیلی تلاش می‌کردند فرهنگ استفاده از نویسندگان را در دانشگاه مزبور جا بیندازند و به همین دلیل هم نویسندگان جنجالی زیادی را به این دانشگاه آوردند و احتمالاً بهترین نویسنده این دانشگاه کسی بود که در آنجا خیلی آرام و بی‌سر و صدا ادبیات تطبیقی تدریس می‌کرد. این به نظر من بسیار جالب است. موراکامی فرهنگ عامه آمریکایی و انگلیسی را با عناصر مشخص ژاپنی در هم می‌آمیزد...



بله، ولی به نظر من ژاپن همین طوری است. یک روز رفته بودم به سخنرانی کوروساوا درباره ۲۰ سال پیش گوش کنم؛ او دقیقاً به این نکته اشاره کرد. یک نفر از او پرسید: «شما چرا آثار شکسپیر را اقتباس می‌کنید؟ آثار این نویسنده آنقدر جهانی است که نمی‌توانید از پس آن بر بیایید» و کوروساوا هم در جواب گفت: «نه، این کار خیلی طبیعی است». دلش هم این بود که او با آثار شکسپیر و نویسندگان فرانسوی و روسی بزرگ شده بود. کوروساوا گفت: «یک ژاپنی معمولی همین طوری است». اگر به ژاپن بروید به وضوح می‌بینید که فرهنگ عامه و فرهنگ سنتی ژاپن با هم قاطی شده‌اند. بیشتر کتاب‌های شما از جمله «آوازهای شبانه» درباره افرادی است که به زندگی گذشته خود فکر می‌کنند. آیا هرگز خواسته‌اید چیز متفاوتی بنویسید؛ مثلاً یک شعر یا نمایشنامه؟

می‌کنم و با خودم می‌گویم: «اگر زمان این داستان را در دوران انقلاب کوبا قرار بدهم ممکن است خیلی جالب شود». من وقتی نخستین رمانم را به پایان رساندم برای زمان و مکان داستانم شهر ناکازاکی در پایان جنگ جهانی دوم را انتخاب کردم؛ در حالی که در آغاز، شهر «کورتوال» را انتخاب کرده بودم. نویسنده دیگری که شما آدم را به یاد او می‌اندازید «دبلیو. جی. زیبالد» است، چون او هم مثل شما تشرش دقیق و در عین حال مبهم است و سه راوی دارد که از زندگی و سرگذشت خود می‌گویند. البته آثار زیبالد را خوانده‌ام و قبل از اینکه از دنیا برود، او را چندبار دیده بودم، ولی نمی‌توانم بگویم سبک او بر کار من تأثیری داشته است. من تازه همین چند سال پیش چند تا از کتاب‌هایش را خواندم. او سال‌های سال بود در انگلیس به کار تدریس اشتغال داشت ولی ما سال‌های سال پیش، که ترجمه کتاب

نوشتن داستان کوتاه، خوانندگان کمتری خواهد داشت. اما همیشه دلم می‌خواست که یک مجموعه داستان منتشر کنم. می‌خواستم بدانم که مردم چه برخوردی با آن دارند. تاکنون میلیون‌ها نسخه از کتاب‌های شما در انگلستان به فروش رفته و به ۲۸ زبان دنیا ترجمه شده‌اند. آیا این نکته سبب نمی‌شود از تجربه‌گرایی پرهیزید؟

به این شکل آمار و ارقام را پیگیری نمی‌کنم، ولی به نظر من این روزها تفاوت زیادی بین نویسندگانی که کتاب‌هایشان پرفروش می‌شود و نویسندگانی که کتاب‌هایشان خوب نمی‌فروشد، وجود دارد. حتی نویسندگان خیلی معروف و آنهایی که برنده جایزه نوبل شده‌اند هم خیلی کم می‌فروشند. پس نمی‌توانم به راحتی فهمید که یک نویسنده چه جور زندگی‌ای دارد. ممکن است میلیون‌ها باشد و ممکن هم است از گرسنگی بمیرد. در دهه‌های گذشته، به‌خصوص برای نویسندگان انگلیسی زبان، این امکان به وجود آمده که بازار جهانی هم پیدا کنند. نویسندگان جوان آلمانی می‌گویند که بهترین راه رسیدن به شهرت در آلمان این است که یک رمان نویس موفق آمریکایی باشی. به نظر من تحسین برانگیز است که آلمانی‌ها نگاهی هم به بیرون از آلمان انداخته‌اند و نویسندگان آمریکایی یا در واقع بریتانیایی را دیده‌اند، ولی این موضوع تا حدودی من را نگران می‌کند اما در مجموع اینها سبب نمی‌شود که من از تجربه‌گرایی بترسم. شما داستان‌تان را با شخصیت شروع می‌کنید؟

اغلب داستان‌هایم را با روابط بین شخصیت‌ها یا سوال‌ها و مضمون‌ها شروع می‌کنم. مکان و زمان داستان را همیشه در انتهای داستان انتخاب می‌کنم. بزرگ‌ترین مشکل من موقع نوشتن رمان، همین انتخاب مکان و زمان داستان است. مثلاً نوشتن یک داستان را به پایان می‌رسانم و بعد کتاب‌های تاریخی را می‌گردم و مکان و زمان مورد نظر را جست‌وجو

نوشتن کتاب «آوازهای شبانه» برای شما چه حسی داشت؟

همواره خواسته‌ام فضاهای مورد علاقه‌ام را در کتاب‌هایم ترسیم کنم، فضایی که اغلب در سال‌های دهه ۱۹۲۰ قرار دارند. یعنی دوست دارم از آن فضای زمانی به عنوان ماده خام استفاده کنم. به همین دلیل است که در آثار مختلفی که از آن دوران به جای مانده، به دنبال ماده خام هستم. یکی از این موارد، ترانه‌هایی است که از آن روزگار به جای مانده. من همواره خواسته‌ام تا به عنوان یک رمان‌نویس، حرکتی رو به جلو داشته باشم، این است که تلاش می‌کنم از همه ابزار موجود استفاده کنم.

اما شما در آخرین کتابتان یک نویسنده مجموعه داستان هستید...

خیلی با این تعبیر موافق نیستم. درست است که این کتاب از پنج داستان تشکیل شده، اما من آن را مثل یک رمان نوشتم. یعنی خودکارم را روی کاغذ گذاشتم و از ابتدا شروع به نوشتن کردم، نه آنکه مجموعه چند داستانم را که در زمان‌های مختلف نوشته شده‌اند، گردآوری و بدل به یک کتاب کنم. من خودم را یک رمان‌نویس می‌دانم و فکر می‌کنم که گاه می‌توان به شیوه‌ای دیگر یک رمان را نوشت، مثل یک قطعه موسیقی کلاسیک که پنج موومان دارد، اما در نهایت اثری یگانه را تولید می‌کند.

یعنی شما کتاب خود را یک رمان می‌دانید؟

قطعا نه. من چند داستان کوتاه نوشته‌ام که البته می‌توان مثل یک رمان آن را خواند، اما به طور قطع شما با یک رمان طرف نیستید. اما من دوست نداشتم این داستان‌ها را به طور جداگانه منتشر کنم، درست مثل یک آلبوم موسیقی که نمی‌توان آهنگ‌های آن را به طور جداگانه منتشر کرد.

نگران مخاطب‌های احتمالی کتابتان نبودید که شما را به عنوان یک رمان‌نویس می‌شناسند؟ به طور قطع رمان خوانندگان بیشتری دارد و

خجسته کیهان: نقد هنجارهای مدرن در کتابی جهانی

مجموعه داستان «شبانه‌ها» آخرین اثر کازوئو ایشی گورو نویسنده بریتانیایی متولد ژاپن که در سال جاری میلادی منتشر شده است، توسط خجسته کیهان به فارسی ترجمه و در ایران منتشر می‌شود. این کتاب مجموعه پنج داستان کوتاه نوازندگانی است که هرگز به موفقیتی که انتظارش را داشتند نرسیده‌اند. خود ایشی گورو زمانی دوست داشته نوازنده یا ترانه‌سرا شود؛ اما به این آرزوی خود نرسید. «شبانه‌ها» مجموعه‌ای از پنج داستان کوتاه ایشی گورو است که امسال با نام اصلی «nocturnes five stories of music and nightfall» (شبانه‌ها: پنج داستان از موسیقی و شبانگاه) منتشر شده است.

این نخستین کتابی است که خجسته کیهان از این نویسنده بریتانیایی به فارسی ترجمه می‌کند. او که پیش‌تر ترجمه آثاری از پل استر، نویسنده آمریکایی و ماریو وارگاس یوسا، نویسنده پرویی را از موده است، درباره انگیزه‌اش برای ترجمه آخرین کتاب ایشی گورو می‌گوید: «من کارهای ایشی گورو را خوانده‌ام و همیشه از این آثار لذت برده‌ام. آخرین کتاب ایشی گورو امسال کاملاً تصادفی به دستم رسید و ارتباط عجیبی با آن برقرار کردم. شاید برای این که داستان‌های این کتاب یادآور موسیقی دهه‌های سی و چهل قرن میلادی گذشته است و من هم از این گونه

هست که آنها را به هم ربط می‌دهد. در واقع همه داستان‌ها در یک بستر واحد پیش می‌روند و همه آنها حول محور موسیقی می‌چرخند حتی یکی از شخصیت‌های داستان اول در داستان آخر کتاب بازمی‌گردد و دوباره در داستان وجود دارد. با این که نمی‌شود این کتاب را رمان دانست و بی‌شک «شبانه‌ها» یک مجموعه داستان است. اما قلم یک رمان‌نویس حرفه‌ای به این داستان‌ها رنگ و بوی خاصی داده و آن را به رمان هم شبیه کرده است.

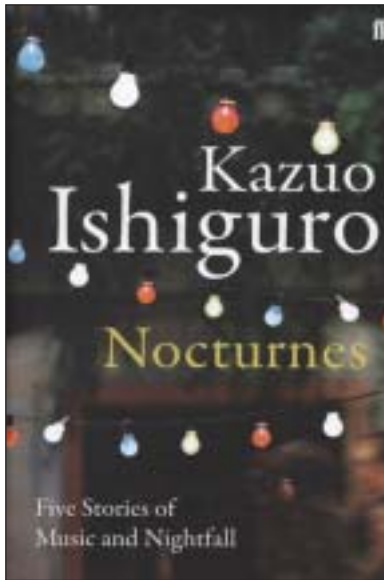
مترجم «شبانه‌ها» استفاده از طنز را اصلی‌ترین و قابل توجه‌ترین نکته این کتاب می‌داند و معتقد است داستان‌های این کتاب علاوه بر عنصر تکرار شونده موسیقی، پیوند مشهودی با طنز دارند. وی همچنین این کتاب را به نوعی نقد هنجارهای دنیای مدرن می‌داند و می‌گوید: «شبانه‌ها» را می‌توان کتابی دانست در نقد معیارهای رایج اجتماعی، نه این که نویسنده قضاوت کرده باشد و حکم صادر کند. او تنها برخی از معیارها و تناقض‌های هنجارهای دنیای مدرن را به تصویر می‌کشد.

وی دو ویژگی اصلی آثار ایشی گورو را تحلیلی قدرتمند و تئری شیوا برمی‌شمارد و درباره ترجمه آثار این نویسنده توضیح می‌دهد: «ایشی گورو در عین ساده و صریح نویسی، از اصطلاحات زبان انگلیسی بسیار استفاده می‌کند و زبان را به بازی می‌گیرد. او در این زبان بسیار چیره‌دست است و این امر ترجمه رمان‌های او را دشوار می‌کند. با این وجود سادگی زبان باعث می‌شود مترجم اگر تلاش کند بتواند ۸۰ یا ۹۰ درصد مفاهیم زبانی نثر اصلی را منتقل کند.»

موسیقی لذت می‌برم، کیهان مجموعه داستان «شبانه‌ها» را با سایر آثار این نویسنده متفاوت می‌داند. به باور او این که اولین بار است که این نویسنده داستان کوتاه را آزمایش می‌کند و نیز محتوایی که او در این اثر به کار بسته، باعث این تفاوت شده است. این مترجم در توضیح این اثر می‌گوید: «شبانه‌ها» اثری به غایت مدرن و امروزی است، هم وضعیت آدم‌های داستان و هم شخصیت‌های کتاب. مشکلات، امیدها و آرزوهایشان فقط در دنیای امروز قابل تصور است. از آن گذشته، این اثر مثل سایر آثار ایشی گورو، جهانی است. به این معنی که شهروند جهانی در هر کجای دنیا آن را می‌فهمد و با آن ارتباط برقرار می‌کند. مثلاً تم موسیقی که در همه داستان‌های این کتاب تکرار می‌شود، به هر حال موسیقی یک هنر عالمگیر است و مشکلات دست‌اندرکاران این هنر، کم یا بیش در همه دنیا شبیه به هم است. در عالم موسیقی به غیر از معدودی که به شهرت می‌رسند، سایر کسانی که در موسیقی کار می‌کنند، معمولاً برای گذراندن امور زندگی خود با مشکل مواجه هستند. این چیزی نیست که مثلاً فقط در اروپا وجود داشته باشد. ما در ایران هم این مسأله را درک می‌کنیم. این اشاره‌ها است که از اثر ایشی گورو، کتابی جهانی ساخته است.

ایشی گورو همیشه رمان‌نویس بوده اما این اولین تجربه او در داستان‌نویسی است. کیهان به عنوان مترجم این اثر، رد رمان‌نویس بودن این نویسنده را در داستان‌های مجموعه «شبانه‌ها» دیده است: رمان‌نویس بودن ایشی گورو در این مجموعه داستان‌های کتاب، باز هم عنصری

ماجراهایی در هم تنیده از موسیقی و شبانگاه



«کوه‌های مالورن» هم درباره دنیای موسیقی است، اما این بار نویسنده گریزی هم به دنیای موسیقی مدرن می‌زند و داستان جوانی را که در یک گروه راک گیتار می‌زند بازگو می‌کند. جوانک به دلایل متفاوت از لندن می‌گریزد و به کافه خواهر و برادرش در مالورن پناه می‌برد. در آنجا با توریست‌هایی آشنا می‌شود که آنها هم از دنیای موسیقی آمده‌اند.

«آوازهای شبانه» چهارمین داستان این مجموعه است که به عنصر پوچی می‌پردازد. «نکتورن» یا همان «آوازهای شبانه» روایت ساکسفون نوازی است با استعدادی چشمگیر. وی برای این که بتواند از هنرش پول بیشتری دریاورد به فکر عمل‌های جراحی می‌افتد و در این میان با لیندی گاردنر (که پیش‌تر در داستان اول از او به عنوان همسر تونی گاردنر یاد شده است) آشنایی می‌شود. او که به تازگی از همسرش (تونی گاردنر) جدا شده زمانی با این نوازنده ساکسفون آشنا می‌شود که هر دو برای فرار از مشکلات زندگی به هتلی پناه برده‌اند. درحاشیه این داستان، ایشی گورو در چند صحنه موفق شده خواننده را آنچنان بخنداند که خواننده حس پوچی خود را فراموش کند.

آخرین داستان این مجموعه، «نوازنده ویولن سل» نام دارد. این داستان را شاید بتوان انعکاس داستان اول دانست. خواننده در داستان اول با موزیسین موفق آمریکایی روبه‌رو می‌شود که دوران طلایی موفقیتش را پشت سر گذاشته، ولی در داستان آخر با شخصی روبه‌رواست که شاید در آینده بتواند نوازنده ویولن سل موفقی شود. او آنقدر این رویا را برای خود تکرار کرده که اطمینان دارد نوازنده ماهری است و حتی برای تدریس تبلیغ هم می‌کند اما بعد از هفته‌ها شاگردش متوجه می‌شود که استادش حتی ویولن سل هم ندارد.

هنرمند دنیای شناور

ایشی گورو در ژاپن به دنیا آمده و نام ژاپنی دارد. وی در تعدادی از مصاحبه‌هایش بارها گفته که چون در بچگی ژاپن را ترک کرده ارتباط بسیار کمی با آن فرهنگ دارد و در جایی این گونه می‌نویسد: «وقتی ژاپن را ترک کردم فقط ۶ سالم بود و تقریباً ۳۰ سال بعد دوباره به آنجا برگشتم. دو رمان اولم نیز به جرأت می‌توانم بگویم که در ژاپن کاملاً خیالی صورت گرفته است.» کازوئو ایشی گورو سپس به تحصیل پرداخت و توانست فوق‌لیسانس‌اش را در رشته نویسندگی خلاق بگیرد. در ۸ نوامبر ۱۹۵۴ میلادی در شهر ناگازاکی به دنیا آمد. در سال ۱۹۶۰ به همراه پدر و مادر و دو خواهرش به لندن نقل مکان کرد. پس از پایان دوران مدرسه او یک سال در سش را رها کرد و به آمریکا و کانادا سفر کرد و در آنجا به عنوان روزنامه‌نگار و نویسنده مشغول به کار شد. در ۱۹۷۴ تحصیل‌اتش را در دانشگاه کنت در رشته ادبیات انگلیسی و فلسفه ادامه داد. ایشی گورو تاکنون شش رمان و تعدادی نمایشنامه و داستان کوتاه نوشته است. او توانست در سال ۱۹۸۶ جایزه ادبی وایت برد را به دومین رمان خود «هنرمند دنیای شناور» اختصاص دهد. او طی سال‌های نویسندگی‌اش توانسته هفده جایزه ادبی را از آن آثار خود کند. در سال ۲۰۰۵ مجله تایمز فهرستی از ۱۰۰ کتاب برتر انگلیسی زبان را در مقاله خود چاپ کرد که «هرگز ترک مکن» جزو برترین‌ها بود. وی اکنون با همسر و دخترش در لندن زندگی می‌کند.

دلخراش و دردناک‌اند، اما لحظاتی ناب از خنده و شادی را در حاشیه خود نشان می‌دهند که می‌توان ایشی گورو را برای آن قابل تحسین دانست.

ایشی گورو، نویسنده ژاپنی الاصل در ۸ نوامبر ۱۹۵۴ در شهر ناگازاکی به دنیا آمد. در ۱۹۶۰ همراه خانواده‌اش به لندن نقل مکان کرد. او تحصیلاتش را در رشته نویسندگی خلاق تکمیل کرد.

وی تاکنون توانسته هفت رمان و تعدادی نمایشنامه به چاپ برساند و روی هم رفته هفده جایزه را از آن خود کند که از شاخص‌ترین آنها می‌توان به جایزه ادبی بوکر اشاره کرد که به رمان «بازمانده روز» تعلق گرفت.

«آوازهای شبانه» که آخرین اثر ایشی گورو است تنها چند ماه بعد از چاپ، توسط مهدی غبرایی ترجمه شده. این مترجم پیش‌تر اثر دیگری از این نویسنده را با نام «هرگز ترک مکن» به فارسی ترجمه کرده است. خجسته کیهان مترجم دیگری است که این مجموعه داستان کوتاه را با نام «شبانه‌ها» توسط نشر کتاب پارسه چاپ و روانه بازار کرده است.

یکی از موضوعات قابل بحث در این رمان نام آن است که نه تنها میان ایشی گورو و منتقدانش، بلکه در بین مترجم‌های فارسی زبان هم بحث را داغ نگه داشته است. ایشی گورو در این باره می‌گوید: «راستش مطمئن نیستم باید به این کتاب چه گفت.» غبرایی پیش‌تر در توضیح نامی که برای این کتاب برگزیده گفته است: ابتدا عنوان «شبانه‌ها» را برای این کتاب برگزیده بودم. اما به باورم این ترجمه کامل نیست. واژه «Nocturnes» معنای موسیقی یا آواز می‌دهد و عنوان «آوازهای شبانه» کامل‌تر است. اما خجسته کیهان که نام «شبانه‌ها» را برگزیده در دفاع از این عنوان گفت: نام کتاب ایشی گورو در مطبوعات فارسی زبان هم با همین نام ترجمه شده است. این عنوان برای خواننده فارسی زبان ناآشنا نیست و پیش‌تر برخی از شاعران برای سروده‌ها و ترانه‌های خود از آن استفاده کرده‌اند چرا که این عبارت موسیقی و شعر را هم در ذهن خواننده ایرانی تداعی می‌کند. از ایشی گورو در ایران کتاب‌های «بازمانده روز» با ترجمه نجف دریابندری، «وقتی یتیم بودیم» با ترجمه مژده دقیقی، «غروب آری، اما تنها» با ترجمه مریم ناظرزاده، «منظر پرده رنگ تپه‌ها» با ترجمه امیر امجد و «هرگز رهایم مکن» با ترجمه سهیل سمی به فارسی ترجمه و منتشر شده‌اند. همچنین دو سال پیش و هم‌زمان با تولد این نویسنده، انتشارات ققنوس کتاب دیگری از ایشی گورو با نام «تسللی ناپذیر» را با ترجمه سهیل سمی به بازار کتاب ایران عرضه کرد.

خورخه لویس بورخس، نویسنده آرژانتینی در جایی، هنری جیمز، نویسنده آمریکایی - بریتانیایی را در نگاه اول هنرمندی عمیق و ناشناخته معرفی می‌کند و می‌گوید: «بیشتر از زمینی بودن یک نویسنده و کمتر از رنگین بودن دیگران به نظر نمی‌رسد.» شاید بتوان همین توصیف را برای ایشی گورو، یکی از نویسندگان درخور توجه که در دهه هشتاد میلادی توانست نامش را به جهانیان شناساند هم به کار برد. منتقدان، آثار این نویسنده را به آزمایش خون تشبیه کرده‌اند! او در داستان‌هایش ابتدا انگار تنها سطوحی ساده‌رامی بیند، ولی در واقع مشکلات درونی را ریشه‌یابی می‌کند. با این که صدای ایشی گورو در تک‌تک صفحات رمان‌هایش شنیده می‌شود (وی همیشه از اول شخص برای روایت داستان‌هایش استفاده می‌کند) فضای آثارش بیشتر رویایی است. او می‌تواند عمق معنا را در جایی قرار دهد که خواننده کمتری انتظار آن را دارد. صدایی به نسبت دور و گنگ لایه‌لای کلماتش باعث می‌شود که به‌عجابه محتوایی بیفزاید و خواننده را در شوک حوادث پیش آمده، مهووت رها کند.

ایشی گورو در هفتمین اثر خود که «آوازهای شبانه» نام دارد، منشوری از جادوی هنر را به تصویر می‌کشد که گاه شاید کاری بغرنج و پیچیده باشد. این رمان سلسله‌ای از حوادث زنجیروار است که در قالب پنج داستان کوتاه خواننده را به دنبال خود می‌کشد.

مجموعه داستان «آوازهای شبانه» با روایتی به نام «ترانه خوان» آغاز می‌شود. داستانی آرام‌بادرونمایه‌ای افسرده. تونی گاردنر، خواننده آمریکایی مسنی است که همراه همسرش (لیندی گاردنر) به ونیز آمده است. طی این سفر او جن را که گیتاریستی از یک گروه موسیقی است استخدام می‌کند تا همراه هم‌زیر پنجره اتاق همسر خود در هتل آوازهای عاشقانه بنوازند. جن که خود روایت‌کننده داستان است از هم‌نوازی با گاردنر که خواننده‌ای مشهور به حساب می‌آید، آنقدر هیجان زده است که برای گاردنر از زندگی خود با مادرش می‌گوید. مادری که او را در فضای کمونیستی هلند با موسیقی بزرگ کرده. در انتهای هم‌نوازی آنها زیر پنجره، جن صدای گریه همسر گاردنر را می‌شنود و از این که توانسته با موسیقی، عشق را به این زوج مسن، برگرداند بسیار شاد می‌شود، اما نمی‌داند که حقیقت جای دیگری است.

داستان دوم «باران بیار یا نور بتاب» داستانی است نیمه‌کمدی که در لندن اتفاق می‌افتد. ایشی گورو این بار از معلمی روایت می‌کند که وطن خود را ترک کرده و تصمیم می‌گیرد با زوجی زندگی کند که در زمان دانشجویی با هم همکلاس بوده‌اند.

«آوازهای شبانه» از زبان نویسنده نمی‌دانم این کتاب چیست

پس از شش رمان، «آوازهای شبانه» اولین مجموعه داستان کوتاه ایشی گورو است. گرچه گبرایی عمیق زیبایی‌شناختی نوستالژیک این پنج داستان آنها را به هم ربط می‌دهد، اما می‌توان داستان‌ها را به صورت جدا از هم نیز خواند. البته او با تعریف اینچینی کتابش راحت نیست و به «آوازهای شبانه» به عنوان «کتاب داستان» اشاره می‌کند: «راستش مطمئن نیستم به این کتاب چه باید گفت. در برابر این که آن را مجموعه داستان کوتاه بنامم مقاومت می‌کنم چون گاهی رمان نویس‌ها مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاهشان را منتشر می‌کنند که در واقع مجموعه‌ای هستند از داستان‌هایی که در عرض مثلاً ۳۰ سال به صورت پراکنده نوشته‌اند اما من نشستم و این مجموعه را با قصد قبلی از آغاز تا پایان نوشتم. نمی‌دانم نویسندگان داستان کوتاه در این مورد چه می‌گویند اما این کتاب را همان‌طور که رمان می‌نویسم نوشتم. ادعا نمی‌کنم که نویسنده داستان کوتاه هستم و اصلاً مطمئن نیستم که شیوه

نوشتن داستان کوتاه درست باشد؛ من فقط این کتاب را تقریباً مثل یک رمان نویس نوشتم. شاید کمی متظاهرانه به نظر بیاید اما در برخی انواع موسیقی مثل سونات‌ها شما پنج قطعه کاملاً جدا از هم دارید که با هم اجرا می‌شوند.»

برخی معتقدند که ایشی گورو می‌خواسته تجربه‌ای هم در حیطه داستان کوتاه داشته باشد. شاید به همین دلیل است که اثرش را رمان نمی‌داند: «این اثر رمان نیست. نمی‌خواستم داستان‌ها آنطور که در رمان در هم تنیده می‌شوند با هم بیامیزند. بنابراین داستان کوتاه محسوب می‌شوند. اما همیشه گفته‌ام که دوست ندارم آنها جدا از هم منتشر شوند. این خواسته‌ام کمی غیرمنطقی است، چون آنها را جدا جدا نیز می‌توان خرید، اما شخصاً همیشه آنها را به صورت یک کتاب واحد دیده‌ام؛ یک کتاب داستانی که به پنج مومو (movement) تقسیم شده.» وی سپس جمله‌اش را تصحیح می‌کند و می‌گوید: «البته این مقایسه‌های موسیقایی را هم دوست ندارم، چون خیلی متظاهرانه به نظر می‌رسد. شاید بهتر باشد بگویم این کتاب بیشتر شبیه یک آلبوم موسیقی است. گاهی آدم دوست ندارد یک (Track) به صورت جدا منتشر شود.» او در تعریف کتابش مکث می‌کند و به سختی می‌تواند سبک

تعریف شده‌ای برای توضیح بیشتر کتابش بیابد. به نظرش داستان کوتاه خواننده خاص دارد و به همین دلیل فروش داستان‌های کوتاه بسیار کمتر از رمان‌های بلند است. او معتقد است مردم داستان کوتاه را سبک نمی‌دانند و طرفش نمی‌روند.

ایشی گورو در جایی خطاب به برخی منتقدانش می‌گوید: «آنها نویسندگان را لایه‌بندی می‌کنند. کتاب اول را می‌خوانند و انتظار دارند که در کتاب‌های بعدی نیز همان آدم قبلی را ببینند، اما این گونه نیست.» این نویسنده ژاپنی - بریتانیایی درباره خودش این گونه می‌گوید: «خیلی خوش شانس بوده‌ام چون همیشه در زمان مناسب و در جایی مناسب بوده‌ام و به موقع جوایز را از آن خود کرده‌ام. اگر شما هم دهنه‌ای از زندگی حرفه‌ای‌تان می‌گذشت و بعد از چاپ سه رمان جایزه بوکر را از آن خود می‌کردید، آنگاه اگر سیلی از انتقادات، شکست‌ها و پیروزی‌ها به سمتتان هجوم می‌آورد، شکست نمی‌خوردید. من با زندگی و آثارم آشنا هستم. گاهی احساس خطر می‌کنم و آن، زمانی است که با خودم می‌گویم به عنوان نویسنده حتماً چیزی هست که نوشتنش باید برایم سخت باشد و در آن لحظه اثری جدید خلق می‌شود.»

در هفته گذشته از نظر انتشار کتابهای چاپ اول، انتشارات سازمان بهارستان کشور با نوزده عنوان کتاب پرکارترین ناشر و فریده میثاقیان با سیزده عنوان پرکارترین مؤلف و فرزاد توکلی با هشت عنوان پرکارترین مترجم بوده‌اند.

گزارش آماری هفته

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع‌رسانی خانه کتاب* بر اساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه از سه شنبه ۸۸/۷/۲۵ تا چهارشنبه ۸۸/۷/۲۹، ۱۱۳۷ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتابها در موضوع آموزش و کمک‌درسی و سپس علوم عملی بوده است پس از آن به ترتیب موضوعات دین، ادبیات، علوم اجتماعی و سایر موضوعات قرار دارند.

شاخص‌های آماری کتابهای بزرگسال

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزاترین کتاب	۳۰۰۰ ریال	پوسد، حسن نامدار، ناشر: سفیدسار، چاپ ۱، ۲۲ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۳۹۲۰۰۰ ریال	Fred Davison - Immunology Avian، ناشر: پردیس باورن، چاپ ۱، ۵۰۸، ۶ صفحه
کمترین شمارگان	۳۰۰ نسخه	۳
بیشترین نوبت چاپ	۲۲ مرتبه	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، اصلاحات و تغییرات و تبیین قانون اساسی مصوب ۱۳۷۸، ناشر: دوران، ۱۲۸ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۱۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۵۰۰۰۰ نسخه	آموزش نماز، سید کاظم ارفع، ناشر: پیام عدالت، چاپ ۱، ۲۲، ۱۳ صفحه
بیشترین صفحه	۱۲۰۶ صفحه	دوان ملکانشرهای بهار، محمد علی بهار، ناشر: نگاه، چاپ ۱، ۲۰۰۰ نسخه، ۱۷۵۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۴ صفحه	شخصی روز توکلی، علی شهبان، محمدایاتی، ناشر: روزبهار، چاپ ۱، ۱۰۰۰ نسخه، ۷۰۰۰ ریال

گزارش آماری کتابهای منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تایف*	ترجمه	چاپ اول	جدید چاپ	تیراژ	شمارگان متوسط	حجم صفحه
۱	کلیات	۲۹	۲۶	۲	۲۲	۷	۲۸	۲۰۶۱	۲۴۶
۲	فلسفه و روانشناسی	۳۹	۲۲	۱۷	۱۶	۲۰	۳۱	۲۲۶۱	۲۷۱
۳	دین	۱۷۲	۱۵۴	۱۸	۱۲۳	۴۹	۸۷	۳۹۶۳	۳۰۸
۴	علوم اجتماعی	۱۰۳	۷۷	۲۶	۳۸	۳۵	۹۲	۲۱۱۱	۲۹۰
۵	زبان	۴۵	۴۴	۱	۲۰	۲۵	۳۳	۲۷۲۳	۲۸۱
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۴۴	۴۵	۹	۲۷	۱۷	۲۴	۲۵۶۵	۲۹۶
۷	علوم عملی	۱۸۶	۱۴۱	۴۵	۱۲۴	۶۲	۱۵۲	۲۰۱۲	۲۷۵
۸	هنر	۲۹	۱۶	۱۳	۱۷	۱۲	۲۵	۲۲۶۹	۱۸۹
۹	ادبیات	۱۴۰	۱۲۹	۱۱	۶۶	۷۴	۱۲۱	۱۶۵۷	۲۶۴
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۳۷	۳۴	۳	۲۴	۱۳	۳۱	۴۷۲۸	۲۱۲
۱۱	آموزش و کمک‌درسی**	۲۲۲	۲۲۰	۲	۱۵۸	۶۴	۲۱۲	۲۲۰۶	۲۳۹
۱۲	کودک و نوجوان	۹۱	۸۵	۶	۳۶	۲۹	۷۷	۳۵۹۹	۹۸
	جمع بندی	۱۱۳۷	۹۵۲	۱۸۴	۶۳۲	۵۱۴	۹۲۲	۲۸۹۹	۲۵۶

* تایف: به نام آثاری اصلاحی می‌رود که ترجمه باشد. آثاری چون تصحیح، ترمیم، گردآوری، تحقیق، جمع و تفکیک
 ** شامل: از موضوع آموزش و کمک‌درسی کلیه کتابهایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه‌های آموزشی تمام مناطق تحصیلی ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان مربوط است و مطالب آنها دانش‌آموزان از پیش‌دبستان تا دبیرستان را می‌پوشاند.

شاخص‌های آماری کتابهای کمک‌درسی

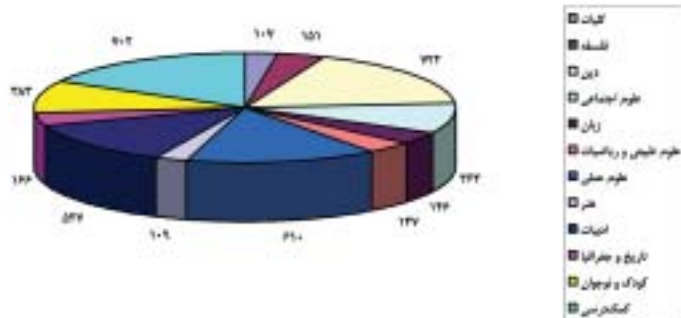
شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزاترین کتاب	۷۰۰۰ ریال	بهار بخوانیم اول دبستان؛ راهنمای اولیا بر اساس کتابهای بخوانیم و بنویسیم؛ مهرش طهری، ناشر: قدیانی، کتابهای بنفشه، چاپ ۱، ۱۲، ۴۸ صفحه، ۲۲۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۲۹۰۰۰ ریال	آموزش تخصصی ساخت و تولید؛ رشته مهندسی مکانیک؛ محمدرضا رازقی، ناشر: اسپهان، چاپ ۱، ۷۲۰ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۲۲۲ مرتبه	دقت برنامه‌ریزی به روش فلوجی؛ کاتو فلوجی، ناشر: گانوی فرهنگس آموزش، ۱۸۴ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۳۶۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۱۰۰۰ نسخه	دیکشنری سبب دوم دبستان؛ راهنمای اولیا؛ بر اساس کتابهای بخوانیم و بنویسیم؛ مهرش طهری، ناشر: قدیانی، کتابهای بنفشه، چاپ ۱، ۱۷، ۴۸ صفحه، ۷۰۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	الکترونیک؛ کنکور کارشناسی؛ پوسته نس حرفه‌ای - کار دانش؛ مجموعه‌های آزمون‌های تخصصی همراه با پاسخ کوشش بیرواسی، آزاد ... غیرفنا الوندی، ناشر: پیش‌دانشگاهیان، چاپ ۱، ۲، ۶۰۸ صفحه، ۹۵۰۰۰ ریال

شاخص‌های آماری کتابهای کودک و نوجوان

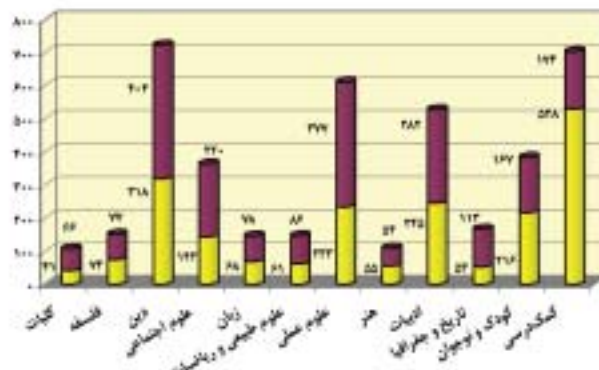
شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتابها
گرانترین کتاب	۸۰۰۰۰ ریال	دوران پیش از تاریخ؛ حیات در دوره اول (مجموعه اول)؛ دوکال دیگسون، نوشتن ابراهیم، ناشر: پیدایش، چاپ ۱، ۹۸، ۱۶ صفحه، ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۱۶ مرتبه	کفش قرمزی و فرس خروستکی، ناشر: گوهر دانش، ۲۴ صفحه، ۵۰۰۰ نسخه، ۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۵۰۰۰ نسخه	کتاب تصویری جانوران، ناشر: قصر کتاب، چاپ ۱، ۱۲، ۱۲ صفحه، ۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	گلهای بهشت، مرصیه تصویری، ناشر: مرصیه تصویری، چاپ ۱، ۲۴ صفحه، ۳۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۳۷۴ صفحه	سوزن باخیز؛ مجموعه داستان ویژه نوجوانان؛ حمید نوایی لوسانی، ناشر: نگاه (مجموعه کتاب ایران)، چاپ ۱، ۲، ۳۰۰۰ نسخه، ۴۵۰۰۰ ریال

آمار کتابهای همراه در یک نگاه

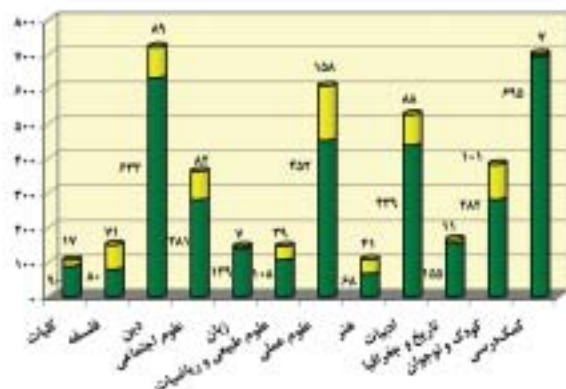
تعداد آماری کتابهای منتشرشده در مهرماه ۱۳۸۸ به تفکیک موضوع (در مجموع ۴۱۳۳ عنوان)



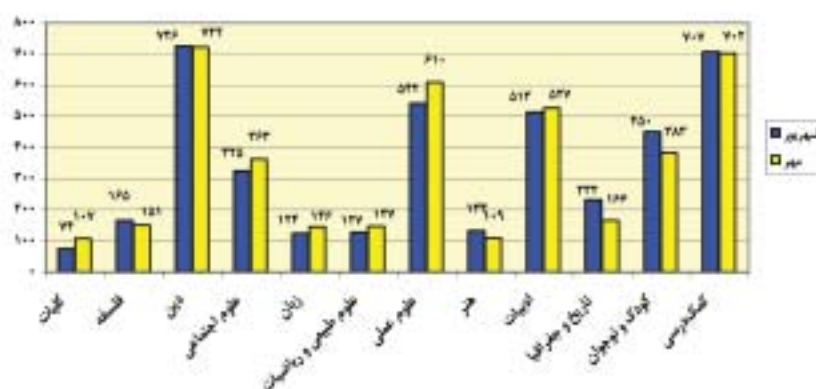
تعداد آماری کتابهای منتشرشده در مهرماه ۱۳۸۸ به تفکیک چاپ اول و چاپ مجدد



تعداد آماری کتابهای منتشرشده در مهرماه ۱۳۸۸ به تفکیک تایف و ترجمه



تعداد مقایسه‌ای کتابهای منتشرشده در شهریور و مهرماه ۱۳۸۸ به تفکیک موضوع





بررسی ضرورت تدریس کتاب درسی در ساعت ورزش مدارس

زنگ بی کتاب، وعده های بی حساب!

بی برنامه گی برای استفاده از کتاب در زنگ ورزش و علمی کردن یکی از کلاس های درس آموزش و پرورش دارد.

این ناهماهنگی تاکنون ادامه دارد و شاید با تدوین یک واحد درسی همراه با کتاب مشخص از آن کاسته شود و توجه معلمان و دانش آموزان در ساعت ورزشی بیشتر شود.

وی با بیان این که «اگر بخواهیم نگاهی علمی به زنگ ورزش داشته باشیم و ورزش را شاخه ای از علم بدانیم، باید کتابی برای انتقال این علم به دانش آموزان وجود داشته باشد» می افزاید: «با توجه به ناهماهنگی دبیران ورزش، آموزش های متفاوت آنها و همچنین سردرگمی که برای دانش آموزان به ویژه در روز امتحان ورزش به وجود می آید، باید هر چه سریع تر کتاب ورزش تدوین و ارائه شود.»

ساعت بی ارزش ورزش!

ابوالفضل اصغر پور، از دانش آموز دبیرستانی شهر تهران، درباره زنگ ورزش می گوید: «زنگ ورزش برایمان به زنگ تبدیلی تبدیل شده است. اکثر اوقات دبیر ورزش نداریم و با یک توپ سرگرم می شویم. طوری که تمام ساعات زنگ ورزشی مان بی ارزش و بیهوده تلف می شود.»

وی در جواب این سوال که دوست داری کتابی در زمینه ورزش در زنگ ورزش مطالعه کنی می گوید: «بسیار علاقه مندم بخشی از ساعت ورزش را آموزش ببینم و مطالعه داشته باشم، نه این که در روز امتحان ورزش که در معدلمان تاثیر گذار است، چیزی را امتحان بدهم که اصلا در طول سال آموزش ندیده ام.» آنچه مسلم است این که زنگ ورزش مدارس در مقاطع مختلف تحصیلی مدارس به علت بی بهره بودن از مبانی علمی و وجود نداشتن کتابی خاص برای آموزش دادن دانش آموزان و مراجعه آنها به آن کتاب، از کیفیت لازم تا حد بسیار زیادی دور است. ضمن این که زوایای گوناگون علم تربیت بدنی همچنان برای دانش آموزان ما نامشکوف باقی می ماند. اگر این گونه نبود شاید عده کمتری از دانش آموزان در دام معضلاتی نظیر استفاده از فرآورده های خونی و مواد نیروزای غیرمجاز (دوپینگ) گرفتار می شدند، زیرا آنچه آدمی را از گرفتاری می رها کند دانایی و پابندی او به علمش است، اما وقتی هیچ کتابی برای یکی از مهم ترین زنگ های درسی مدارس وجود ندارد، نمی توان انتظار داشت که دانش آموزان نیز برخوردار از مناسب با موضوعات مرتبط با ورزش و تربیت بدنی از جمله دوپینگ داشته باشند.



زنگ ورزش؛ زنگ بی کتابی

محمد رضا جوادی، مدیر یکی از مدارس پسرانه راهنمایی تهران، دامنه کار در زنگ ورزش را گسترده می داند و درباره ضرورت استفاده از یک روش واحد و مشخص برای تهیه و تدوین کتابی علمی برای دانش آموزان در زنگ ورزش می گوید: «باید علائق بچه ها را در نظر گرفت و توجه داشت که علائق آنها متفاوت اند، زیرا دست کم آنها از نظر وضعیت جسمانی تفاوت دارند. به طور مثال نمی شود درباره فوتبال یک کتاب تدوین کرد و در زمینه رشته های دیگر هم کتاب نوشت بلکه باید کتابی تهیه شود که در زمینه اطلاعات ورزش همگانی نظیر نرمش، آمادگی جسمانی و تندرستی باشد تا با وجود تفاوت های فردی، از آن استفاده شود.» جوادی درباره این که چرا معیاری مشخص و واحد در زمینه تدریس در زنگ ورزش مدارس برای دانش آموزان وجود ندارد، می گوید: «آموزش و پرورش معیارهایی را مشخص کرده و معلمان ما هم طبق همان معیارها پیش می روند و این بستگی به مدیر مدرسه دارد که در صورت عدم پیگیری شاخص های تعیین شده، نحوه برگزاری کلاس ورزش را تغییر دهد.» به گفته جوادی، اکنون کتاب راهنما و لوح آموزشی به اختیار معلمان به دانش آموزان داده می شود. البته همین ادعا نیز به خوبی حکایت از

تغییر وضعیت ورزشی در مدارس باشیم.» البته این وعده بنیادی چه زمانی تحقق می یابد را، باید منتظر ماند و به امید روزی نشست که دانش آموزان با کتاب وارد کلاس درس ورزش شوند.

معاون پرورشی تربیت بدنی آموزش و پرورش تهران بر تدوین و طراحی کتاب های آموزشی متناسب با نیازها و امکانات آموزشی تاکید دارد و می گوید: «جمله معروف «عقل سالم در بدن سالم» را بارها شنیده ایم و تاکید بر آن، تکرار مکررات است. همه می دانند ورزش چقدر برای سلامتی جسم و جان مهم است، لذا باید ورزش را با ارائه کتاب علمی، ورزشی که به افزایش آمادگی جسمانی، تغذیه و ورزش، ایمنی در ورزش و آشنایی با رشته های ورزشی از پایین ترین سطح همراه با اهداف تربیت بدنی تدوین شده باشد، برگزار کنیم.» بنیادی در پاسخ به این سوال که آیا ضرورت دارد معلمان ورزش در زمینه آموزش کتاب های ورزشی در دست تدوین، آموزش ببیند می گوید: «معلمان ورزش آموزش دیده اند، البته غیر از معلمان مقطع ابتدایی که برای آنها هم برنامه آموزشی داریم، زیرا زنگ ورزش هم جنبه آموزشی و هم جنبه پرورشی دارد و یک معلم ورزش متخصص می تواند اثر تربیت پذیری بیشتری روی دانش آموزان بگذارد.»

در برنامه هفتگی مان همیشه ساعت ورزش را علامت می زدیم، مثل تمام نکات مهم درسی، تا یادمان باشد و سعی می کردیم در آن روز غیبت نکنیم. با شنیدن صدا و زنگ ورزش که بیشتر برایمان اوقات مفرح و شادی را به همراه داشت، بدون هیچ پرسش و پاسخی، درس و کتاب را با چند توپ والیبال و بسکتبال که گاهی کم باد هم بودند، عوض می کردیم و معلم ورزش هم در گوشه ای از حیاط محو تماشای بچه ها می شد.

اما با نزدیک شدن به زمان امتحان این شرایط تغییر می کرد؛ آن وقت که دیگر از آن زنگ ورزش با آن توپ ها خبری نبود و مجبور بودیم ورزش هایی مانند بارفیکس و دو و میدانی را انجام بدهیم، در حالی که نیازمند نرمش و تمرینات در طول سال و با استفاده از مبانی علمی برگرفته از آثار مکتوب به صورت مکرر بودند، اما دریغ از آموزش صحیح در تمامی زنگ های ورزش، زنگ هایی که همگی بدون استفاده و بهره مندی از کتاب ورزشی برگزار می شدند.

بدون شک ورزش یک علم است، علمی که انتقال آن بدون استفاده از علوم مندرج در کتاب های ورزشی امکان پذیر نیست. وقتی کلاس یا زنگ ورزش مدارس بدون مطالعه حتی یک کتابچه راهنما برگزار می شود، این سوال به ذهن می آید که چطور می توانیم یک علم را بدون رجوع به کتاب منتقل کنیم؟ اساسا اگر قرار است کتابی برای این درس در مدارس نداشته باشیم، بهتر نیست اسمش را می گذاشتند زنگ تفریح!

در این گزارش سعی شده است به ضرورت وجود کتاب و بهره گیری از مبانی علمی در زنگ ورزش مدارس پرداخته شود.

محمد بنیادی، معاون پرورشی تربیت بدنی آموزش و پرورش، درباره ضرورت تدوین کتاب ورزشی برای دانش آموزان می گوید: «با توجه به حساسیتی که در آموزه های دینی درباره ورزش به ویژه در رشته های شنا، تیراندازی و اسب سواری وجود دارد، سعی داریم از لحاظ علمی به این مسأله توجه ویژه ای داشته باشیم.»

وی با اشاره به اهمیت ورزش و ضرورت نگاه علمی به زنگ ورزش که دانش آموزان هم به آن بسیار علاقه مندند، ادامه می دهد: «ما کتابی علمی ورزشی را در سطح مدارس ابتدایی، راهنمایی طراحی کرده ایم. اکنون این طرح در صورت تدوین نهایی در وزارتخانه در حال انجام شدن است تا به صورت همگانی در مدارس تدریس شود و شاهد

نگاهی به کتاب «نظریات جدید جامعه شناسی و ورزش» شناخت؛ لازمه پیشرفت ورزش



اکرم دستان؛ ورزش در دنیایی پیچیده و پیشرفته، بیشتر به عنوان فرصتی برای خلاقیت و بروز توانمندی های شناخته می شود و توانسته است جایگاه خود در مجامع بین المللی پیدا کند و به نحوی غیر قابل انکار بر مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اثر گذار باشد.

کتاب «نظریات جدید جامعه شناسی و ورزش» تألیف دکتر محمد رضا مهر آئین، نگاهی دارد بر تحلیل هایی از ورزش و ارتباط آن با محیط اجتماعی از دیدگاه صاحب نظران حوزه جامعه شناسی.

بیشتر مطالعات ورزشی به طور آشکار می توانند موجب توسعه

نظریه پردازان اجتماعی شوند، به نحوی که آنان بتوانند به طور فزاینده مفاهیم ادعا شده را آزمایش کنند و آنها را توسعه دهند. نویسنده در این کتاب برای پاسخگویی به نیاز جامعه مخاطب، نظریه صاحب نظران حوزه جامعه شناسی نظیر مرتون، هابرماس، گیدنز، بوردیو، فوکو، میلز و گرامشی را که به طور روشن تاثیر مفهومی تمرین در مطالعات علمی، اجتماعی ورزش، فرهنگ و اوقات فراغت را بیان می کند، پرداخته و از دیدگاه صاحب نظران نیز بهره جسته است.

دکتر محمد رضا مهر آئین، نویسنده کتاب در مقدمه کتاب آورده است: «دیدگاه پیر بوردیو که خودش را به عنوان یک جامعه شناس هدایت گر تثبیت کرده است و کار او تاثیر جهانی عمیقی از طریق علوم اجتماعی در جهان داشته نیز در این زمینه مطرح است. بوردیو می گوید که نظریه اجتماعی باید به طرف تحقیق تجربی در زندگی کنشگران اجتماعی هدایت شود. در نظر او، تقسیم طبقاتی او از طریق تفاوت هایی در اقتصاد، تعلیم و تربیت، فرهنگ و منابع اجتماعی و ورزش تشخیص

داده می شود. بنابراین، اشکال ورزش به طور برجسته ای در کار بوردیو از ورزش علیه فردگرایی آمریکایی و در توجه به انسجام گرای فرانسیسی و در نتیجه استقرار یک مدینه فاضله از یک سری سیاست های اجتماعی است که با هدایت دولت باعث تقویت روحیه ورزشی و ابعاد انسجام اجتماعی می شود.»

این کتاب در ۱۴ فصل به فرایندهای ورزش از زاویه های متفاوت نگریسته و با عنوان نظریه یک جامعه شناس به ورزش آن را به بحث گذاشته است و در کندوکاوهای خود به اهمیت ورزش و جایگاه آن و از همه مهم تر اثرگذاری آن اشاره کرده است، اما آنچه در این کتاب، بیشتر به چشم می آید، کمرنگ بودن حضور نظریه پردازان شرقی و ایرانی در یافته های کتاب است، در صورتی که می توان در کنار این نظریه های کارآمد، با در نظر گرفتن دیدگاه های شرقی و ایرانی، ورزش را به طور دقیق تر به رفع کاستی ها سوق دهد.

کتاب «نظریات جدید جامعه شناسی و ورزش» با شمارگان هزار نسخه و قیمت چهار هزار تومان روانه بازار نشر شده است.



روایت اول شخص

مدیریت شاعرانه

■ فاضل نظری، شاعر



به تازگی چاپ چهارم مجموعه شعر «آن‌ها» شامل ۵۱ غزل از من، توسط انتشارات سوره مهر روانه بازار نشر شده است. همچنین این انتشارات شعرهایم را در مجموعه‌های «گریه‌های امپراتور»، «اقلیت» و «آنها» را در قالب یک مجموعه سه گانه منتشر کرده است.

این روزها کتابی در حوزه مدیریت را در دست تالیف دارم. «نظام تصمیم‌گیری استراتژیک فرهنگی» عنوان این کتاب است که بیشتر به مولفه‌های موثر در سازمان‌های فرهنگی در حوزه تصمیم‌گیری می‌پردازد. تصمیمات بلندمدت در سازمان‌های فرهنگی نقش جدی‌تر و بارزتری دارند. به همین منظور ضرورت انتشار یک اثر پژوهشی در حوزه تصمیمات استراتژیک فرهنگی و مدیریت فرهنگی را احساس می‌کردم.

شاید اهالی قلم تنها من را به عنوان یک شاعر بشناسند، اما رشته تحصیلی‌ام در حوزه مدیریت بوده و همواره به پژوهش و تالیف در این حوزه علاقه‌مند هستم. فعالیت‌های اخیرم در ترجمه آثار مربوط به مدیریت هم در راستای همین علاقه است و عجیب هم نیست کسی که در این رشته تحصیل کرده‌به ترجمه کتاب در این حوزه بپردازد، حتی اگر شاعر باشد.

تئاتر برای کودکان

■ سید حسین فدای حسین، نویسنده



به تازگی چهار عنوان کتاب در حوزه تئاتر کودک به قلم من منتشر شده است. «گزیده یک قرن ادبیات نمایشی کودک و نوجوان» نوشته راجر بدارد، پژوهشگر و منتقد تئاتر یک مجموعه دو جلدی شامل ۱۳ نمایشنامه خارجی است که در ۱۰۰ سال گذشته بهترین اجرا را داشته‌اند.

این نمایشنامه‌ها توسط مترجمان خانه تئاتر دانشگاه ترجمه شده‌اند و انتخاب، ویرایش و تصحیح آنها بر عهده من بوده است.

«تئاتر و کودکی» عنوان کتاب دیگری درباره نظریه‌های مرتبط با تئاتر کودک در ۵۰ سال گذشته است. این کتاب در هفت فصل چشم‌اندازی بر مباحث نظری درباره تئاتر کودک و نوجوان را ارائه می‌دهد. مشکل کمبود منابع علمی و پژوهشی در حوزه تئاتر کودک و نوجوان، باعث شده این‌گونه نمایشی پس از یک قرن از شکل‌گیری آن هنوز در پاسخگویی اولیه درباره ماهیت و کارکرد دچار مشکل باشد. از این رو سعی کرده‌ام در این کتاب به برخی پرسش‌ها درباره کارکرد تئاتر کودک و نوجوان پاسخ دهم.

همچنین «کارگردانی تئاتر کودک و نوجوان» نوشته هلنا روزنبرگ با ترجمه فاطمه حسینی یک کتاب نظری و علمی در حوزه کارگردانی تئاتر کودک و نوجوان است و تصحیح من نیز به تازگی منتشر شده است. حدود بیست سال پیش با این کتاب آشنا شدم و تنها فرصت تهیه کپی کتاب را پیدا کردم. کتاب بسیار قدیمی است، ولی از آنجایی که تعداد کتاب‌های منتشر شده در حوزه تئاتر کودک و نوجوان بسیار کم است، این اثر ترجمه و به چاپ رسید.

مخاطب با خواندن این کتاب با اصول تئاتر کودک

و نوجوان از دیدگاه کارگردان مواجه می‌شود. تمامی این کتاب‌ها توسط انتشارات نمایش روانه بازار نشر شده‌اند. اما اخیراً زمانی برای بزرگسالان در حوزه جنگ با عنوان «خواب یوسف» توسط انتشارات مدرسه منتشر شده است. داستان این کتاب درباره فرمانده‌ای است به نام یوسف که در دوران جنگ تحمیلی دچار مجروحیت شده و به کما رفته و پس از ۲۰ سال مجدداً به زندگی بازمی‌گردد.

البته این روزها نگارش رمانی برای نوجوانان با عنوان «پسر پرواز» را در دست دارم که هنوز ناشی برای آن برنگزیده‌ام. اما داستان درباره پسری است که به پدر جانبازش که در زمان جنگ خلبان بوده، در بازگشت به زندگی روزمره کمک می‌کند. نگارش این کتاب تا پایان امسال به پایان خواهد رسید.

همچنین چند نمایشنامه در دست نگارش دارم که یکی از آنها «سپیده‌دم» نام دارد و درباره موضوع انقلاب اسلامی ایران است. نشر نیلانیز نمایشنامه‌ای با عنوان «فرات» را درباره واقعه عاشورا از من منتشر خواهد کرد. «طوفان» نمایشنامه دیگری در همین حوزه است که نوشته‌ام اما هنوز ناشر آن مشخص نشده است. اخیراً نیز برای چاپ دوم نمایشنامه «تپه افلاک» (نمایشنامه‌ای عاشورایی) با انتشارات امیرکبیر قرارداد منعقد کرده‌ام.

بر اساس فعالیت‌های جشنواره تئاتر کودک در چند سال گذشته برای انتشار کتاب و منابع علمی در این حوزه، ترجمه، تصحیح و تدوین هشت عنوان کتاب به من داده شده و در آینده در دست اقدام است.

ترجمه‌های پلیسی و جنایی

■ شهریار وقفی پور، مترجم



اخیراً کتاب‌هایی در حوزه ادبیات پلیسی و جاسوسی را ترجمه و توسط نشر هرمس منتشر کرده‌ام. «تقابلی برای دیمتریوس» نوشته اریک ام‌لر از مشهورترین نویسندگان ادبیات جاسوسی و نخستین نویسنده‌ای که ادبیات جاسوسی را با ادبیات جدی تلفیق کرده از جمله این کتاب‌هاست. همچنین ترجمه دو اثر دیگر با عنوان‌های «در محاصره» و «سفر به انتهای هراس» از این نویسنده و در همین زمینه به پایان رسیده و مراحل اداری انتشار را طی می‌کند.

در سری کتاب‌های پلیسی این انتشارات نیز سه کتاب را ترجمه و به ناشر سپرده‌ام. دو اثر از ژرژ سیمون، نویسنده بلژیکی و خالق شخصیت خیالی و معروف «کارگاه مگره» با عنوان «مگره و صد چوبه دار» و «مگره و مرد تنها» و همچنین اثری از نویسنده آمریکایی جان فرانکلین مباردین با نام «اهریمنی که خرگس را قاتل کرد» این کتاب‌ها ترجمه شده‌اند که روانه بازار کتاب ایران می‌شوند.

هر یک از این کتاب‌ها از نظر فضا و مضمون رویکردی جنایی دارند. در آنها در حقیقت به نوعی جنایت و ادبیات با هم پیوند می‌خورند و شاید نگاهی جدید به ادبیات پلیسی و جنایی را موجب شوند. این سه کتاب می‌توانند سرآغاز یک سری کتاب در ژانر پلیسی و کارآگاهی باشند. به ویژه آن‌که در سنت داستان‌نویسی ما کارگاه‌نویسی غایب است.

نشر چشمه نیز ترجمه من از مجموعه داستانی با عنوان «معمای کلاه فروش» شامل چهار داستان کوتاه از ژرژ سیمون، فردریک براون و اریک ام‌لر را در دست انتشار دارد.

همچنین دو کتاب دیگر درباره روانکاوی و مسأله شر در برگیرنده مجموعه مقالاتی در این زمینه توسط همین انتشارات در دست اقدام است. متأسفانه عنوان این دو کتاب را فراموش کرده‌ام، اما در کتابی که به مسأله‌های شر می‌پردازد چند مقاله از ژرژ باتای و تعدادی مقاله درباره مفهوم «هیولا» آورده شده است.

اخیراً نگارش یک مقاله بلند با عنوان «پس از بابل» به همراه نقد داستان «بوف کور» و نظریه ادبی درباره رمان را به پایان رسانده‌ام که این کتاب‌ها در آینده توسط نشر مروارید منتشر خواهد شد. همچنین کتابی

شامل مجموعه مقالاتی درباره «جامعه‌شناسی هنر» شامل مقاله‌هایی از تودور آدرنو، والتر بنیامین، زیگفرد کراکور، ماکس هورکهایمر، هریبرت مارکوزه و سایرین توسط این انتشارات در دست انتشار است. در کنار ترجمه آثاری از این دست به تالیف رمان نیز می‌پردازم. رمان‌های «یک دیو، دو بطری، سه پیغام»، «رنگین کمان سوخته» و «درجه صفر کشتار» با موضوعات «جنایت و روان‌شناسی» و «جنایت و متافیزیک» در آینده توسط نشر چشمه روانه بازار نشر خواهند شد.

کتاب‌های اطلاع‌رسان

■ موسی محمدی، مدیر نشر چاپار

به تازگی سه کتاب توسط نشر چاپار روانه بازار نشر شده است. «سنجش منابع و نظام‌های الکترونیکی» (برای متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی) ترجمه رضا رجبعلی بگلو و علی اکبر خاصه، «جغرافیای جهانی شدن» ترجمه جعفر جوان و عبدالله عبداللهی و «مجموعه‌سازی مشارکتی» ترجمه مهدی شقاقی و حسین مختاری معمار عنوان این کتاب‌ها هستند.

اما تعدادی کتاب نیز در دست انتشار است که تا حدود دو هفته دیگر روانه بازار نشر خواهند شد. «سیری فلسفی در سبهر اطلاعات» و «فلسفه اطلاعات» ترجمه و تالیف محمد خندان از شاخص‌ترین کتاب‌های این حوزه هستند. «فلسفه اطلاعات» نخستین کتاب با این عنوان و موضوع در زبان فارسی است و به چستی اطلاعات، دینامیک آن و گستردگی تاریخش می‌پردازد.

از دیگر کتاب‌های در دست انتشار می‌توانم «بازاریابی اطلاعات» ترجمه مریم اسدی، «میز مرجع مجازی» ترجمه مهدی محمدی، «اخلاق نوشتاری و هنر نوشتن» تالیف ژیل‌حسن لو و «مشاوره اطلاعاتی اصول، روش‌ها و فنون» تالیف علیرضا نوروزی را نام ببرم.

همچنین «کاربرد سامانه اطلاعات جغرافیایی (DIS) در خدمات کتابداری و اطلاع‌رسانی» ترجمه مهری صدیقی، «آشنایی با بانک‌های اطلاعاتی» تالیف داوود محمدی فرد و «چالش‌های اخلاقی عصر ارتباطات» تالیف علیرضا قضاغه الاسلامی عنوان دیگر کتاب‌های در دست انتشار نشر چاپار است.

نشر چاپار تنها کتاب‌های ترجمه و تالیف در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی را منتشر می‌کند. ویژگی تمام این کتاب‌ها انتشار آنها برای نخستین بار است. از سوی دیگر در این زمینه کتاب‌های مشابهی نیز در بازار نشر دیده نمی‌شود.

دلاورانی از تات

■ سید مصطفی علوی، دین پژوه



این روزها مقدمات و برنامه‌ریزی‌های چاپ پنجم «هزار و یک نکته از کربلا» و دفتر دوم «دلاور مردان تات» را در دست اقدام دارم.

دفتر نخست این کتاب در آستانه سالگشت هفته دفاع مقدس وارد بازار کتاب شد. به نظرم تاکنون کتابی در حد «دلاور مردان تات» در تاکستان تالیف و منتشر نشده است. در این کتاب با طرح ۱۴ سوال فنی سراغ ۱۹ پیشکسوت خاک جبهه خورده تاتی و تاکستان نشین رفته و به گفت‌وگو و مصاحبه با آنها نشسته‌ام. سعی داشتم گوشه‌ای از درد دل‌ها و دغدغه‌های به زمین مانده این افراد را به رشته تحریر درآورم تا شاید گوش شنوایی برای شنیدن این دغدغه‌ها پیدا شود. از سوی دیگر نسل سوم و به ویژه نسل چهارم انقلاب با پدران جبهه رفته خود و ارزش‌ها و داشته‌های معنوی آنها بیشتر آشنا شوند.

به زودی دفتر دوم «دلاور مردان تات» توسط انتشارات سال در تاکستان منتشر می‌شود.

یادداشت

محمدعلی آزادی خواه

نویسنده و معلم



به مناسبت روز دانش‌آموز

آرزوی بر دل مانده

کتابخانه‌های مدارس چه در شهرستان‌ها و چه در مراکز استان‌ها و حتی تهران، نه با کتاب‌های نو به روز می‌شوند و نه مسؤولان مدرسه توجهی آنچنان که باید به آنها می‌کنند. نتیجه می‌شود آن چیزی که در حال حاضر می‌بینیم، خیلی از دانش‌آموزان میل و رغبتی ندارند تا سراغ قفسه‌های خاک خورده با کتاب‌های تاریخ مصرف گذشته بروند. علاوه بر تمام مسائل، نشانه «دست زدن به کتاب‌ها فقط با اجازه مسؤول کتابخانه مقدور است»، همچنین آموزش مربیان پرورشی برای ارائه روش‌های صحیح مطالعه به دانش‌آموزان و توانایی تجهیز کتابخانه‌های مدارس به کتاب‌های روز توسط این افراد امری ضروری است که متأسفانه از سوی برخی مسؤولان جدی گرفته نشده است.



کتاب خوب باید به دست قشر کتابخوان مدارس برسد. قرن، قرن بیست و یکم است. دانش‌آموزان باید معاصر و امروزی باشند. دانش‌آموزانی که کتاب غیردرسی نخوانند معاصر نیستند و افکاری قدیمی بر زندگی این نوجوانان حکمفرماست.

۴۵ سال است معلمی می‌کنم. دیدن ماشینی حامل چند کارتن کتاب خوب برای کتابخانه مدرسه آرزویی است که بر دلم مانده.

کتاب خوب، کتابی مطابق روز با نشان از آخرین دستاوردهای دانش بشری است، باید چنین کتاب‌هایی با توجه به مقاطع سنی مختلف و زیر نظر کارشناسان کتاب کودک و نوجوان ترجمه، تالیف، استانداردسازی و طبقه‌بندی شوند.

اگر کتاب‌هایی از این دست داشتیم آن‌گاه می‌توانیم انتظار داشته باشیم که دانش‌آموزان ما با خرد و تعقل به کتابخوانی عادت کنند.

وزارت آموزش و پرورش مهم‌ترین نهادی است که باید در این زمینه اقدام عملی صورت دهد. کتابخانه مدارس رانگ و رویی تازه بخشد و کتاب‌های روز را میهمان قفسه‌های آنها کند تا دانش‌آموزان اندیشیدن را بیاموزند. مثلاً نمایشگاه‌های «یادیار مهربان» که به همت وزارت ارشاد برگزار می‌شود باید مورد توجه جدی تر قرار بگیرد و فعالیت‌هایی از این قبیل، ده‌ها برابر رشد کند.

جای خالی ادبیات کلاسیک نیز همچون کتاب‌های نو در قفسه‌های کتابخانه‌های ما به چشم می‌آید. گلچین ادبیات کلاسیک و متون کهن باید به گونه‌ای ساده شده و جذاب در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد.

از طرفی متأسفم که می‌گویم، به طور کلی اشتیاق به کتاب در کودکان و نوجوانان ما نقش کم‌رنگی دارد. آنها نگاهشان معطوف به پدرها و مادرهایشان است. تازمانی که ما والدین به مطالعه روی نمی‌آوریم، فرزندانمان هرگز کتاب خواندن را فراموش نخواهند گرفت. نمی‌گویم بچه‌ها را وادار به کتابخوانی کنیم بلکه تنها می‌توانیم کتاب‌های مناسب آنها را در اختیارشان بگذاریم تا سراغ این آثار بروند.